درويشنام

پیشگفتار

نظارت پلیس برمجموع جمعیت همیشه جزء اساسی هرگونه سلطه استعماری بوده است . هرقدر این سلطه استعماری با مقاومت مصمم وگسترده توده ها بیشتربرخورد پیدا می کند زندانهای عادی و زندانهای با اعمال شاقه بیشتر شده شکنجه ها و رفتارهای بی رحمانه ترمی گردد . استعمارنوین امریکا در این مورد از استعمار فرانسه بسیار یا فراتر گذاشته و نیکسون ـ تیو از آیزنهاور ـ دیم ینکندی خود را بی رحمتر نشان داده اند .

نیکسون در سال ۱۹۶۹ دستور داد که مناطق وسیع روستایی وکوهستانی آزاد شده از نو تصرف شوند . او برای گسیل میلیونها دهقان به شهرها و سرزمینهای اشغال شده دستور بمباران منظم وبی وقفه این مناطق را داد .

نیکسون ـ تیو برای مهار جمعیتی که بزور گرد آورده اند و بمنظور تسریع در استخدام مزدوران جنگی رژیم ترور ووحشت را حاکم گردانده اند . مقصود این است که با تصفیه مبارزان وافراد مشکوک باتوقیف همه مخالفان واقعی واحتمالی هرگونه فعالیت میهن پرستانه را فلج کنند . مردم را وحشت زده سازند وآنها را مجبور به قبول رژیمی نمایند که واشنگتن بآنها تحمیل می کند . بیشتر مقصود آنست که حتی انقلابیان را ناگزیر کنند آرمان خود را نفی وبخدمت آمریکا درآیند .

برای مقاصد فوق یک دستگاه فشار واختناق مرکب از شبکه بزرگی از زندانهای عادی و زندانهای ویژه با اعمال شاقه وبازداشتگاههای مجهز بیک نظام شکنجه بدنی و روحی بوجود آمده که با مراقبت متخصصین بانکی و کمک مالی وتکنیکی فراوان آمریکا مدرن شده است . تجربه استعمار فرانسه وبویژه انگلیس با کمک روبرت تومسون (۱) مورد استفاده قرارگرفته وتوسط دوایر آمریکائی متخصص این امور "بهبود" یافته است .

وسعت عمل این دستگاه سرکوب کننده واختناق چقدر است ؟ چگونه عمل میکند ؟ چه تعداد زندانی سیاسی وجود دارد ؟ پس از امضاء قرارداد پاریس چه وضعی بوجود آمده است ؟ مسئولیت های واشنگتن در این زمینه کدامهایند ؟ کوشش کتاب حاضر بر این است که با تکیه برشواهد بیشمار تمامی این سئوالات راکه برای میلیونها انسان مضطرب در جهان مطرح است پاسخ گوید . ناظران آنچه را که دیده یا شنیده اند وقربانیان رنجهائی را که متحمل شده اند بازگو میکنند . شجاعت ورنجهای آنان

۱ـ مشاورعالی نیکسون . وی بهمین سبب باین مقام ارتقاء یافته است .

میتواند حد اقل درخدمت این باشد که نزد همگان هوشیاری لازم دربرابراستعمار نوین یانکی رابرانگیزاند . تااین زمان بخصوص سیمای تهاجمی یانکی شناخته شده است باید ازچهره سرکوب کننده آن نیزنقاب برداشت . برای شناخت بهتر لین سیاست استعمارنو درتمامی ابعادش به بمب ها ناپالم وفسفرباید وسائل مورد استفاده درزندانها شکنجه ها بدرفتاریها واقدامات وحشت افزارانیزافزود همچنین به وسعت شکستی که درویتنام وهند وچین براو وارد گردید باید توجه کرد.

مه ۱۹۷۲
انتشارات بزبان خارجی ـ
هانوی

یک

مقدمه

دلیل ترجمه این کتاب بزبان فارسی این بود که روشهای عمل پلیس وسیستم سرکوب درویتنام . دراختیارمبارزین ایران قرارگیرد . پلیس ازجمله " حد میتی " های این دوران — اگرنگوئیم همه دوران هاـ است وشناسائی کردن روشهایش دراین و آن کشورجهان برای کسانی که بخواهند مبارزه کنند ضروریست . صدمات بسیاری که مبارزان ایرانی در داخل وخارج کشوربخاطر ندانم کاریهای و نشناختن روشهای — پلیسها ، دیده اند ومی بینند ، مارابرآن داشت که مطالعاتی راکه دربارهٔ این روشها بعمل آمده ماند . بتدریج دراختیارمبارزان ایرانی قرارد هیم . امید آنکه درآموزش وتجربه اندوزی مبارزان رابکارآید . همه ببینند ، روشهای ارتجاع درکشورهای مختلف جهان حگونه است بلکه راه های مبارزه بااین روش شناخته وباموفقیت بکاربرده شوند

دراین مقدمه کوشش میشود بطورمختصرروشهای شکنجه واوضاع زندان وروشهای پلیس درسرکوب مبارزان ایران شرح کرد ند . البته شیوه های سرکوب خود موضوع تحلیل جدی جداگانه ای است تاسازوکارهای سرکوب واستثمارمردم کشور ما دربهتر شناخته گرد ند . روشهای این سرکوب هاهم فشاروتضییق جسمانی وروانی وهم سرکوب فرهنگی وایدئولوژیك وهم سرکوب سیاسی را شامل می گرد ند . اما دراین مختصرعمده اسناد

سیستم پلیسی دشمن

رژیم پلیسی ایران بدنبال کودتای ضد خلقی ۲۸ مرداد ۳۲ وبدنبال فرماندار ی نظامی چند ساله برای جلوگیری ازتشکیل هسته های مقاومت مخفی ودرعین حال ایجاد جو عدم اعتماد بین مردم نسبت بیکدیگرودرنهایت حاکم ساختن روحیه ضعف وناتوانی در افراد وگروههائیکه تمایل بمبارزهباحکومت دیکتاتوری داشتند سازمان اطلاعات وامنیت کشور (ساواک) راتشکیل داد . ساواک که شرط مقدم چپاول دسترنج خلق بوسیله امپریالیستهای خارجی ومرتجعین داخلی بود . درسال ۳۵ بوجود آمد . ساواک درطول سالیان گذشته تاامروزنقش‌عمده ای درسرکوب جنبش ملی ایران داشته است ودرفاصله ۲۰ سال روشهای مرسوم مخالفان راخوب شناخته است وبااثربخشی بسیارمخالفان راسرکوب کرده است . ما به تشریح وضع ساواک ونحوه سازماندهی آن نخواهیم پرداخت . درعوض‌سازماندهی جدید نیروهای پلیس رژیم کودتاکه برای مقابله با روشهای جدید تکامل یافته مبارزان ایران طرح ریزی و اجرا شده است . راتوضیح خواهیم داد .

سازماندهی ارگانهای پلیس رژیم برای سرکوب مبارزه مسلحانه شهری

سازماندهی ووظائف کمیته

اوجگیری مبارزات خلق ما درسال ۵۰ که تکامل شیوه های نوین تاکتیکی وسازمانهی پیشرفته ترتیمهای‌نظامی ـ سیاسی شهری راایجاب میکرد . متقابلا ارگانهای پلیسی رژیم ودرراس‌آنهاسازمان امنیت واطلاعات شهربانی رامصمم ساخت که علیرغم همه تضادهای‌فیمابین . دست بکارایجاد یك اتحاد نظامی ـ سازمانی درسطح تمام کادرهای فعال خود بشوند . تدارك این امردرحدود زمستان ۵۰ بایجاد کمیته مشترك ساواك وشهربانی انجامید . بدینترتیب کیفیت بالای نیروهای ساواک که ازتجربه بسیاروسیعتری درزمینه کشف وسرکوب سازمانهای سیاسی ومبارزه مخفی برخوردار بودند . امکان یافت باکمیت وامکانات وسیع اطلاعات شهربانی تلفیق شده وازاین جهت بسطح بالاتری از کارآئی وگسترش‌نائل آید . این ارگان (کمیته‌مشترك) که ظاهراپیشرفته ترین ومتکاملترین نوع سازماندهی پلیسی درمبارزه علیه انقلابیون شهری ومحصول آخرین تجربیات جهانی امپریالیسم وجمعبندی مؤسسات پلیس ا و

د رسرکوب خلقهای مبارزمیباشد . برنامه وهدف اصلی خود راکشف وامحاء عناصر واعضای سازمانهای مسلح ومبارز شهری قرارد اد ه است . این برنامه د ر استراتژی کلی تر سرکوب جنبش انقلابی خلق که د رسالهای اخیربصورت قهرمسلحانه متجلی شد ه است . قابل بر رسی است

ستاد عومی کمیته باشرکت اعضای برجسته سازمانهای د ولتی واجرائی تشکیل شد ه است. هر سازمان مهم د ولتی وهربخش ازنیروهای نظامی یك نمایند ه د رکمیته د ارند . مثلا نمایند گی وزارت آموزش وپرورش راد رکمیته باصطلاح ضد خرابکاران شهربانی وساواك " نبوی نوری " مد یرکل سابق فرهنگ استان بعهد ه د اشت ویا یك سرلشگرنمایند ه نیروی هوائی د ر کمیته است .

سازماند هی کمیته برمبنای تشکیل تیمهای پلیسی کاملا مسلح باتحرك فوق العاد ه بنام " اکیپها " صورت گرفته است . تاکنون نیزد رزمینه های تعقیب و هد فهای ضد مرد می خود موفقیت هائی بد ست آورد ه است مرکزفرماند هی کمیته د ر محل زند ان موقت سابق واقع د رساختمان شهر بانی کل کشور (پانست پستخانه) قرار د ارد وباتعیین وظائف وهد ایت وکنترل اکیپها (ازطریق بیسیم) آنهارا فرماند هی میکند . کمیته تاکنون توانسته است حد ود ۷۰ اکیپ د رجهت هد فهای فوق سازمان د هد که د رهرنوبت گشت (صبح وبعد ازظهر) حد ود ۲۵ تا ۳۰ اکیپ مستمرابکار مشغول هستند . . . وظائف گشتی ها را میتوان بصورت زیرخلا صه کرد :

۱ ـ حفاظت وکنترل منطقه واگذ ارشد ه
۲ـ مقابله فوری باهرگونه اقد ام چریکی د رهمان منطقه
۳ـ انجام ماموریتهائی که ازطرف مرکز ازقبیل بازرسی خا نه ها وبد ستگیر ی افراد و . . . باکیپ محول میگرد د . (۱)

پلیس وارتش

نقش پلیس وارتش بیشترد رسرکوب تظاهرات وسیع مرد م علیه د ستگاه حاکمه ویا خواسته های صنفی اقشا روطبقات مختلف نمایان میگرد د . بطور مثال :

---

(۱) سازماند هی وتاکتیکها . نوشته مجاهد ین خلق ایران تابستان ۱۳۵۳ ـ تکثیر وتوزیع از پیام مجاهد . صفحات ۱۴ ـ ۱۸

چهار

در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان به منظور اعتراض بسفر نیکسون . ایجاد روابط با انگلستان واستقرار پلیس در دانشگاه . دست بتظاهرات میزنند . نیروهای نظامی بلافاصله به کلیه مراکز تجمع دانشگاه حتی کلاسهای درس حمله برده وسه تن از دانشجویان مبارز دانشگاه تهران ؛ مصطفی بزرگ نیا . شریف رضوی . ناصر قندچی رابضرب گلوله ازپای درمیآورند . . .

درخرداد ۱۳۳۸ سی هزارکارگرکوره پزخانه یکپارچه ومتحد . علیه شرایط اسارتبار زندگی خود . دست باعتصاب زدند . دکتر اقبال[1] گفته بود که " من هر اعتصابی رابانیروی مسلح درهم میشکنم

ازاینرو پس از آغاز اعتصاب . تمام قدرت مسلح دستگاههای پلیس . بمنظور سرکوب کردن اعتصاب کنندگان بحرکت درآمد . درگیرودار این معرکه که در یکسوی آن قوای مسلح ارتش ودرسمت دیگرمردمی زحمتکش وبی دفاع بودند پنجاه کارگر شهید وعده بسیار زیادی مجروح گردیدند . عده ای نیزدستگیر وبکنج شکنجه گاهها کشیده شدند .

در ۱۵ خرداد ۱۳٤۲ مصادف باایام سوگواری تاسوعاوعاشورابود . بدنبال دستگیری آیةالله خمینی وبحمایت ازمبارزه معظم له درتهران هزاران نفر ازمردم دراین مراسم شرکت کرده بودند . نارضایتی وخشم عمیق توده های مردم باعث شد که مراسم مذهبی به تظاهرات بزرگ وپردامنه توده هاعلیه رژیم شاه و امپریالیسم تبدیل شود . . . توده های مردم چون سیلی پرتوان خیابانهای تهران راگرفته بودند . شاه ورژیم برای حفظ حکومت ننگین خود تمام نیروهای مسلح (ارتش وپلیس) خود رابه مقابله مردم آوردند . رگبارمسلسلها درتهران وشهرهای دیگرهزاران نفر رابقتل رساندند . . . نیروهای کماندوی شاه مردم زحمتکش ورامین راکه کفن پوشیده وپیاده بسوی تهران حرکت کرده بودند درمیان جاده ورامین به گلوله بستند وعده زیادی ازمبارزین ورامین رابه قتل رساندند در شهرهای تبریز ومشهد . قم . شیراز نیزصدها نفر ازمیهن پرستان ایران دراین قتل عام بشهادت رسیدند . (۲)

---

(۱) نخست وزیر وقت

(۲) درباره ساواک . کنفدراسیون جهانی محصلین ودانشجویان ایرانی ص ۲۹ــ ۰۷

بالاخره باید ازکشتارکارگران جهان چیت توسط نیروهای مسلح ارتش نام برد .

سایر روشهای سرکوب :

دستگاه حاکمه وامپریالیسم روشهای دیگر درازمدتی رابرای سرکوب خلق بکار میبرند منجمله سرکوب ایدئولوژیک وفرهنگی وروشهای مختلف کنترل افکارعمومی وسازمانهای سیاسی .

سرکوب ایدئولوژیک وفرهنگی

کمیته (مشترک شهربانی وساواک) علاوه برمبارزه پلیسی ـ نظامی خود با چریکهای شهری برنامه های سیاسی فرهنگی درازمدتی راهم طرح ریزی کرده وتوسط همین نمایندگان بارگانهای اجرائی رژیم ابلاغ مینماید . مانند برنامه های جدید آموزش ابتدائی ومتوسطه که ازدوره کودکستان تاپایان دبیرستان باشستشوی مغزی و تبلیغ ایدئولوژی رژیم ازطریق گنجانیدن مطالب ارتجاعی شاهدوستی یاتبلیغ پیشرفتهای مملکت وسرود های شاه پرستانه و . . . دربرنامه های آموزشی ونیزگنجانیدن ماده امتحانی " شناخت مملکت " درکنکوردانشگاهها وهم چنین برنامه های فساد پراکنی ازقبیل کاخهای جوانان وغیره (نکته جالب توجه این که طرحهای اساسی کمیته تاکنون توسط وزارت آموزش وپرورش باجرا درآمده است) . باضافه طرح ایجاد اداره های حفاظت درهرموسسه دولتی یاطرح مسلح ساختن کاخانجات جهت مقابله با اقدامات چریکی یابرنامه های سخنرانی وتبلیغ برای کارگران وکارمندان بعناوین وبهانه های مختلف نیزازاقدامات " کمیته مشترک " بوده است .

ازنظر ایدئولوژیک نیزکمیته بابخدمت درآوردن برخی از تسلیم شدگان مانند (نیکخواه . دامغانی لاشائی ومرتجعین باصطلاح مذهبی) موضع فعالی گرفته وازطریق تبلیغ ایدئولوژی منحط وفاسد طبقه حاکم درقالبهای خوش آب ورنگ " سیاست مستقل ملی فرهنگ باستانی " و " ایدئولوژی شاهنشاهی " وپیشرفت های اقتصادی بین همه رسمی و . . . پشتیبانانی برای خود جستجومیکند (۱)

مجاهد شهید رضارضائی دراین باره مینویسد :

---

(۱) سازماندهی وتاکتیکها نوشته مجاهدین خلق ایران تابستان ۱۳۵۲ تکثیر و توزیع از پیام مجاهد ص ۹۶ ـ ۹۷

فشاروخفقان فراوان است و محیط بشدت پلیسی . دستگاههای تبلیغاتی جهنمی که الان سراسر کشوررا باسیستمهای ماکروویوو تلویزیون و . . . پوشانده اند گوشها را کرمیکند . رژیم به یك بسیج همه جانبه فرهنگی . پلیسی و . . . علیه جنبش جوانان ما دست زده است . بچه هاحتی از دوران کودکستان یکروز هفته باید در کلاس بحثهای سیاسی که در حقیقت ــ بحثهای شاهی ــ میباشد شرکت کنند . برنامه آموزش دانش‌آموزان تادانشگاه همه تغییر خواهد کرد و در آنها اصرار روی آموزشهای میهنی است (۱)

روشهای پیشگیری کننده

سازمان امنیت ایران بعنوان یك سازمان پلیسی سیاسی ــ مخفی . متناسب باهرمرحله ازرشد وتکامل. جنبش . شیوه های اهریمنی تعقیب ودستگیری خود راتکامل داده است . یکی ازمهمترین برنامه های درازمدت ساواك در بتوراندن سازمانهای سیاسی . طرحی است که بنام طرح " سازمان مادر" معروف است . اکنون توانسته ایم خطوط اصلی این طرح بزرگ ودرازمدت راکه درطی قریب ۱۶ سال (از ۳۴ تا ۵۰) بهترین نتایج را در کشف ودستگیری گروهها برای سازمان امنیت ببارآورده کشف کنیم نقاط مبهم ونامشخص هنوز وجود دارد که بایی جوئی ودقت مبارزین انقلابی بمرور روشن خواهند شد . آنچه اهمیت دارد این است که راز این حربه بزرگ اکنون ازپرده بیرون افتاده است وبخصوص باسازماندهی جدید نیروهای مبارز مسلح چنین حربه‌ای بیش از پیش کند ترمیگردد .

ساواك بعد ازسرکوب کامل حزب توده وسازمان افسران .ن در پایان سال ۳۳ کم کم باین فکرافتاد که ازعناصر سست عنصروخائن حزب . برای مقاصد ضد انسانی خود کمك گرفته وتجربه سیاسی آنهارا درخدمت منافع کثیف استعماری قراردهد . (البته درآن موقع هنوزساواك تشکیل نشده بود وفرمانداری نظامی کارساواك رامیکرد .) این نقشه بعدابافکردیگری تکمیل شد . باین معنی کهساواك . به عده ای ازعناصر خود فروخته وخائن که مخفیانه خود را درخدمت پلیس گذاشته بودند . اجازه داد که همچنان بفعالیت سیاسی مخفی خود ادامه دهند تا ازاینطریق شبکه های خود را در

(۱) از زندگی انقلابیون درس بگیریم . یادنامه مجاهد شهید رضا رضائی ضمیمه جنگل ۱ ازانتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران فروردین ۵۳ تکثیر ازانتشارات ۱۲ محرم .

ن اقشار روشنفکری وگروههای مبارز. بپراکند . د راین میان بسیاری ازعناصر بـــا
اقت وکم تجربه نیزجذ ب این گروههای باصطلاح سیاسی ـ مخفی شد ند . باین
بب علیرغم افراد بالای این گروهها که عناصرخائن وخود فروخته بود ند . افراد صد یق
اد ه ای هم وارد این گروههاگرد ید ند . بخصوص ازطریق همین افراد ساد ه وصد یـق
که این گروهها جلب اعتماد افراد و گروههای د یگر راکرد ه واطلاعات لازم را از
یق همین افراد بکاد رهای خائن بالا وازآنجابساواک رساند ند . این گروهها . که
رواقع چیزی جزیك شبکه اطلاعاتی برای پلیس نبود ند . توانستند بسرعت شاخکها ی
ود ر راد رمیان روشنفکران وسازمانها یاگروههای کوچکترسیاسی فروکنند . ۰۱ آنجـا
عناصرتشکیل د هند ه سازمان ماد ربیشتراز عناصرحزب تود ه بود ند . عمد تاتوانستند
رمیان سازمانهای مارکسیستی نفوذ کنند . عمد ه ترین این سازمانهای سیاسی کـه
هیتاپلیسی بود ند عبارت بود ند ازتشکیلات تهران ــ ساکا ــ گروه جریان (۱)

ریکهای فد ائی خلق د راین باره چنین مینویسند :

تشکیلات تهران نه تنها افراد رابد ام خود میاند اخت بلکه بوسیله ی افـراد وابسته
خود ازگوشه وکنار اطلاعاتی راجع به گروهها و انقلابیون د یگرنیزجمع آوری میکـــرد
طبعا تمام این اطلاعات بوسیله ی عباس شهریاری د راختیارسازمان امنیت قرارمیگرفت
لبته شهریاری عد ه ی زیاد ی ازکارمند ان سازمان امنیت رانیزد ر تشکیلات تهران وارد
رد ه ود ر راس کارهای مختلف قرارد اد ه بود ود ر واقع این سازمان امنیت بود کـــه
وسیله عد ه ای ازکاد رهای حزب تود ه تشکیلات تهران رابوجود آورد ه بود . هـــد ف
سازمان امنیت ازایجاد تشکیلات تهران ازسوئی جمع کرد ن عد ه ای ازعناصرانقـلابی
یی اثرکرد ن آنها و ازسوئی د یگرایجاد کانونی برای شناسائی سایرگروهها وسازمان
انقلابی وحتی افراد د ارای اند یشه ی سیاسی بود (۲)

---

(۱) سازماند هـی وتاکتیکها . نوشته مجاهـد ین خلق ایران ــ تابستان ۱۳۵۳
تکثیروتوزیع ازپیام مجاهد صفحات ۱۱۵ ــ ۱۱۷
(۲) اعـد ام انقلابی عباس شهریاری . مرد هزارچهره ... بوسیله سازمان چریکهای
فد ائی خلق صفحات ۱۷ ــ ۱۸

مهمترین ابزار سرکوب دشمن در رابطه بامبارزین شکنجه میباشد.
در اینجا مواردی ازروشهای شکنجه در ایران را ذکر میکنیم.

درباره شکنجه های آریامهری

شکنجه های گوناگون در زندانهای آریامهری رایج است بطورمعمول همینکه چریکی اسیرمیشود یك برنامه مشت ولگد وفحشهای بسیاررکیك بلافاصله اجرامیشود. این برنامه چه بساتاچند وچه هفت هشت ساعتی ادامه دارد. این ناشتائی است وبطور معمول زندانی بارهاازهوش میرود که دوباره اورابهوش میآورند. شکل کار بدینصورت است که اسیر راد راطاقی میبرند. گرداگرد آن افراد قلدرو دوره دیده ای ایستاده مانند اسیر راوسط میاندازند وبامشت ولگد بیك یگرپاس میدهند. اسیرهم چنان در وسط است خونین وکوفته وچه بسابا اعضائی شکسته. چریکهااسم این اطاق را اطاق فوتبال گذارده اند. این عملیات برای شکستن اراده وبهم زدن ذهن چریك انجام میشود. ضد انقلاب بدینسان میخواهد ضمن ایجاد هراس در دل چریك مجموعه پاسخهائی را که چریك برای خدمت بانقلاب ازقبل درذهن ساخته است درهم بریزد.

در آن مرحله اغلب حتی ازاسیرهیچگونه پرسشی هم نمیکنند. فقط میزنند پس ازآن نوبت بازجوئی میرسد.

یك بازجوئی طولانی وخسته کننده بارهاوبارها بازجویان بعلت خستگی عوض میشوند. ولی چریك ثابت است. چریك استراحت خود را در" اطاق فوتبال" کرده است. این بازجوئی که بابی خوابی وزجرفراوان آمیخته است بیشترازآن جهت است که چریك نتواند اندیشه خود را منظم کند بدون اراده سخن گوید. اگر از اینهانتیجه حاصل نشودعملیات بعدی آغاز میشود این عملیات ازکشیدن ناخن تانشاندن بسروی منقل الکتریکی تاشکستن دست وباشوك برقی وتاشلاق زدن بکف پا وغیره دنبال میشود

ازنظر خود شکنجه گران ومتخصصین "عدل پهلوی" مهمترین ودردناك ترین انواع شکنجه ها همان شلاق زدن کف پاست. این شکنجه بدینسان است که زندانی رابروی تختخواب آهنی مخصوص رازکش محکم می بندند بطوریکه فقط دوکف پای اسیر ازمیان کند تخت بیرون است. شلاق کابل برق است. شکنجه گردر فرود آوردن کابل بکف پای زندانی تخصص دارد. شلاق زدن آغازمیشود. تعداد ضربات نامعلوم

ست . ونامعلوم ترازآن تعد اد دفعاتی است که زند انی راشامل اینگونه الطاف ملوکانه قرارمید هند . وضع کف پامعلوم است زخمهاشکفته میشود . خون مردگیهای شدید بوجود میآیند و ورم میکنند راه رفتن بد ترین عذاب است وباید راه رفت . چاره‌ای نیست

چریکهائی بوده اند که کف پایشان د راثر این شکنجه متجاوز ازده سانت ورم کرده وزخمهاشکافته اند . مانند اصغربد یع زادگان از " مجاهدین خلق " چریکهائی بوده اند که تمامی استخوانهای کف پایشان بوضوح آشکارشده اند . مانند همایون کتیرائی از" چریکهای آرمان خلق " ومعهذ اپایمردی کردند . . .

اصغربد یع زادگان رامتجاوز ازیکماه شکنجه میکردند نخست بر روی اجاق نشاندند وسپس به پشت خواباندند یکباربرای مدت ۵ ساعت مداوم اورا میسوزاندند . سوختن چند ان اد امه یافت تا ازپوست وگوشت گذشت وبه نخاع رسید . چریک د لاور انقلاب خلق د رآبستان نفلج قرارگرفت . وهمچنان چیزی نگفت ونگفت . او رابهمان وضع د رسلولی اند اختند ود ر رابرویش بستند زخمهای سوخته چرك کرد وچرکها انباشته شدند تعفن چرك وپوسیدگی سلول راپرکرد زند انیان د یگرخفه میشدند . . . . اینهانمونه هائی ازشکنجه های جسمانی است . شکنجه های د یگری هم هست که " روحی " نام د ارد . این شکنجه هابه تنهائی د یگر چند ان معمول نیست . . . . روبهمرفته د رنیمه های شب اوای ناله های مرگ فضای زند ان را پرمیکنند . بد نبال آن فریاد جیغ های د لهره انگیزکه گویای شکنجه د یگران است بناگاه بید اربا ش میزنند . سپس سگی عوعومیکند . همه چیز خاموش میشود . این فریاد وناله هاهمه نوارند ولی این نوارها از روی واقعیت پرشده اند اینهافریاد ناله یاران شکنجه شده ماست که ازطرف هنرمندان شکنجه چی انقلاب سفید انتخاب شده اند و پخش میشوند (۱)

مهدی رضائی مجاهد شهید د ر د ادگاه د رباره شکنجه چنین میگوید :

د رخاتمه ازشکنجه صحبت میکنم . این شیوه رفتارهمکاران شماست که جوانان انقلابی میهن مارازیرشکنجه های وحشیانه رذیلانه میگیرند . خودمن ۱۰ روز زیر شکنجه بودم وفشارخونم به ۵ رسیده بود و ۲۰ کیلو لاغرشده بودم . برای آماده کردن من بمنظورشرکت د ر د ادگاه یکماه د ربیمارستان بوده ام . مرابا اجاق برقی سوزانده اند

---

(۱) گفتاری د رباره شکنجه وزند ان ازمجاهدین خلق ایران بهمن ۱۳۵۰ تکثیروتوزیع از " مجاهد " تیرماه ۱۳۵۱ صفحات ۵ــ ۱۲

بطوریکه ازراه رفتن عاجزبودم ورو‌ی زمین وروی سینه خود حرکت میکردم . مامورین شما(ثابتی) باآلت خود شان د رد هان من ادرار کردند . آیاشرم نمیکنید . این ماهیت واقعی رژیمی استکه ماباآن به مبارزه برخاسته‌ایم .(۲)

حجت الاسلام آقای شیخ حسین غفاری‌آذرشهری راپس‌ازد ستگیری تحت شکنجه های‌طاقت فرسافرارمید هند . . . ازجمله شکنجه هائی که باوداده بودند این بود که پاهای اورادرمیان دیك روغن زیتون جوشان گذاشته گوشت وپوستش راسوزاندند (۲)

هرقدرشخصیت اخلاقی فرد اسیربرجسته تروروحیه اونیرومند ترباشدعکس‌العمل بعضی ازمامورین نسبت باوشدید ترمیشودکواینکه احیانامامورین هم نسبت باوحس احترام بشتری میکنند . گرفتن خواب برای مدت طولانی . دوانیدن سوزن بزیرناخن فروبردن . سوزانیدن‌پشت‌دست . پیشانی . پشت‌پلك چشم باآتش‌سیگار . آویزان کردن ازسقف اطاق . دوانیدن موی اسب بمجرای ادرار . همه اینهارابا حرکات توهین آمیزدیگرکه هرانسان ازبیان آنهاشرم دارد بهم میآمیزند . حتی گاه پیرمردان راهم بمنظورخاروخفیف کردن بوسیله نیم بطری وتخم مرغ داغ موردتجاوزقرارمید هند . عده کسانیکه دراثراین اعمال وحشیانه یازیرشکنجه جان داده یابرای یك عمرمعیوب ومعلول شده اند کم نیست .(۳)

آقای ایوبودولو وکیل دعاوی درپاریس‌که بایران رفته بوددرباره شکنجه چنین میگوید :

" زندانیان سابق ازمحل شکنجه درزندان‌اوین بامن حرف زدند وانواع شکنجه‌هائی راکه خود دیده بودند برایم برشمردند : .

---

(۱) متن کامل دفاعیات دوتن ازسازمان مجاهدین خلق ایران سعید محسن ومهدی رضائی دردادگاه نظامی ازانتشارات کنفدراسیون جهانی محصلین ودانشجویان ایرانی بهمن ماه ۱۳۵۱ ص ۳۸

(۲) خبرنامه شماره ۳۹ بهمن ماه ۱۳۵۲

(۳) درباره ساواك کنفدراسیون جهانی ومحصلین ودانشجویان ایرانی ص ۱۱۵

یازده

شلاق خوردن با یک شلاق سیمی
میز فلزی که بتدریج داغ میشود وزندانی را روی آن می خوابانند .
سوزاندن بدن با سیگار
اتصال برق به اعضای تناسلی
آویختن از دستها به سقف درحالیکه یک بطری نیمه شکسته در مقعد زندانی فروکرده اند
و . . . بمن گفتند که زندانیان راحتی در حضور کسانشان شکنجه میدهند تامگرآنها را
باقرار آورند . آنها مواردی راکه خود شاهد بوده اند برایم گفتند ، ازجمله اینکه به
یك زن درحضور شوهرش تجاوزکردند تاشوهرمجبور به اقرارشود .

ونیزیك بچه ۷ ساله راجلوی چشم پدرش شکنجه شلاق وبرق دادند تاپدر ش
مجبوربه اقرارشود .

یك بچه ٤ ساله راجلوی چشم مادرش به شلاق سیمی بستند وباقیچی جراحی
پشت گردن پسربچه را قطعه قطعه میبریدند تامادر رابه حرف زدن وادارکنند (۱)

شکنجه دیگری که درمورد بیشتر دانشجویان بکاربرده می شود گرفتن وصیت نامه
وتشکیل جوخه آتش است . پس ازآنکه شکنجه های مقدماتی تمام میشود دانشجویان
راوادار به نوشتن وصیت نامه می کنند وآنگاه چشم آنانرابسته ودربرابرجوخه آتش قرار
میدهند تاآنچه راتمایل دارند ازربان آنان بشنوند . ویاباقراردادن هفت تیر بر روی
شقیقه آنانراوادار به امضای اقاریر ازپیش ساخته می نمایند تادردادگاه های نمایشی
علیه آنان مورد استناد قرارگیرد .

درزندانهای انفرادی قصر نیزشکنجه های وحشتناکی بکارمی روند بعنوان
نمونه حمید کریمی رادرحال اعتصاب غذا باپنج نفردیگربه صلیب کشیده و درآن حالت
شلاق زده اند وبالاخره باپافشاری زندانیان شماره ۳ قصر آنانرابزندان بازگردانده اند (۲) .

درباره وضع زندانها

هر چند گاه یکبار از اداره اطلاعات برای جمع آوری وتفتیش کتابهائی که در

---

(۱) گزارش ناظرین بین المللی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران فروردین ۱۳۵٤
نهضت آزادی ایران (خارج ازکشور) ص ٤

۲ـ خبرنامه شماره ۲۰ بهمن ۱۳٤۹ ص ۹

زندانند میآیند وهرچه کتاب علمی قابل استفاده باشد جمع آوری کرده باخود میبرند
واکنون درکتابخانه زندان جزچند جلد کتاب بی ارزش چیز دیگری رانمیتوان یافت .
پس ازیورش وحشیانه پلیس درفروردین ٤٨ وغارت وازبین بردن اموال زندانیان شماره
٣ و٤ قصردیگر اجازه ورود هیچ وسیله ای رابزندان نمیدهند . همه تختخوابها و
میزونیمکت مطالعه وچراغها رابرده اند وحتی اجازه نمیدهند دراطاقها ازلامپهای
پر نور استفاده شود وبعلت کمی نور چراغ اکثرزندانیان دچارناراحتی های چشمی میباشند
برای هرزندانی بیشترازیك فضای ٢٥ سانتی متری وجود ندارد . اغلب اطاقها نمناك
هستند . پادرد و کمردرد ازبیماری های شایع زندان است وجالبترآنکه هرچند وقت یك
مرتبه مانند قوای چنگیز یورش میآورند وبنام بازرسی زندان زندانیان راازاطاقها بیرون
میکنند وهرچه راکه دلشان میخواهد پاره میکنند یا میشکنند ویاباخود میبرند .
پس ازاین یورش واقعا اطاقهابدنی هستند وچندین روز طول میکشد تا اطاقهابحال
اول برگردند والبته هرکس دراین باصطلاح بازدید چیزی راگم کرده است .

برای آزار بیشترزندانیان سیاسی همیشه چندتن اززندانیان جانی وچاقوکش
رادراین زندانهانگه میدارند ودرصورت لزوم ازآنهابرای بوجود آوردن حوادث ساختگی
وتحریکات ازپیش معلوم . استفاده مینمایند . درزندانی که هرگزیك تیغه کارد پیدا
نمیشود اینهاهمیشه چند چاقوی ضامن دارهمراه دارند که ازطرف مقامات زندان در
اختیارآنان گذاشته میشود . اینان بیشتراوقات مست بوده وهمیشه مواد مخدراستعمال
میکنند که توسط خود زندانبانان بآنهامیرسد . هرزندانی که بخواهد دربرابر تعدیات
زندانبانان حرفی بزند با انتقام وپاسخ این زندانیان روبرومیشود واین گذشته ازآنکه
کمی بعد بمناطق بدآب وهواتبعید شده ودرآنجابه بیماریهای گوناگون مبتلا میشود واین
عمل دوزندانبسیارعادی است

وحال اندکی بپردازیم بزندانهای اوین وقزل قلعه . موقعیت زندان اوین
راکسی بدرستی ندیده زیراچشم بندانی را هنگام ورود بآن میبندند ولی خود بازداشتگا
درمیان باغ بسیاروسیع بادرختان کهن وانبوه قرارگرفته است تاصدای فریاد شکنجه
شوندگان به بیرون نرسد . دربدو ورود تهویه هائی که دربالای سلولهاتعبیه شده جلب
توجه میکند وشخص ممکن است فکرکند که اینهمه برای رفاه حال زندانی است ولی
کافیست چند روزی بماند تا دقیقامنظورازاین تهویه های بالای سلولهارا دریابد .

ازاین تهویه هاپچند طریق استفاده میشود . بوسیله آنهامیتوان هوای بالاتر ازصد درجه گرماوهوای چند ین درجه زیر صفر راوارد سلولهاکرد واین عمل د رتمام مدت بازجوئی انجام میگیرد وتاوقتی که زند انی د رنزند وحاضرباقرارنگرد د اد امه مییابد . دیگر اینکه میتوان هوای مسموم بامیکربهای مختلف وحساب شده را وارد سلول کرد بطوریکه پس ازسه ماه زند انی به بیماریهائی ازقبیل سل . تنگی نفس . سینه پهلووغیره مبتلامیگرد د .

وضع جسمی زند انیانی که د ر حد ود سه ماه د راین سلولهابوده اند گواه عینی بر این مدعی است . فایده این روش ازنظر سازمان امنیت آن است که یازند انی ازپا د رمیآید وازبین میرود ویاد رصورت رهائی ازآنجابموجودی علیل وبیمارتبدیل میشود که د رهرد وحالت بگمان اوعوامل سرسخت وتغییرناپذیرمبارزه را ازمید ان بد رمیکند . د ر تمام مدتی که زند انی د راوین میباشد ازنورآفتاب خبری نیست وهواخوری مطلقا وجود ند ارد . صحبت کرد ن بکلی قدغن است ومجازات کسیکه ازد ستورات زند انبان (که د ر ابتد ای ورود باو گوشزد میشود) سرپیچی کند گرسنگی ـ شلاق ـ وانتقال به سیاه چالهای سرد وکثیفی است که باپله‌های زیاد د رزیر زمین تعبیه کرده اند .

رئیس این زند ان شخصی است بنام حسینی (شعبانی) که جثه ای کوتاه و بسیار چاق د ارد . وبوئی ازانسانیت نبرده است بخصوص صد ای خنده های اوبسیار وحشتناك است . اواز جمله شکنجه گران زند ان نیزمیباشد ووحشتناکترین شکنجه هارا توام باخنده وخیلی خونسرد انجام میدهد ود رمیان زند انیان معروف است . کسی که از زند ان اوین وازد ست شکنجه گران آن زنده بیرون بیاید خیلی جان سخت بوده است .

د رتمام مدتی که زند انی د راوین است هیچگونه خبری ازاوبهیچ کس نمید هند د راین زند ان ملاقات وجود ند ارد وچون همیشه احتمال ازبین رفتن ونابودی زند انی د راین زند ان وجود د ارد . هیچگاه قراربازد اشت رابرویت اونمیرسانند .

شکنجه گاه قزل قلعه مرحله د وم این شکنجه گاه میباشد امادست کمی ازاین زند ان ند ارد . ولی د راینجا وسایل شکنجه همان وسایل قدیمی است مانند شلاق د ستبند قپانی وخرس (که بجان د خترهامی اند ازند) وبشکو " شلاق بعد ازاستحکام

ودیگروسایلی که ازقدیم درآن زندان مورد استفاده ماموران شکنجه بوده اند وهنوز وسایل شکنجه آن مانند زندان اوین مدرن نشده اند . آنچه دراین زندان (قزل قلعه) بسیار وحشتناك است رطوبت بینهایت زندانها است بطوریکه پس‌از چند روزپادرد وکمردرد شروع میشود و چون ازکف تا طاق سلولها خیس‌است تنفس بسیارمشکل وبیماری تنگ نفس دراین زندان شیوع دارد . درتمام مدت زمستان فقط در راهروهای زندان یك بخاری کوچك روشن است آنهم برای نگهبان زندان وزندانی برای آنکه گرم شود باید همیشه بخود پتوبپیچد . اما ازاین پتوها نیزدوعدد بیشتر به هرزندانی نمیدهند وبسیارکثیف وپاره اند .

بازجوئی هاهمیشه بیموقع واکثرانیمه های شب انجام میشوند . بطورمعمول پس‌ازبازجوئی ودرفاصله آن اجازه خوابیدن واستراحت بزندانی داده نمیشود و در صورتیکه ازاین‌دستورسرپیچی شود وزندانی بخوابد نگهبان اورا باشلاق بیدارخواهد کرد . هیچ وسیله استحمام جزیك دوش‌که آنهم سرد است ودریك محوطه وسیع قرار گرفته وجود ندارد وتازه پس‌ازدرخواستها واعتراضات مداوم درصورت رضایت زندانبان شاید بتوان موفق بیکبار استحمام درماه شد . هیچ گونه وسیله مطالعه وجود ندارد بازجوهاهمیشه سرزده وبی موقع درسلولها سرمیکشند وباکلماتی بسیار رکیك واهانت آمیزبازندانی روبرومیشوند. غالباتاآنجاکه میتوانند زندانی رادرانفرادی نگه میدارند حتی وقتی که بازجوئی هم تمام شده باشد ـ اکنون نزدیك ۱۱ ماه است که جمشید هم رابعلت اینکه به تمایلات وخواسته های بازجویان امنیتی تن درنداده درانفرادی نگ داشته اند . هم چنین سیامك لطف الهی راکه ازاطریش‌وارد شده بود درمرز دستگیر ومدت ۸ ماه آزاروشکنجه دادند ودرانفرادی نگه داشتند وپیشنهاداتی ازنوع آنچه به پارسانژاد شد وآن تن درداد باونمودند اماهرگز نپذیرفت وتااین زمان تیرشا بسنگ خورده است واین کاریست که درمورد همه زندانیان اوین انجام میگیرد وآنکسی قبول نکند بر اوهمان میرود که برزندانیان پرمقاومتی نظیرعباس‌شیبانی میرود که نزدیك بدوسال است دوره زندانش‌سرآمده اماهنوز زندانی است .

تازگی هابقول خودشان زندان مدرنی ساخته اند که برای آن تبلیغات بسیا براه انداخته اند وبوق وکرنای زیاد میزنند ولی این زندان " مدرن " برای زندانهای سیاسی " قفسی بیش‌نیست . پس‌ازدوران بازجوئی وشکنجه وندیدن آفتاب ونسو

پانزده

درزندان قزل حصار همان وضع دوباره برقرار میشود .

این بار زندانیان را در سلولهای چهارنفری قل وزنجیر مینمایند وبرای بیرون رفتن آنرا بازمیکنند ودوباره می بندند .

برای مستراح رفتن نگهبان همراهست ودوباره برای بازگشت بسلول همینطور در این زندان نیزازهوای آزاد خبری نیست . در این زندان اجازه استفاده ازهیچ یك ازوسائل نمایشی که در آن وجود دارد داده نمیشود .

بدترین نوع ممکن غذا را جیره میدهند وهیچگونه امکان طبخ نیست . درحاد ترین بیماریها باید ازهمان غذا استفاده کرد . بدینترتیب پس ازمدتی کوتاه همه گرفتار انواع بیماریهای گوارشی هستند . در اینجا فقط ازمدرن بودن را حتترکردن کارزندانبان وتسهیل عملیات پلیسی راحد اکثر داراست . ملاقات تلفنی است وپس ازآنکه بستگان یك زندانی ۸۰ کیلومترراطی کردند وبزندان "مدرن " قزل حصار رسیدند حق دارند فقط حدود یکربع ساعت ازپشت شیشه باتلفن زندانی خود را " ملاقات " کرده وصحبت نمایند ومطمئن که اوزنده است . در این تلفن ها همه " صحبت هاکنترل میشوند و کافیست تا یك کلمه ازوضع رفتارزندانبانان بمیان آید تاسروکار زندانی باچوب صلیب ودستبند ویا بند و . . . بیافتد . ورود هرنوع کتاب سیاسی وعلمی وحتی ادبی که کوچکترین اشاره ای علیه ظلم وستم در آن باشد ممنوع است والبته کتابی چون نهج البلاغه اجازه ورود بزندان رانمی یابد .

در تبعید گاهها شرایط بسیارسخت وطاقت فرسائی وجود دارد وهیچ گونه توجهی بزندگی وحیات زندانیان نمیشود .

مشعوف کلانتری را پس ازپنجماه شکنجه درزندان اوین ببندرعباس تبعید کردند اوکه به بیماری سل مبتلا بود . مدتها در بدترین شرائط آب وهوائی بسرمیبرد . بیژن جزنی که بزخم اثنی عشر . دچار بود باحال بد درزندان قم بود . سورکی درزندان برازجان مبتلی بسیاتیك ودردکمرشد . عزیز سرمدی دربرازجان بزخم معده مبتلی گشت ودرآنجا هیچگونه وسیله مداوانبود . حسن ضیاء ظریفی درا ثر رطوبت زندان رشت دچاررماتیسم شد وسرانجام بعنوان اینکه میخواسته اند فرارکنند همه راشهید کردند . احمد افشار در اراك وچوپانزاده درزاهدان درمعرض خطر

کوری بودند . ایشان حتی باعینك قادر بخواندن کتاب نبودند . وسرانجام هم بعنوان اینکه میخواسته اند فرارکنند درزندان آنهارا بمسلسل بستند . زرار زاهدیان دچار زخم معده شد . حال عمومی دکترشهرزاد خوب نبود واو ازبیماری های گوناگون رنج می برد پرویز حکمت جوبدرد مهره های پشت مبتلی گشت وبراثر انواع شکنجه هاازپا درآمد وعلی خاوری بینائیش‌را ازدست داده است و . . .

مقامات امنیتی وپلیسی شرط انتقال همه زندانیان رااز زندانهای تبعید بزندان های اصلی نوشتن "تنفرنامه وتائید رژیم" قرارداده اند (۱) درزندان شیراززندانیان سیاسی را درشرائط فوق العاده بدوکشنده ای‌قرارداده اند ودرزیر زمینهای مرطوب فاقد هواو روشنائی، دوبدو وسه به سه حبس‌کرده اند . اینهارا فقط روزی یکبار بـرای قضائی حاجت بیرون میبرند . ۱٤ نفرازجمله .تشیید ازمجتهدین وآقای عباس‌حجـری یکی ازباقی مانده های‌شبکه نظامی سابق که مرد بسیارمحبوب‌ومحترم ومریض احوالـی است واکنون ببیستمین سال زندان رامیگذرانند درضعی قرارداده اند که چندبارها شکستن شیشه پنجره هادست بخودکشی زده اند . همگی مریض‌ورنجور هستند .روزانه درظرفهای کثیفی که محتوی چیزغیرماکولی است مثل حیوانات بعنوان غذا جلوی‌آنها میگذارند . آقای طاهرآقا احمدزاده به مسمومیت شدید مبتلاوناگزیر به بیمارستان‌منتقل شدند وخطرجانی همگی خصوصااشخاص‌مسن تر راتهدید میکند . باانتصاب سرهنـگ سیاسی پورمعروف به ریاست زندانهایك تجدید وضع عمومی درهمه زندانهای کشـــور نسبت به زندانهای سیاسی بوجودآمده حتی درتهران که درمعرض‌آمد ورفت واطــلاع هزاران نفر است سختگیری شدیدی آغازشده کلیه وسائل زندگی را از زندانیهای سیاسی گرفته ملاقات هاکم ومحدود وتحریکات پلیس‌افزایش‌یافته . هفته قبل درشماره ۳ قصـر یك نفرزندانی رابی مقدمه به بند ۸ صدامیکنند وماموربن با باتون بسراو میریزند زندانی هادرداخل باخبرمیشوند اعتراض‌میکنند عده کثیری کماند وباباتون وتجهیزات‌بســر زندانیهای بی‌دفاع می ریزند وشدیداآنها رامضروب میکنند که ازجمله دکترشیبانـــی و بیژن جزنی سخت مضروب ومسدوم میشوند .

زندانبانان باین هم اکتفانمیکنند دونفر اخیر رابه زندان مجرد میفرستند آنهـا درآنجادست باعتصاب‌غذا میزنند وسپس‌دامنه اعتصاب بداخل زندان میکشد کـــه

---

(۱) خبرنامه ـ شماره ۲۰ بهمن ماه ٤٤ ص ۹ـ ۸

زندانبانان ناچاربه برگرداندن انهامیگردند .

در شیرازماموربن بزندانریخته وزندانیان رابشدت کتک زده . زخمی ومجروح کرده اند . اکنون هر۹ نفرازآنهادریك سلول بسرمی برند

احمدزاده ومهندس عزت الله سحابی ومهندس نشید در شیراز در سلول انفرادی بوده وحق ملاقات ندارند .

وقتی یك نفرزندانی بنام رضوی را اززندان مرکزبیرون میبرند . زندانیان برای اوکف میزنند وبعد افسری بنام نوجوان به رضوی کشیده ای چنان میزند که پرده گوش رضوی پاره میشود . شیراز مدتی قبل زدوخوردی بین زندانیان سیاسی عادل آباد وماموربن رخ میدهد که درنتیجه یك زندانی سیاسی کشته ودوپلیس نابینامیشوند.(۱)

روشهائی که پلیس برای شناختن وبدام انداختن مبارزین بکارمیبرد .

دراین قسمت روشهای مختلف پلیس رابرای بدام انداختن مبارزین ذکرمیکنیم . بطورکلی این روشهارامیتوان بدودسته تقسیم نمود . البته این نحوه تقسیم بندی باین خاطراست که نظم به مطالب داده باشیم وگرنه آنهارانمیتوان ازهم جدانمود . دسته اول را روشهای مستقیم مینامیم یعنی روشهائی که پلیس درحالت مستقیم در آنهادارد . دسته دوم روشهای غیرمستقیم است وآن روشهائی هستند که ازنقاط ضعف مبارزین وایجادفضای پلیسی وجوترس درجامعه ناشی میشوند .

روشهای مستقیم

۱ـ گروههای گشتی وتجسسی شهری ـ (منطقه گردی) گروههای گشتی ساواک باماشینهای شخصی مختلف مخصوصا باماشین پیکان سفید که عموماباراننده دارای چهار سرنشین هستند.این گروههادرخیابانهای تهران ومراکز استانهابهروسیله نقلیه‌ای که مشکوك بشوند . آنرامتوقف وبازرسی وکنترل مینمایند .
۲ـ کنترل های موضعی ناگهانی شهری باین معنی که دریك ساعت معین درروزیا درشب (روزهامعمولا صبح زود وشبهاتاحدودی دیروقت) درچهار راه مهم بطورهمزمان بوسیله افرادپلیس یاساواك کلیه موتورسوارها . اتومبیلها وحتی گاهی

---

۱) خبرنامه شماره ۳۳ مرداد ماه ۱۳۵۲ ص ٦ــ ۲

اوقات عابرین رامتوقف وبازرسی مینمایند .
۳ــ کنترل های اتفاقی یامنظم خارج شهری . این کنترل های اتفاقی ازماشینهای شخصی ومسافربری بوسیله پلیس راه درمحل پاسگاههای مربوط وبه بهانه یافتن مواد مخدر یااشیاء قاچاق صورت میگیرد .
٤ــ جدیدترین تاکتیك دستگاه برای استفاده ازتصادف وشانس هجومهای ناگهانی بخانه ومحل کارافرادی است که ازگذشته دارای سابقه مبارزه و مخالفت بارژیم هستند . باین امید که بمدارك واسناد جدیدی دست یابد وسرنخی بدست آورد .
٥ــ مزدوران امنیتی گاه وبیگاه به کنترل نامه هاومکاتبات پستی پرداخته وچنانچه مطالب سیاسی یاعقیدتی ویامطالب مهم ومرموزی درآن باشد به تعقیب واحیانا دستگیری وبازجوئی طرفین مکاتبه مبیردازند . علاوه براین گاه و بیگاه ویابرای مدت کوتاهی مکاتبات پستی وارتباطات تلفن مبارزین شناخته شده ویا افرادی که ساواك بطریقی ازآنهاگزارش در جهت مبارزه دریافت مینماید مورد کنترل قرارمیگیرد . تلفن بیشتربکار ساواك کمك می کند . به مکالمات تلفنی رغبت بیشتری اظهارمی شود ویا استفاده ازهمین ضعف ساواك موفق می شود مبارزان ومحل وقرارگاهشان راکشف کند . بسیاری ازگروه های مخفی ازطریق تلفن لورفته اند .
٦ــ شیوه رخنه ازخارج . این شیوه یکی ازقدیمترین ومعمولی ترین طریقه نفوذ در گروههای وسازمانهای سیاسی وانقلابی است . دراین شیوه سازمانهای جاسوسی امپریالیستی وسازمان دست پرورده آنها ساواك عوامل زیرك وتربیت شده خودرا در نقش یك مبارزفعال وحتی افراطی ودربعضی موارد صاحب تئوری وتسلط کامل به ایدئولوژی معین درمحافل ومجامع روشنفکری ومذهبی بازمینه وگرایش های مبارزه بصورت شکارهای مناسبی درسطوح مختلف وقشرهای متعدد اجتماع رهامیسازند ویاپای حوادث ووقایع به توریکی ازافراد ساده یااعضاء بی ملاحظه یك گروه وسازمان سیاسی وانقلابی بر خورد نموده وخود را درآن وارد سازند . ساواك اینگونه ماموران خود را " کادرهای رهبری " میخواند . دراین شیوه که ساواك بدان توجه ودلبستگی زیادی دارد ازطریق خریدن مبارزین اسیروگرفتن تعهد همکاری ازآنهاصورت میگیرد ولذا بمحض اینکه دریك مبارز اسیرتزلزل یانقطه ضعفی مشاهده کنند ازاین نقطه ضعف وارد شده وبرای فریبها ووگرفتن قول همکاری به حربه تهدید وتطمیع متوسل میشوند . . . چون اینگونه افراد دارای سابقه

مبارزه وزندان وآگاهی سیاسی وتشکیلاتی هستند بسهولت خواهند توانست اعتماد سایر افراد مبارزراجلب نموده ودریك تشکیلات رخنه نمایند .

۷ــ شیوه تشکیل گروههای ساواکی دراین شیوه ساواك بجای اینکه بانتظارتشکیل وپیدایش گروهها وکوشش برای رخنه وکشف آنها باشد خود بکمك عوامل ورزیده وتربیت شده ای به تشکیل گروههای سیاسی وانقلابی نما اقدام مینماید تابدین وسیله امکانات بالقوه مبارزه ونیروهای هواداران انقلاب را جذب وسازمانهای اصیل را ازپیوستن ویاری آنان محروم سازد . ضمنا چون درهسته مرکزی هیئت وموسس این گروه یك یــا چند نفرازعناصروعوامل ساواك وجود دارد که باآن در رابطه مستقیم هستند . ازطریــق افراد کادرهای پائین آن به جمع آوری اطلاعات وگزارش درمورد سایرافراد مستعد زمینه وجومبارزه درمردم میپردازند . این گروه چون درچنگ ساواك است . ازآن خطــری احساس نمیکند وتنهادرلحظه ای اقدام به دستگیری افراد اصیل وصادق آن مینمایــد که گند رهبری وته وتوی قضیه درخطر آفتابی شدن ودرمعرض احساس آگاهی عمومــی اعضاء قرارگیرد (۱) . نمونه این مورد . تشکیلات تهران است که قبلا ذکرشد .

در رابطه بانفوذ ساواك درمیان سازمانها وگروههای مبارز در یکی از اسناد بدست آمده ازمرکزساواك درزنو چنین نوشته شده :

...... دراین مورد لازم به توضیح نیست که کسب اطلاع ازاینگونه فعالیت هــای اقدامات مستلزم دارابودن منابع ممتازو ورزیده است ولزوما باید یادآورگرد د منابــع آن نمایندگی حتی آنهائی نیزکه درحد بالاتروبهتری هستند تابحال توانسته انــد در گروه فعالین مخفی نفوذ نمایند . چه گروههای مزبور طبق تعلیمات ودستورات کــادر گرداننده اعضاء فعال وشناخته شده کنفدراسیون رابطورکلی کنترل درجریان فعالیتهای خود که ضمنا درحاشیه کنفدراسیون صورت میپذیرد مداخله میدهند بااین ترتیب منابعی که درحال حاضردرخارج کشور باساواك همکاری دارند در سطح فعالیتهای آشکارقرار دارند وقادربتامین نیازمندیها واجرای طرحهای ساواك نمی باشند بهمین جهت نمایند

---

(۱) اصول مخفیکاری فن مبارزه باپلیس سازمان مجاهدین خلق ایران تکثیر توزیــع ازپیام مجاهد ص ٤٤ــ ٤٥

گیها میبایست د رانجام واجرای طرحی که بتوان د رآن ازافراد مورد نظرسازمانهای مزبو ر که د ارای جهان بینی ومطالعاتی د رزمینه مکتبهای سیاسی باشند استفاد ه کـــرد ه و بمرحله عمل د رآورد بد یهی است پرورش وتعلیم د اد ن این افراد که بعنوان منبـــع روی آنان کارمیشود مستلزم د قت وبر رسی بیشتری میباشند . . . . (۱)

د رزمینه مبارزبا کنفد راسیون د انشجویان ایرانی د رخارج ازکشورگزارشی رسیده که مورد تائید وتصویب تیمسار ریاست ساواك واقع گرد ید ه است با اعلام موارد مند رج د ر گزارش مزبوربشرح زیرخواهشمند است د ستورفرمائید د ر اجرای آن اقد امات لازم معمول د ارند .

۱ــ استخد ام هرچه بیشترمنابع مفید ونفوذ د اد ن آنان د ر رد ه های مختلف کنفد راسیون وبویژه د ربین تشکیلات سیاسی خارج ازکشور بمنظورکسب اطلاعات لازم ازهرگونـــه فعالیتی که علیه کشوررژیم شاهنشاهی ایران د رخارج ازکشورانجام میشود وشناسائـی کامل عاملین اینگونه فعالیت ها وحتی الامکان بد ست گرفتن مسئولیت هائی د رکنفد راسیون

۲ــ اجرای طرحهای ویژه عملیاتی مانند د ستبرد وسانسوربه منظوربد ست آورد ن مد ارك واطلاعات خاص وحائزاهمیت .

۳ــ ایجاد انشعاب وتقویت اختلافات موجود بین سازمانهای مختلف سیاسی وگرد انند گان کنفد راسیون به منظورتضعیف نیروی محرکه آن .

٤ــ انجام اقد امات وخنثی گری به طرق مختلف مانند انتشارنشریات واعلامیه هـــا ی آشکاروپنهانی که بطورغیرمستقیم یامستقیم د رخنثی کرد ن اثرات تبلیغات مختلـف د ر خارج ازکشورموثرباشد (۲)

۸ــ د شمن تازگی شیوه د یگری رابمورد آزمایش گذ اشته است . باین ترتیبکه وقتـــی رد یك فرد مخفی رابد ست آورد مثلا قراراوراکشف کرد ویاخانه اش راپید انمو د بنابمورد بابسیج وسیع امکاناتش سعی میکند فرد راحتی الامکان تایك رد د یگرتعقیب کند . . . . بطورکلی پلیس د ر برخو رد باعناصرمخفی سعی د ارد که د ر اولین فرصت مناسب آنهـــا رابد ام بیند ازد د رحالیکه این شتاب راد ربد ام اند اختن عناصرعلنی ند ارد وصبـــر میکند تاازطریق آنهابه عناصرمخفی د ست یابد .

۹ــ پلیس برای بد ام اند اختن عناصرمخفی نیروهای خود رابسیج میکند . . . شهربانی بویژه د راین مورد ازتجربه وکاد روامکانات فراوانی برخورد اراست . شیوه های پلیسی راین موردعبارتند ازکنترل کلیه نقاط وکلیه افراد ی که امکان تماس فرد مخفی باآنهـــا

وجود دارد . خانواده . فامیل . دوستان وهمکاران اداری وشغلی بهترین زنجیرها برای رسیدن به عناصرمخفی هستند .

۱۰ــ رفتن سرقرارهای لورفته ــ اکیپهای گشتی درسرقرارکاملا استارکرده وبهیچ وجه درترکیبهای اکیپی حرکت نمی کنند . . . چند نفردر ابتدا اوانتها ودرمسیر قرارایستاده ضمن نگاه کردن باطراف بلند . بلند صحبت میکنند . گاهی مغازه هاوخانه های محل قرارنیزبوسیله افرادعمل کننده اشغال میشوند . درهای باز وافرادی که هرچند وقت یکبار ازآن‌سرک میکشند . این خانه ها رامشخص‌میسازند . . . نکته قابل توجه اینکه قبلا اعضای تیمهاخودرابخوبی بامحیط منطبق میکنند . مثلاسر قرار اسد الله مفتاحی چند نفرخودرابشکل چوبدار درآورده وهمراه بامقداری گوسفند به محل قرارکه نزد یک کشتارگاه بود رفتند ویادرسرقرارد یگری که درجنوب شهربود مسلسل خود را درلنگی قرارداده بودند . (۳)

۱۱ــ ورود پنهانی بمنازل مبارزین (احتمالا این عمل بیشتردرمورد مبارزین خارج کشور انجام میگیرد) کتاب پاره ای از اسناد ساواک چنین می نویسد : ورود پنهانی بمنازل اشخاص‌بایستی باداشتن طرح عملیاتی (اطلاعات کامل ازسوژه ومحل سکونت وی موقع ترک منزل ومراجعت . راههای خروج اضطراری درصورت وقوع حوادث پیش‌بینی نشده وغیره . علیهذ اخواهشمند است دستورفرمائید چنانچه درآینده قصد دستبرد بمحل یامنزل شخص‌مورد نظر بود طرح آنرادقیقا تهیه وبمرکزارسال تاپس‌ازتصویب و ابلاغ آن بمورد اجراگذاشته شود(۴)

پاورقی ازصفحه قبل

(۱) پاره ای ازاسناد ساواک ــ کنفدراسیون جهانی محصلین ودانشجویان ایرانی دسامبر ۱۹۷۶ صفحات ۴۳ــ ۴۴

(۲) پاره ای ازاسناد ساواک ــ کنفدراسیون جهانی محصلین ودانشجویان ایرانی ــ دسامبر ۱۹۷۶ ص ۶۶

(۳) سازماندهی وتاکتیک هانوشته مجاهدین خلق ایران تابستان ۱۳۵۲ تکثیر وتوزیع ازپیام مجاهد صفحات ۳۶ــ ۳۸ــ ۱۰۲

(۴) پاره ای ازاسناد ساواک کنفدراسیون جهانی محصلین ودانشجویان ایرانی دسامبر ۱۹۷۶ ص۵۷

روش های غیر مستقیم

دشمن با استفاده از نقاط ضعف مبارزین وایجاد فضای پلیسی وترس در جامعه موفق در بدام انداختن مبارزین وکشف اسرار میگردد . در این قسمت بخشی از این مطالب را ذکرمیکنیم .

رژیم در تبلیغات خود پیوسته کوشش دارد با بزرگ نمائی قدرت سازمانهای پلیسی وامنیتی خود کابوس پلیسی رابرافکار واذهان مردم مسلط ودل حاکم سازد تابااین ترتیب برشدت سوء ظن هاوگسترش جو عدم اعتماد کمك نماید . میخواهد وضعی بوجود آورد که به مردم بقبولاند که پلیس وساواك برهمه حوادث آگاه ومسلط برفعالیت های مخالفین میباشند . منباب مثال پاره ای ازید رومادرهای مبارزین که بعلت سادگی سیاسی ویا تحت تاثیر علاقه شدید به فرزندان خود وازهمه مهمتربعلت آگاهی نداشتن بمساهیت جنایتکارانه رژیم درعمل باندازه یك مامورامنیتی به لو دادن فرزندان خود کمك نموده اند وبر اساس همین خصوصیات عده ای از پدر ومادرهاست که مقام امنیتی . درمصاحبه های تلویزیونی ازخانواده هاتقاضامیکند " چنانچه فرزندانتان براههای مبارزه کشیده شوند برای نجات آنها از مجازاتهای سنگین مارا ازفعالیتهای آنهامطلع سازید " وباز بهمین علت است که شهربانی رژیم دراین اواخرمرکزی برای هدایت واندرز جوانان درست کرد وازخانواده هاتقاضانمود چنانچه فرزندان آنها " انحرافات یاکج رویهائی " پیدانمایند آنهارامطلع سازند .(۱)

بطورکلی کوشش رژیم براین است که ازهمه مردم جاسوس بسازد وسیستم پلیسی رادرهمه جارواج دهد و اینکه چگونه دیکتاتوری وفاشیسم موجب ایجاد روحیۀ پلیسی در افراد جامعه میگردد خود موضوع بحث مهم جداگانه ایست .

کنجکاوی بیش ازحد افراد خانوادۀ نسبت بهمدیگر ـ کنجکاوی دوستان درمورد همدیگروا‌صولا روحیه جاسوسی داشتن درمورد همه چیزوهمه کس .

آخرین مبحث این قسمت مربوط به نحوه رفتار ونقاط ضعف مبارزین میباشد که به پلیس درکشف اسرارمبارزین کمك میکند . در اینجابطور خلاصه موارد چندی از آنرا ذکرمیکنیم . درمورد اطلاع بیشتررجوع شود به کتاب کیش شخصیت نوشته ابوالحسن

---

(۱) اصول مخفیکاری وفن مبارزه باپلیس سازمان مجاهدین خلق ایران ص ۱۲ ـ ۱۳

بنی صدر . لمه

۱ـ تظاهرخارجی ؛ نصب عکس شخصیت های سیاسی وانقلابی . بحث کردن یامطالعه نوشته وکتاب سیاسی واید ئولوژیکی درمحل کار ـ کلاس درس . آسایشگاه سربازی داخل اتوبوس شهری یامسافری برای یك مبارزکه بنحوی درمبارزه مخفی شرکت دارد ویادر مرحله خود سازی وآماده کردن خود برای شرکت درمبارزه مسلحانه است نمونه های ساده ای ازتظاهرخارجی است که هریك بنوبه خود میتواند نشانه ٔ آشکاری رابرای جلب توجه وسوء ظن دشمن یا اطرافیان فراهم سازد . هرنوع تظاهرخارجی درمحیط های اجتماعی درحکم گناه کبیره‌ای‌است که احتمالا به لورفتن خود ودوستان همفکر منجرخواهد گردید . اگرشما باتظاهرخارجی خود به مامورین امنیتی هشدار نداده اید بوخلاف ادعای رژیم تمامی آنها فاقد شعوروهوشیاری لازم برای شناخت یك مبارز هستند . بسیاری ازلورفتن هاودستگیری هارا بجای آنکه بحساب هوشیاری وقدرت پلیس بگذاریم باید بحساب سادگی وعدم رعایت اصول امنیتی ویا اشتباهات تاکتیکی ازطرف خودمان بگذاریم ... صحبت کردن باصدای بلند درباره ٔ مسائل سیاسی وعقیدتی درخیابانهای پرجمعیت ومسیرشلوغ کوهستان عادتی مذموم وغیرتشکیلاتی است . درمحیط‌های اجتماعی باید باداشتن ظرفیت وحوصله لازم ازشرکت دربحثهای چند نفری وخصوصا باافراد ناشناخته خودداری‌نمود . بعضی افراد مبارزبعلت نداشتن ظرفیت‌لازم وکنترل براحساسات خود باشنیدن عقیده مخالفی درجمع همکاران یا همکلاسیها واجتماعات مشابهی به بحث های سیاسی وعقیدتی کشیده‌میشوند وافکار وعقاید خود رادریك محیط ناشناخته یامشکوك افشاء مینمایند واین خود یکی ازجنبه های تظاهرخارجی وخطرناکترین ضعف تشکیلاتی یك مبارز است .

۲ـ عادی بودن ... درشرایطی که دوست ودشمن نسبت بافراد مبارزوچریکهای ازجان گذشته دارای حساسیت وکنجکاوی هستند یك مبارزانقلابی برای اینکه همچنان ناشناخته بماند وکوچکترین سوء ظن وتوجه اطرافیان رابسوی خود جلب نکند باید تمام اعمال ورفتارش درمحیط عادی وطبیعی باشد . یك انسان مبارزدرحالیکه درونش سرشارازخشم ونفرت وکینه نسبت برژیم حاکم وروابط ضد انسانی اجتماع کنونی است اما ازنظرظاهربامحیط اطرافش باید هماهنگ باشد . برای نمونه اگردر اداره ای کار میکند.که دیگران بالباسهای اطوزده وکراوات وظاهرآراسته هستند اونباید بالباسهای

ساده وباصطلاح درویشی دومحل کارحاضر شود . (۱)

۳ــ اجتناب ازپرگوئی . پرگوئی مخصوصا اگربصورت یك عادت درآمده باشد خطرناکترین دشمن مخفی کاری است

٤ــ سرنگهداری . فرد مبارزمجازنیست کوچکترین اطلاعی رادرباره موجودیت یا فعالیت های گروهش هرچند هم بظاهربی اهمیت باشد به نزد یکترین دوست مورد اطمینان یاحتی برادرخود درمیان بگذارد چه بسابرهمین منوال دوست یابرادر مورد اعتماد . بدوست یادوستان مورد اعتماد خودش همین اسرار واطلاعات رادرمیان می گذارد . درنتیجه بعد ازمدت کوتاهی این اطلاعات درسطح وسیعی پخش وعده ــ زیادی ازموجودیت یافعالیت های یك گروه مخفی آگاهی خواهند یافت .

٥ــ دقت درمبادله یاتوزیع کتاب نشریه واعلامیه ــ اعلامیه یانشریه باید تنهابه کسانی داد که اصالت وماهیت آنهابرای ماکاملا شناخته شده وصد درصد مورد اعتماد ومحل اطمینان باشند . بردامنه توزیع وانتشارنشریه باید کنترل داشت باین معنی بکمانی که نشریه داده میشود باید مسیر وحدود انتشارآنرا روشن وتاکید نمائیم وبرآن کنترل داشته باشیم .

٦ــ سبکباری ــ یعنی که جزدرمواقع احتیاج وبانبودن امکانات مناسب تر ازحمل یا نگهداری مدارك ولوازمی که دلالت برشرکت یك فرد درمبارزه دارد باید خود داری نمود

۷ــ رد و اثر بجانگذاشتن . منظوراین استکه درکلیه اقدامات وفعالیت های مبارزاتی همواره باید باین فکربود وطوری عمل نمود که درصورت دستگیری یا تعقیب پلیس اثری ازاعمال وارتباطات خود بادیگران یامحل اختفای خود وسایرین بجانگذاشت وباپاك کردن کلیه ردها . پلیس راگیج وسردرگم ساخت . برای رعایت این مطلب بذکرنکات ذیل میپردازیم :

---

(۱) نمونه دیگری را نیزبعنوان مثال میتوان آورد تامعلوم شود که حساسیت پلیس تا چه حد میباشد . یك مهندس ایرانی پس ازاتمام تحصیلات درخارج کشوربه وطن بازگشته وبادرآمد نسبتازیاد مشغول بکارمیشود . ولی طبق عادت معمول درفرنگ . یك خانه یك اطاقه گرفته وزندگی ساده ای داشت . وسرکارهم بالباس های ساده ای که معمولا دانشجویان درخارج کشوربرتن دارندمیرفت . پس ازمدتی از طرف سازمان امنیت

←

الف ـ ازنگهداری عکسهای دوستان خود . خصوصا دوستان همفکرمبارز اجتناب نمائید .

ب ـ ازداشتن ونگهداری دفترچه تلفن ویاد داشت کردن شماره تلفن یاآدرس دوستان ونزدیکان وقرارملاقات جدا خود داری نمائید .

ج ـ ازنگهداری نامه های دوستان ونزدیکان خود داری نمائید .

د ـ بر روی کتابهائی که مطالعه میکنید حتی الامکان ازهرنوع حاشیه نویسی یا خط کشیدن در زیرمطالب مهم ومورد نظرتان اجتناب نمائید . . . زیرا وسیلهٔ مناسبی برای معرفی نقطه نظرها وعقایدٔسیاسی وعقیدتی شمابدیگران وپلیس خواهد بود .

هـ ـ کوشش نمائید اعضاء خانواده ازاسامی دوستان همفکروتشکیلاتی . . . مخصوصا ازموضوعات وارتباطات تشکیلاتی آنهاباشماآگاهی پیدا ننمایند .

۸ ـ برای شناختن افراد ازشتابزدگی اجتناب کنید وبه عامل زمان توجه کنید . شناسائی کامل یك فرد باتمام جنبه های مثبت ومنفی وخصوصیات جالب ونقاط ضعف وی دریك دورهٔ طولانی ممکن میشود ومحتاج به زمان است . باگذشت زمان وپیدایش شرایط گوناگون است که جنبه های تاریك ومبهم شخصیت یك فرد آشکارمیگردد .

۹ ـ پرهیزاز معیارها وقضاوتهای قالبی وتعصبی . بسیاری ازقضاوتهای قالبی درشناسائی واعتماد واطمینان نسبت به افراد . خطرهای عظیم وجبران ناپذیری ببارخواهد آورد . باین معنی که فعلا زندان رفتن یازندانی بودن . معیار وملاك منحصربفرد وشرط کافی برای اعتماد واطمینان بافراد تلقی وتصورگردد . یااینکه سوابق مبارزه درگذشته وشرکت در چند اعتصاب وتظاهرات در دورهٔ دانشجوئی . بعد ازگذشت چندین سال ملاك شایستگی واعتماد نسبت بیك فرد واقع گردد . یك نمونه ساده دیگرا ز اینگونه معیارهای قالبی . معیار روابط خانوادگی است . مثلا چون فلانی مبارزمومن وقرص ومحکمی است پس برادراوهم مبارز قابل اعتماد است و . . .

قضاوتهای تعصب آمیز واز روی عاطفه باندازه قضاوتهای قالبی نیز موجب شناسائی

← احضار میشود . از اوسئوال میکنند بچه دلیل شماکه دارای درآمد خوبی هستید دریك خانه یك اطاقه دریك محله متوسط شهرزندگی میکنید . واینکه پولهای خود را چگونه خرج میکنید ؟ وسئوالاتی ازاین قبیل وبهمین خاطرشخص رامدت ـ یکماه بازداشت میکنند .

های سطحی واعتماد های زود رس ونسنجیده خواهد گردید . برای نمونه بارها دیده شده که برخی مبارزین مذهبی ملاک ومعیارقضاوت واعتماد شان بافراد ناشناخته فقط نمازخواندن یاصرفا حضور وشرکت درجلسات دینی وشرکت درتظاهرات واز ایـــن قبیل مسائل است . اینگونه قضاوتهای ازروی عاطفه موجب خواهد شد که عوامل رژیم بسادگی درصفوف ودستجات مذهبی وگروههای سیاسی رخنه نمایند ... همچنیــن درموارد متعددی ملاحظه شده که بعضی ازعوامل رژیم باتظاهربمطالعه کتابهـــای مارکسیستی وداشتن افکارچپ براحتی توانسته اند اعتماد واطمینان بعضی ازمبارزین مارکسیست راجلب نمایند .

۱۰ــ پرهیز ازوسواس وسوء ظن های بیمورد ــ رژیم درتبلیغات خود پیوسته کوشش دارد با بزرگ نمائی قدرت سازمانهای پلیسی وامنیتی خود . کابوس پلیسی را بـــر افکارواذهان مردم ساده دل حاکم سازد تابااین ترتیب برشدت سوء ظن هاوگسترش جوعدم اعتماد کمک نماید . دراین جا وظیفه یك مبارز اینستکه نه تنهاخود ازهـــر نوع ساده اندیشی وسوء ظن های عجولانه نسبت بافراد برحذردارد . یك مبـــارز آگاه درعین اینکه به گزارشات ونظرات دیگران درمورد افراد مشکوك واقدامات آنهـــا نباید کم بهاده د درعین حال باید بابرخورداری ازسعه صدر وحوصله وظرفیـــت انقلابی ازبذیرفتن وانتشار قضاوتهای سطحی وعجولانه اجتناب نموده وعلیه گستـــرش محیط عدم اعتماد و روحیه شکاکیگری دشمن کاروفعالیت است مبارزه نماید (۱)

۱۱ــ لودادن غیرمستقیم یکدیگرــ غالباگروه های سیاسی حرف زدن از " گروهای دیگر" را عیب نمیدانند ونوشتن واظهار اطلاعات درباره آنهارا مایه فخرونشانه توانمنـــدی خویش نیزفرض می کنند غافل ازآنکه نه تنهابدشمن اطلاعات ذیقیمتی میدهند بلکـــه خود رانیزدرمعرض لورفتن قرارمیدهند زیراهمین اطلاعاتی که اظهارمی کنند نشانـــه ارتباط گروه هابایکدیگرند وبنابراین ساواك بارخنه دریك گروه میتواند ازشبکه اطلاعاتی گروههای که نزدیکدیگرفعالیت می کنند مفت ومجانی بسود خود استفاده نماید . بنظـــر میرسد این وسیله کار آمدترین وسیله مورد استفاده ساواك باشد وبیشترازهمـــــه

---

(۱) اصول مخفیکاری فن مبارزه باپلیس ــ سازمان مجاهدین خلق ایران تکثیر وتوزیع ازپیام مجاهــد .

وسائل دیگرخطرناک است .

در پایان باید اضافه نمود که رژیم و دستگاه پلیسی وامنیتی آن همه کوشش خود رابرای شناختن مبارزین وجمع آوری اطلاعات بمنظور درهم شکستن مبارزات بکار می برد . ماد راینجابخشی ازاسناد خود سازمان امنیت راد راین رابطه میآوریم تا مبارزین د رباره راه های مقابله وخنثی کردن فعالیتهای سازمان امنیت فکرو تامل نمایند

در مورد سازمانهای سیاسی مختلف خارج ازکشور
چنین میخوانیم :

د رصورتیکه گروههای سیاسی که کم وبیش سازمان یافته هستند براساس طرح هاومشی سیاسی ویژه ای که دارند فعالیت های مخفی خود را د رنهایت پنهانکاری انجام و چنانچه اقدامات وتصمیمات آنان بموقع کشف وخنثی نشود . خطرات جدی امنیت کشور راتهدید خواهد کرد . ازسوی دیگربمنظورمبارزه وخنثی کردن اقدامات ضد امنیتی بایستی قبلا اطلاعات لازم راکسب وبموقع ازآن بهره برداری نمود لذا بهمین منظورطرح تلاش جمع آوری اطلاعاتی سال ۵۰ کمروشنگر نیازمندیهای اطلاعاتی امنیت داخلی است بشرح پیوست اعلام میگردد (۱) اطلاعات مورد نظر ازاین قبیل است :

الف ــ شناسائی هدف سازمان مذکور ــ تاکتیک خط مشی . محل آموزش اعضاونحوه آموزش حدود ووسعت اقدامات وفعالیت ها ــ روش های تربیت کادر ــ نحوه جلب اعضای جدید عمق رمیزان تبلیغات و روشهای تبلیغاتی ووسایلی که د رتبلیغات ازآنها استفاده میشود . *

ب ــ اختلافات داخلی .دودستگی هاوانشعابات سازمان و هم چنین موارد همکاری واختلافات باسایرسازمانهای سیاسی وغیرسیاسی اعم ازایرانی وخارجی .

پ ــ اسامی هیئت رهبری باتعیین سمت ــ نام مستعار ــ میزان تحصیلات ــ قدرت ابتکار آدرس محل کاروسکونت . وضع مالی . وضع خانوادگی ــ وابستگی سیاسی قبلی وفعلی بااحزاب ودستجات گروههای سیاسی مختلف خارجی ــ نقاط ضعف وقوت ــ

---

۱) پاره ای ازاسناد ساواک . کنفدراسیون جهانی محصلین دانشجویان ایرانی دسامبر ۱۹۷۶ ص ۲۱

* تکیه برمطالب ازما است .

خصایل فردی نظیر (روحیه انقلابی . محافظه کاری . جسارت . ورزیدگی وناتوانی وعدم آگاهی قدرت رهبری . نفوذ روی افراد داشتن . فرمانبرداری کورکورانه وغیره)

علاوه براین روشها . ساواک بابسط دامنه کنترل خود به همه جنبه های زندگانی اجتماعی قدرت اعمال فشارخویش رابرمردم افزایش داده است . امروزه اغلب امور زندگانی از ازدواج تامجلس فاتحه وازاستخدام ونوع کار(خصوصدر مورددرس خوانده های مخالف) تامحل زندگانی و . . . درقلمروعمل سازمان امنیت قرارگرفته است . وقتی بر اینها حکومت بروسایل تبلیغاتی وسانسور اندیشه رانیزبیفزائیم . متوجه سازماندهی مخوف رسمی کردن انسان می شویم . این انسان خود پلیس ومامور سانسورخویش است والبته از رخنه " افکارمزاحم " در ذهن باوسواس تمام جلوگیری می کند . این انسان عرصه فعالیتی غیرازتخریب خویش ندارد (۱)

۱ــ برای اطلاع بیشتر تفصیلی ازاینگونه فعالیتهای ساواک نگاه کنید به فصل سوم کتاب Pétrole et violence sous la direction de Paul Vieille et Abol Hassen Banisadr, Ed. Anthropos, Paris 1974.

د ستگاه فشار واختناق

پلیس

یك شبکه پلیس سرکوب کننده ومتجاوز درکلیه سطوح ویتنام جنوبی عمل میکند . بیش از ۲ ا سرویس نظامی وغیرنظامی مجازند که به دستگیری افراد مبادرت نمایند . ولی همانگونه که یك سناتور ویتنامی خاطرنشان کرده است " هرویتنامی که تفنگ در دست داشته باشد میتواند اشخاصی راتوقیف کند " . بااینکه شبکه پلیس ملی شامل شاخه های نظامی وغیرنظامی است ولی ازنقطه نظرمقاصد وطرزکار تفاوت چندانی بین آنها وجود ندارد . ازسال ۱۹۷۱ پلیس ازسرویس های غیرنظامی جدا گشت تا یك فرماندهی نظامی جداگانه تشکیل دهد رئیس آن یك افسرارتشی است که مستقیما با تیو ونه با یك وزیر ارتباط دارد . ترکیب پلیس شخصی (غیرنظامی) وطرزکارنظامی آن باز تاب نظریات روبرت تومپسون مشاوره عالی نیکسون درمسئله سرکوبی وضد اغتشاش است . این ترکیب وخصوصیت درخدمت مقاصد آژانس بین المللی توسعه یا الات متحده که اکثرفعالیت های پلیس سایگون راازحیث مالی تامین میکند نیزقرار دارد .

پلیس ملی

پلیس ملی بزرگترین سازمان پلیس ویتنام جنوبی راتشکیل میدهد . تعداد کارکنان آن از ۱٦ هزارنفردرسال ۱۹٦۳ به ۱۲۰ هزاردرسال ۱۹۷۲ رسیده وپیش بینی میشود تعداد آن بازهم افزایش یابد . شعب آن درتمام نواحی ویتنام جنوبی وجود دارد . توسعه وتکامل پلیس ملی نتیجه ده سال برنامه ریزی توصیه های تکنیکی و کمکهای مالی امریکائی ها است . کمك اقتصادی ایالات متحده طی چهارسال اخیر منظما افزایش یافته است . به یمن کمك امریکا پلیس ملی توانسته است فنون نظارت راکه تدریجا شکل مستبدانه بخود می گیرد بدست آورد . قدرت آن درحال حاضردر حد تعیین هویت همه ساکنان دارای بیش از ۱۵ سال سن وتشکیل پرونده وبازجوئی ازاکثرافراد دستگیرشده است .

پلیس ویژه

این پلیس یکی ازشاخه های پلیس ملی است که مسئول ازبین بردن کادرهای جبهه آزادی بخش ملی (F.N.L) وسرکوبی هرگونه جنبش صلح جویانه وبیطرفانه است . این پلیس بویژه بخاطرخنده درگروههای مخالفین وشکنجه افراد مشکوك دستگیرشده مورد نفرت وترس مردم است . دستگیریهای دسته جمعی سال ۱۹۷۲ توسط این

پلیس انجام گرفت .

پلیس فعـــال

این سرویس که براساس برنامه اداری پلیس ملی بوجود آمده دستورها را مستقیماً از دفتر ریاست جمهوری سیا روٴسای ستاد ارتش سایگون و قوای ویژه آمریکا دریافت می کند . ۲۰ سرویس ایالتی درخدمتش است . در سایگون حدود ۸ سرویس وجود دارد که هرکدام دارای ۸۰ تا ۱۲۰ کارمند میباشد . البته بدون بحساب آوردن کارکنان ۲۰۰ تا ۳۰۰ دفتر کارومامورین گزارش .

پلیس انتـــظامی

این شاخه‌ٴ دیگری از پلیس ملی است که مسئول کمك به سرکوبی "تظاهرات ، اغتشاشـــات وشـــورش . . . می باشد"

نیروهای روســتائی پلیس ملـــی

این نیروها" واحدی از پلیس شبه نظامی اند که بدواماً مور مبارزه با ریشـــه های ویتکنگ در مناطق روســتائی ویتنام جنوبی بودند" [1]. بنا بقول فرماندهی نظامی آمریکا این یك تحرك نسبتا تازه ومهم پلیس علیه اغتشاش اســت"[2] تجهیزات آن شامل تانـــك وتوپخانـــه است ومشـــابه ارتش ســـایگون میباشـــد .

این نیروها کمك هادی اساسی خود را از پنتاگون دریافت میکنند . افراد آن در حال حاضر بالغ بر ۲۰ هزار نفر می گردند .

پلیس رسمی سایگون

کارکنان آن بدو دسته تقسیم می گردند : پلیس رسمی وپلیس شخصی افراد آن دارای همه گونه صلاحیت برای توقیف افراد میباشند . این اختیار منشاٴ درآمدها غیرقانونی برای این پلیس شده است . زیرا هنگامیکه افراد بیگناه ولی ثروتمند (تجار صاحبان رستوران) دستگیرمیشوند مجبورند برای آزاد شدن مبلغ زیادی بپردازنـــد .

دفتـــر امنیت نظامی

یك دفتر امنیت نظامی درهرواحد ارتش مستقرشده وحوزه‌ٴ عمل آن تا اطـــراف تاسیسات نظامی گسترش یافته است . این واحدها با دفتر ریاست امنیت نظـــامی کـــه

۱ـــ گزارش بیستودوم کمیسیون مجلس نمایندگان درمورد اعمال دولت ۱۷ اکتبر ۱۹۷۲

۲ـــ کتابچه نظامی برای استفاده در ویتنام جنوبی اداره ارتش جزوه ۵۵۰ ۵۵ صـــ ۴۱۴ .

در موارد بسیار مستقیما در امور داخلی بویژه در مورد دستگیری روزنامه نگاران و دانشجویان دخالت دارد همکاری میکند . دفترامنیت نظامی مجازاست علیه روشنفکران صلح طلب که بلحاظ نوشته ها یا اظهاراتشان در ملاء عام مخالف سیستم نظامی (میلیتاریسم) شمرده شده اند عمل کند .

سرویس مخفی

سرویس مخفی که مستقیما از تیو دستورمیگیرد در همه بخشهای جامعه اقدام به دستگیری واعدام افراد می نماید . این سرویس از جانیان مزدوری که از میان پست ترین اقشار شهرسایگون استخدام شده اند استفاده میکند . بموجب افکارعمومی سایگون سرویس مخفی مسئول تعدی علیه مخالفان آشکار رژیم است .

سرویس مرکزی جاسوسی

اداره این سرویس بعهده متخصصان آمریکائی است وبطورمخفی عمل میکند در حال حاضر بمثابه یك سازمان مختلط آمریکائی ــ ویتنامی مشغول بکاراست . سازمان سیا برآن نظارت دارد وعملیات سرویس پلیس فعال دفترامنیت نظامی ودفترجاسوسی ستاد کل ارتش راهم آهنگ می نماید . سرویس مرکزی جاسوسی اداره مرکزی مأموران مخفی ومأموران دوجانبه نیزمی باشد .

برنامه نظارت بردرآمد ها

همهٔ این شاخه های پلیس ملی از یك برنامهٔ عمومی نظارت بردرآمد ها استفاده می کند . این برنامه باتکنولوژی آمریکائی تنسیق یافته وهدفش تنظیم حرکت جمعیت وکالا و" محدود کردن جریان اخبار وآذوقه" است [1] .

برای نظارت برجمعیت یك اکیپ فنی ومدرنترین روشها بکارگرفته شده است .

درچهارچوب این برنامه یك برنامه عمومی شناسائی وثبت احوال برای تعیین وثبت اوراق هویت هریك از ساکنان بیش از ۱۵ سال بوجود آمده است. این برنامه موفق شده تقریبا تمام ویتنامی ها را طبقه بندی کرده وآمار واسناد مربوطه را در اختیار "بانکی که مهارتش در جمع آوری اطلاعات است" قرار دهد . این بانك توسط عناصر وافسرانی که از طرف پیمانکاران ... اند نظارت واداره میشود . پرونده هرفرد شامل یك

---

۱ ــ ریچارد پولاك ــ امنیت عمومی در ویتنام : قوای مزدور جدید ٤ ژوئیه ۱۹۷۲ ص ٤

۲ ــ مرکز اسناد ویتنام کمبریج ماساچوست ایالات متحده امریکا. مارس. آوریل ۷۲

طرز کار نیروهای فشار و اختناق

قوانین فاشیستی

رژیم سایگون برای درهم شکستن تمام مخالفین خود بر قوانینی تکیه دارد که در هیچ کشور دیگری نظر آن یافت نمیشود . هدف از این قوانین گذاشتن سرپوشی قانونی برروی این عملیات است . در واقع عملیات فشار واختناق بطریق کاملا استبدادی وخودکامه انجام میشود . واین بمعنای ترورمحض است.

حکومت ویتنام جنوبی ومشاوران آمریکائیش وعده صریح داده اند که همه دستگیریها قانونی باشد ولی اعمالی که برای آنها مجازات تعیین گردیده قوانین مربوط به دلائل اثبات جرم ونیز مقررات مربوط به دادرسی ومحاکمات نشان میدهند که این امور به نحوی تنظیم شده که بدستگاه اداری اجازه میدهد هرکسی راکه مطابق میلش نیست بزندان بیاندازند .

قوانین بوسیله قوهٔ مجریه باموافقت قوهٔ مقننه توشیح ومنتشر میشوند ولی اغلب بی نظمی هائی در آن مشاهده شده است .

موافقت قوه مقننه باکلیه مصوبات قوه مجریه باین قوه " قدرتی نامحدود " (بنا بقول یك روزنامه) درامور دفاع امنیت اقتصاد ومسائل مالی میدهد .این قوانین پس ازآتش بس وبرغیبت مخالفین این طرح ها دریك جلسه مخصوص توسط سنا بتصویب رسیده‌اند

قانون شماره ۹۳ـ اپرال ـ ست

ماده ۱ـ هرفرد حزب یااتحادیه یا انجمنی که بخواهد درتحت هرشکلی بطور مستقیم یاغیرمستقیم بی طرفی نسبت به کمونیسم یاطرفداری ازآنراترویج کند غیرقانونی شناخته میشود .

ماده ۲ ـ هرکس که دست باعمال تبلیغاتی بنفع بیطرفی زند بمثابه طرفدار کمونیست شناخته خواهد شد . این گونه اعمال مشابه اعمالی است که امنیت عمومی رابخطرمیاندازند (یادداشت مترجم : بموجب ماده ۹۱ اصلاحی پاراگراف ۳ قانون جزای ویتنام جنوبی هرگونه صدمه بامنیت عمومی مستوجب حد اکثر ۵ سال زندان است) .

قانون شماره ٦٥ ـ ٤

ماده ١٦ ـ هرفرد یکه باسازمان دادن متینگ یا تظاهرات مردم رابه منظور اغتشاش

۱ـ هلمز روان روان لیوسر ـك اثرذکرشده ص ۱

در امنیت دولت تحریک نماید ، به حبس دائم یا حبس دائم با اعمال شاقه محکوم میشود .

ماده ۱۷ ـ هرفردی که مرتکب عملی گردد که هدفش از بین بردن روحیه ضد کمونیستی ملت یا صدمه زدن به مبارزه مردم و نیرو های مسلح باشد . به کار اجباری موقت محکوم میشود .

قانون شماره ٦٤/ ٠١٨

ماده ۱ ـ در حالات اضطراری و از تاریخ انتشار این قانون اقدامات زیر اعمال خواهند شد .

ـ هرفردی که برای امنیت ملی خطرناك تشخیص داده شود زندانی شده ویا تحت نظر قرار خواهد گرفت .

قانون شماره ٦٦ـ ٠٠٤

ماده ۱۹ ـ هر فردیکه برای دفاع ملی یا امنیت عمومی خطرناك تشخیص داده شود بمدت حد اکثر دوسال زندانی شده ، در محل اقامت خویش تحت نظر قرار گرفته یا اجازه اقامت در بعضی مناطق رانخواهد داشت .

ماده ۲۲ ـ کسانیکه بصورت گروه های بیش از دونفر به قوای دولتی حمله نموده ، در مقابلشان مقاومت کرده ، یا در حین انجام وظیفه مانع آنها شوند به مجازات مرگ محکوم میگردند .

کشتن مهاجم در حالت قانونی دفاع از خود موجه شمرده میشود .

هرچند این قوانین به مسئولان امر اجازه میدهند هرشخصی که بطور فعال یا بوسیله بیان با سیاست رسمی مخالف باشد دستگیر نمایند ، معذلك رژیم سایگون قانون دیگری که بآن قدرت باز هم گسترده تری راواگذار میکند ، تصویب و انتشار داده است ، این قانون در ویتنام بنام قانون "آنتری" (توقیف اداری) معروف شده است و در این مورد رأی محکمه لازم نیست زیرا رائی که درمورد حکم توقیف صادر میشود بدون مراجعه بدادگاه صورت میگیرد .

توقیف

بسادگی نمیتوان گفت چند تن از افراد دستگیر شده

واقعاً روابطی با کمونیست ها داشته اند و چند تن مخالف حکومت تیو بوده اند ، زیرا بنظر میآید پلیس هیچ تمایزی بین اینها قائل نیست دسته دیگری نیز در بین

آمریکائی در مناطق باصطلاح مطمئن به دستگری هزاران نفر که مشکوک به داشتن "علاقه نسبت به کمونیست ها" بودند . اقدام می کردند . حمله" بهار ترس رژیم و اغتشاشات مخالفین حکومت افزایش میداد .

در ۲۶ماه مه سال ۱۹۷۲ اتحادیه دانشجویان بودائی در سایگون دستگیری و زندانی نمودن رهبران بسیاری از سازمانهای دانشجوئی و گروههای مبارز برای برقراری حقوق مدنی در ویتنام . رااعلام کرد .

والدین مبارزان شناخته شده تحت مراقبت قرارگرفته یابمثابه" گروگان دستگیر شده بودند .

تام فوکس خبر نگار قبلی نیویورک تایمز که مدتی طولانی ناظر جنگ در ویتنام بوده . این سرکوبی راچنین توصیف کرده است :

تقریباتمام اشخاصیکه بخاطر انتقادات شدیدشان بحکومت تیو شناخته شده اند و از معروفیت جهانی برخوردار نیستند . در این هفته های اخیر مورد شکنجه" پلیس ملی قرار گرفته اند .

تنهادر شهر هوئه بیش از ۱۵۰۰ نفر دستگیر شده و بسیاری از آنها بجزیره کن سون تبعید شده اند . در این جزیره کسانیکه حکومت های حمایت شده توسط فرانسویها و آمریکائیها رامورد انتقاد قرار داده اند . دهها سال زندانی شده اند . پلیس در میان " مظنونان سیاسی " زنان و کودکان رانیز توقیف کرده وبه کن سون فرستاده است .

هوانک دوک نها منشی مطبوعاتی تیو اخیراصریحااعلام کرد که " ما همه دانشجویان هوئه رادستگیر کرده ایم .

در بسیاری موارد اشخاص تنهابااین دلیل که والدینشان در جبهه" آزادی بخش ملی (ف ن ل) بوده یادر ویتنام شمالی زندگی میکرده اند . دستگیر شده اند .

بنابقول یکی از نمایندگان ایالت دلتا . پلیس بدهکده هاهجوم برده افراد ۸ ساله ای راکه سالهابود محل اقامت خویش راترک نکرده بودند . دستگیر و در سلولهای تنگی زندانی کرده است . حتی کدخدایان و افسران ارتش نیز دستگیر شده تحت نظارت قرار گرفته اند .

علت این دستگیریها " که داشتن علاقه نسبت به کمونیست هاست " به انحاء مختلفی تفسیر میشود . این وضع شامل حال تمام مخالفان سیاسی رژیم تیو بویژه کسانی که اعتبار و نفوذی در میان توده هادارند . میشود .

در میان اشخاص دستگیر شده . رهبران سازمانهای دانشجوئی . رهبران مذهبی و نویسندگان روزنامه ها بچشم میخورند .

در ایالت لونگ اکسین که زیر نفوذ فرقه مذهبی هوآ هوآ است چند صد دانشجو برای اعتراض به تصویب قانونیکه بموجب آن اکثریت آنهامی بایست برای رفتن به سربازی ثبت نام کنند . متینگی ترتیب دادند . پلیس علی رغم شعارهای ضد آمریکائی "دانشجویان و خلق بخاطر منافع امپریالیست ها نخواهند مرد" . دخالت نکرده باوجود این خبر رسید که سازمان دهندگان متینگ دستگیر شده اند .

بنظر آید سایر دستگیری رهبران دانشجوئی هیچ ارتباطی باتظاهرات نداشته است . یك کشیش کاتولیك سایگون عقیده داشت که حداقل ۹ رهبر محلی جنبش جوانان کارگر مسیحی باز داشت شده و ٦ نفر دیگر ناپدید شده اند . در چنین مواردی پلیس بندرت اطلاعاتی درباره هویت قربانیان بدست میدهد .۱

<u>دستگیری و بازجوئی</u>

زندانی پس از دستگیر شدن باید باخطرات بیشماری مواجه گردد . داشتن یك پرونده شخصی منحرف کننده . زیان کمتری به شخص میرساند . معذالك مجازات چنین مواردی میتواند بسیار سنگین باشد .

سیستم قضائی کهنه و بویژه غیر قاطع ویتنام جنوبی چنان است که شخص ممکن است سالها بدون محاکمه درزندان باقی بماند . در حالیکه پرونده اش در میان انبوه آرشیوهای خاك خورده ایکه مشخص کننده بوروکراسی ملی است . گم شده باشد .۲

معذلك پلیس معمولا برای بازداشت افراد دلایلی چند ارائه میدهد . پیش از آنکه حکومت اتهامات کسی راتعیین کند . ممکن است وی تا ٤٦ روز بصورت بازداشت نگاه داشته شود . هرچند اکثریت افراد مورد سوءظن در مراکز بازداشت ایالتی نگاه داشته میشوند ولی امکان زیادی وجود دارد که بعضی مواقع در مرحله پیش از محاکمه افراد به مراکز بازجوئی ایالتی برده شوند . این مراکز نسبت به مراکز بازداشت . در درجه دوم اهمیت قرار دارند . چون اعترافات امضاء شده . مدرك اصلی را در هنگام محاکمات تشکیل میدهند . شخص مظنون در مرکز باز جوئی رسما مورد اولین شکنجه ها قرار میگیرد . (برای بدست آوردن اطلاعاتی که دارای ارزش نظامی فوری هستند . ممکن است زندانیان دستگیر شده توسط واحد های نظامی در همان میدان

۱ـ کمك به تیو ـ ل آن تو و ماریلین مکتاب ملك ناب نارمیك ـ سپتامبر ۷۲ ص ۲ـ۵

۲ـ نیویورك تایمز ۲۳ ژوئن ۷۲

کمیته هامیتوانند او رابازد اشت اد اری کنند این نوع بازد اشت احتیاط د ر مقابل خطری است که امنیت د ولت راتهدید میکند چنانچه شخص مورد نظر باز هم برای امنیت ملی بمثابه خطری بشمار آید مقررات تجدید بازد اشت اد اری رابمدت د وسال د یگر تجویز میکند . توقیف بنابه ماهیتش به محاکم قضائی مربوط نبود ه و اد اری است لازم نیست د لیلی مبنی بر تجاوز متهم نسبت به مقررات مملکتی ارائه شود . بلکه همین قدر که د لیلی باشد که بتوان تصور کرد مظنون مضر بحال امنیت ملی است . کافی خواهد بود .

علیه تصمیم بازد اشت اد اری به هیچ مرجع قضائی نمیتوان مراجعه کرد . مدت و محل بازد اشت توسط نظامنامه های اد اری حکومت ویتنام تنظیم شد ه اند .

قواعد ی که مد ارك لازم برای اعلام بازد اشت راتعیین کرد ه باشد . وجود ند ارد و ضوابط موجود د ریك ایالت نسبت به ایالت د یگر میتوانند بسیار متفاوت باشند .

بنابه شرایط خالص هر ایالت و نحوه' عمل شخص د ستگیر شد ه د ر زیر بنای ویت کنگ است که هر کمیته " تهدید برای امنیت ملی " راتعیین میکند .

این عمل بوسیله د وجنبه' اد اری و سیاسیش واقعیات زند گی راد ر هر ایالت منعکس میسازد .

بنابتعریف کمیته های امنیت ایالتی ابزار سیاسی بود ه و برحسب واقعیات سیاسی زند گی هرایالت تنظیم شد ه اند . وجودغیر قضائی و خارج از مقررات قانون اساسی این کمیته هابرروی " حق باقیماند ن حکومت " استوار است .

طبیعت این کمیته هاو طرز کار منحصراسیاسی شان یك سیاست " عدم د خالت " رابه تمام کارکنان و آژانس های آمریکائی د یکته میکند . ۱

حکومت ویتنام جنوبی از طریق د اد گاههای نظامی و کمیته های ایالتی امنیتی تقریبا هرکسی راکه بخواهد میتواند زند انی نماید . " شکل قانونی که بند رت د ر طول تاریخ ویتنام جنوبی مشاهد ه شد ه . پس از آغاز حمله د شمن کاملافراموش شد ه است . بااینکه حکومت د ر این مورد هیچ گونه اظهاری نکرد ه است ولی قوانینی که حقوق متهم رعایت میکنند عملاً معلق شد ه اند ". ۲

مراکز بازجوئی

زند انیان سیمرغ ب ه مراکز بازجوئی ایالتی

۱ــ آرشیو کنگره ۲۲ آوریل ۷۱ ص ۱ــ ۳۲۳۰ ۱

۲ــ نیویورك تایمز ۱۳ اوت ۷۱

فرستاده میشوند . یك كارمند سابق كردس بنام تشود ورجكس به کنگره گزارش داده است که مراکز بازجوئی ایالتی به شکنجه دادن افراد متهم به عضویت ویت کنگ . در بازداشتگاه ها شهرت دارند . . . .
پیرمرد ثروتمندی راکه در سایگون میشناختم باتهام جاسوسی برای کمونیستها دستگیر شد . دو افسر آمریکائی که این شخص رابخوبی میشناختند بعد امحرمانه بمن گفتند که آنهانیز ذکر میکردند که این پیرمرد یك ویت کنگ حقیقی بوده . آنها همچنین بمن گفتند که پیرمرد بلافاصله پس از دستگیری حاضر به اعتراف بود . ولی با این حال بطور وحشیانه ای شکنجه شد زیراجریان بازجوئی بطور عادی باشکنجه دادن زندانیان همراه است . ۱
بنابه بمقاله ایکه توسط مخبر نیویورك تایمز بنام سیدنی شنبرگ در اوت ۱۹۷۲ منتشر شد اسنادی که مخفیانه از زندانهای ویتنام جنوبی خارج شده و نیز مصاحبه های زیادی که بازندانیان قدیمی صورت گرفته . تابلوئی از شکنجه های معمول حکومت سایگون رادر مورد زندانیان ترسیم کرده اند ۲
مقاله نمونه ای از صحبت های زندانیان رابدست میدهد .
نگوین تی ین رابایك باطوم چوبی بحد بیهوشی کتك زدند هنگامیکه بهوش آمد . وی رامجبور کردند لخت در برابر ۱۰ شکنجه گر بایستد و آنها پستانهایش راباسیگار سوزاندند .
صورت تین دین بان آنچنان مورد ضربت قرار گرفته بود که چشمهایش بسته شده و چرك کرده بود . پلیس زیر ناخن هایش سنجاق فرو کرده سینه و کف پاهایش راآنقدر زدند که دیگر نتواند راه برود .
وتی باس تتویت راكتك زده و در زیر نور خیره کننده ای از آویزانش کردند . سپس وی رابه سلول کوچکی که تانیمه پر از آب بود انداختند . در آنجاموشهاو حشرات بربدنش میخزیدند . ۳
سیدنی شنبرگ اظهار میدارد که امور ذکر شده بهمین هاختم نمیشوند :
اظهارات سه گانهٔ بالامطابق است بااظهارات نقل شده در اسناد دیگر و بامصاحبه ای درباره نحوه رفتار بامیلیونها دانشجو . کارگر . دهقان . زن . کودك دستگیر شده توسط پلیس ملی و سایر اولیای امور نظامی طی عملیات تصفیه ای

۱ ــ گزارش درباره کمك آمریکا ۷۱
۲ــ نیویورك تایمز ۳ اوت ۷۲
۳ ــ نیویورك تایمز ۱۳ اوت ۷۲

بگویند . باید آنقدر زد شان تابگویند آری ۱ .

در اینجانیز حکومت سایگون تنهایست . بااینکه ارقامی درباره اینکه حفظ و نگاهداری از این مراکز بازجوئی چقدر برای مالیات دهندگان آمریکائی تمام میشود . درست نیست . ولی سفیر ایالات متحده کلـــبی قبول دارد که این مراکز توسط آمریکائیها کمك و حمایت میشوند . ۲

بنابه اظهارات تئـــودور جـکـســـ آمریکائی هانیز در فعالیت های مراکز بازجوئی ایالتی شرکت دارند . این مراکز باهمکاران " سیا " ئی خود نیز اغلب بامشاورین پلیس اا ی د در رابطه هستند . منتهی درتمام موارد مثلا سال گذشته . مشاور عالی رتبه امور پلیس در گروه مشاورین اا ی د شهر دانـاگ بمن گفته بود که پس از بازدید یکی از مراکز بازجوئی ایالتی دیگر قبول نکرده بود پول به درون این مراکز بگذارد زیرا در آنجا " جنایات حنگ صورت گرفته اند ". ۳

یك سیاست تـرور سیستـماتیـك :

تبعیـــد

دستگاه سرکوب کننده ویتنام جنوبی تنهااعضای سازمانهای مخالفین رادستگیر نکرده بلکه به تمام مردم حمله میکند . مردمی که رژیم ناتوان از جلب حمایت یاخنثی کردن آنهاست ؛ باین ترتیب تبعید اسلحه ایست برای ریشه کن کردن مردمی کـه روز بروز بیشتر در اردوگاه فراریان جمع میشوند . اردوگاهی که در آن امکان کـار برایشان نبوده . از خانواده خود جداافتاده و توسط پلیس که کاملاسرسپرده سایگون است . مراقبت میشوند . رژیم تیو باادامه سیاست " دهکده های استراتژیکی " ــ دیم مردم رادر یك طویله حقیقی جاداده است . این سیاست تبعید باتشدید ـــ جنگ در جنوب تقویت شده است و بخصوص به ایالات مرکزی و شرقی نیز کشیده شده است . بهمین گونه هنگام حمله ف ا پ ل به کوانگ تری کادرهای دهـات مرکز ویتنام تقریبا ۱۵۰۰ نفر برای " تنظیم امور شان " احضار کردند و بمحض ورود ــ این اشخاص . آنهارابازداشت و به جزیره کن سون تبعید کردند نگهبان زندان بخاطر بچه ها وپیرهائی کمعلوم نبود بچه مجوزی دستگیرشده اند این خبررا به رؤسای دینی گزارش داد تاآنهادر این امر دخالت کنند . به افراد دستگیر شده

۱ــ نیویورك تایمز ۳ ااوت ۷۲

۲ــ گزارش درباره کمك امریکا ۷۱

۳ــ رجوع کنید به اثر ذکرشده ص ۲۵۲

ها گفته بودند که آنها مشکوک به داشتن تماس با دشمن بوده اند . کشتی آنها در
ماه مه به کن سون رسید و آنها هنوز در آنجا هستند .

تنها در ماه آوریل ۱۹۷۲ ، ۵۰۰ نفر از ساکنان ایالت د تو آتین
، اکثرا کاتولیک هستند به کن سون تبعید گشته اند (لوموند ۱۰ ژانویه ۱۹۷۳ .
ظهارات نگو کنگ د و ک) بنابه نامه اتحادیه میهن پرستان ویتنامی مقیم
ناد ا (در اواخر اکتبر ۱۹۷۲) تبعید بودائی ها روشنفکران دانشجویان
، کن سون بدون انجام هیچ گونه محاکمه بسیار زیاد بوده است : در ماه
، هر هفته ۴۰۰ الی ۵۰۰ بازداشت انجام گرفته است .

بطور کلی اطلاعی درباره افراد ناپدید شده در دست نیست و سرویس های
ختلف پلیس والدینی را که بدنبال خبرهائی از فرزندانشان هستند به یکدیگر حواله
یکنند . باین ترتیب گوناگونی سرویس‌های پلیس بهترین سرپوش سرکوب بوده و بـه
نهانی و مخفی بودن اموری که میگذرند کمك میکند .

<u>سرکوب سیاسی مخالفین در وهله اول ؟</u>

ولی این سرکوب همه جائی انتخابی نیز میباشد . نظارت بر مردم کافی نیست
یرا بویژه پس از حمله تت ۱۹۶۸ تیو در مقابل جنبش‌های حقیقی مخالفین کـه
سترش و بخصوص در میان محافل جدید وسعت یافته است ۰ افرادی که بیش از
مه هدف سرکوب هستند از محصلین مدارس متوسطه دانشجویانی که خدمت
جباری نظام را رد میکنند . بودائی ها . کاتولیک ها ــ که سابقا یکی از مطمئن تریـن
حامیان رژیم بوده و امروز تعداد زیادی از آنها جزء مخالفین هستند ــ روشنفکران
ساتید دانشگاه . وکلا . سیاستمداران که آنها نیز هر روز بیش از پیش جزء مخالفین
رار میگیرند . پس از اینکه در اکتبر ۱۹۷۱ تیو در انتخابات خود را بطرز مضحکـی
کاندیدای واحد ریاست جمهوری نمود ، بازداشت و دستگیری در محافل مذکـور
بیشتر شده و پس از حمله بهار ۱۹۷۲ ، ف آ پ ل اخذ رای بمنظور کسب قدرتهای
یژه . بطور منظم انجام میگیرند .

سایگون ــ زندانیان ــ جبهه هم بستگی هند وچین
سند شماره ٦ سه ماه اول ۱۹۷۳ ص ۲۰ ــ ۲۲

تعداد زندانیان سیـــاســـی ؟

<u>تیو و همکاران نزدیکش بارها اظهار داشته اند که زندانی سیاسی در زندا ن</u>
<u>هایشان وجود ندارد . تیو به یك خبرنگار فرانسوی که باوی مصاحبه کرده اسـت</u>

گفت " نمیتوانم رقم صحیح (زندانیان ؟) را بشما بدهم ولی میتوانم بگویم که در اینجا زندانی سیاسی وجود ندارد " بلکه فقط ماموران کمونیست جاسوسان کسانی که مین گذاری کرده و نارنجک پرتاب میکنند وجود دارد " . (نوول ابسرواتور ۲ آوریل ۱۹۷۳) . این حداقل یک اقرار تغییر شکل داده شده است . هر کسی که توسط پلیس سایگون مارک " کمونیست " یا "طرفدار کمونیست" بخورد میتواند بازداشت . شکنجه ـ زندانی و تبعید شود .

دادن رقم صحیح زندانیان سیاسی بسیار مشکل است زیرا یکی از سلاحهای اصلی رژیم تیو محرمانه نگاه داشتن آن است . نتایج این مخفی کاری یا سیستم طبقه بندی کاملاً لبخواهی که توسط آمریکائیها در سال ۱۹۶۶ برقرار کردیده و بوضوح توسط الکساندر کاسلا بیان شده است , وخیم گشته اند . (لوموند ۹ دسامبر ۱۹۷۲) .

در یک نبرد خلقی که در آن مبارزان اغلب بدون لباس متحد الشکل (اونیفورم) بوده و چریکها در میان مردم زندگی میکنند . چگونه میتوان یک اسیر سیاسی را از یک زندانی جنگ تمیز داد ؟ زندانیانی که طی عملیات و یا حمله ای دستگیر شده اند ابتدا به مراکز توزیع برده شده و در آنجا اولین بازجوئی ها صورت میگیرد . کمانیکه " باقی می مانند " (تا هنگامیکه از آنها بازجوئی نشود . آنها هیچ حقی نداشته و بازجوئی اغلب شکنجه است) اگر آزاد نشوند (آزادی امری نادر است) موقتاً در دسته زندانیان جنگی و عادی قرار میگیرند . کاسلا مینویسد " طبقه بندی کاملاً دلبخواهی است . بنا به میل بازپرس یک زندانی ممکن است هم بمثابه زندانیان جنگی طبقه بندی شود و هم ممکن است در ردیف زندانیان عادی قرار بگیرد . " زندانیان پس از اینکه چند ماه بطور پنهانی در یکی از ۵ "مرکز باز جوئی مرکب" که با جلسات بازپرسی مکرر همراه است . نگاه داشته شدند برای بار دوم طبقه بندی میگردند . تنها در این هنگام است که باقی مانده ها یا بسوی یکی از ۶ اردوگاه زندانیان جنگی یا بطرف زندانهای عادی رهسپار میشوند و یا اینکه " خطرناک ترین " شان دوباره در سایگون مورد بازجوئی قرار میگیرند . تمیز زندانیان جنگی از اسرای عادی در مورد قربانیان شوراهای امنیت ایالتی . قربانیان سرویس اطلاعاتی گوناگون و قربانیان پلیس هائی که حق دستگیری هر شخص مشکوکی را برای یک دوره نامعین در واقع دارند بسیار آسان است : افراد دستگیر شده هیچ گونه " شانسی " برای قرار گرفتن در ردیف زندانیان جنگی ندارند .

ولی برای حکومت نسبتاً آسان است که آنهارا بمثابهٔ زندانیان عادی ملاحظه نماید . در واقع چگونه میتوان یك زندانی سیاسی رابدرستی از یك زندانی غیر سیاسی تمیز داد ؟

در شهرهاکه کاملاً و تماماً توسط پلیس محاصره گشته و هرمنزل تحت مراقبت است و هرگونه مخالفتی ممنوع اعلام شده . جرم عادی میتواند شکلی از مخالفت سیاسی بارژیم رانشان دهد .

باقی مطلب اینکه بنظر میآید که کار تیو قلب واقعیت یعنی تبدیل منظم فیش های سیاسی به فیش‌های عادی و غیر سیاسی است . این کاری است که در زندان مرکزی شی هوآ در سایگون انجام گرفته است .

شاید بگویند که شناختن محکومین سیاسی از روی ارقام ممکن است آسان تر باشد ؟ بنابقول نیوز ویك(دومین هفته دسامبر ۱۹۷۲) آنهاتقریبا ۴۰۰۰۰نفرند همانطور که این روزنامه خاطر نشان میکند این رقم فقط بدلیل تقلب هاو پنهانکاریهای تیو گول زننده نیست . بلکه بخصوص باین خاطر غیر صحیح است که مفهوم محکوم هیچ معنائی در سایگون ندارد . از طرف دیگر بسیاری از محکومین پس از پایان محکومیتشان باز هم در زندان نگاه داشته شده اند . اشخاص تبرئه شده باز هم رهسپار زندان میگردند . این عمل درباره رهبران ویتنام جنوبی انجام شده است . (لوموند ٦فوریه ۱۹۷۳) . از طرف دیگر و بخصوص زندانها پر از مردمی هستند که هیچگاه محاکمه نشده اند . و این موضوع کاملاً قانونی است . پیش از تصویب قوانین ۱۹۷۲ (ماده ۹ (قانون ۱۵ فوریه ۱۹٦٦ . پیش بینی میکرد که برطبق تصمیم اداری هرکسی ممکن است برای مدت دو سال قابل تمدید، بصورت بازداشت نگاه داشته میشود .

پس چگونه بر تعداد زندانیان سیاسی واقف شویم ؟ در این مورد چند امر مسلم است :

ــ در اکثر موارد غیر ممکن است کاملازندانیان جنگی رااز زندانیان سیاسی و اینهارااز زندانیان عادی تمیز داد .

ــ در ویتنام جنوبی تعداد زندانهابسیار است .علاوه بر ٦ اردوگاه زندانیان جنگی . تبعیدگاههاکه از استعمار فرانسه به ارث رسیده اند (جزیره پولوکندر امروزه کن سن نامیده میشود . واقع در جنوب دلتای مکنگ زندانیان فولك ۱ در جنوب کامبوج نیز در حال حاضر بآن افزوده شده

است .) د ر سایگون و سایر ایالات چند صد زند ان بزرگ (بعضی از این زند انها اختصاصی هستند . مثل تود و ك برای زنان) و چند صد زند ان کوچك مثـــل زند انهای بخش . کمیسریاهای پلیس . مراکز بازد اشت برای خانواد ه ها و غیـــر ه وجود د ارد . محل آنها بیشتر غیر معلوم بود ه و د ر اختفای نیمه کامل هرگونه جنایتی د ر آنها امکان پذ یر است .

ـ افزایش ناگهانی بود جه زند انیان تیو توسط آمریکا د ر سال ۱۹۷۲ از جانب د و سازمان : کو روس) که پس از جمله تت سال ۱۹۶۸ ، مسئول برنامه پیشرفـت و تقویت زند انها است و ا ا ی د که مسئول تسهیلات امنیتی زند انها و نیز مسئـــول قرار د ادن مشاوران تکنیکی د ر اختیار نیز برای کمك و نظارت بر انتقال جمعیـــت و جذ ب افراد جد یـد است . هزینه مالی که د ر سال (۱۹۷۱) ۲۶۷۰۰۰ د لار بود به ۶۲۷۴۰۰ د لار د ر سال ۱۹۷۲ رسید ه است .

یعنی که این مبلغ بیش از د و برابر شد ه است .

ـ بود جه د ستگیری د ر رژیم تیو د ر سال ۱۹۷۳ برای ۴۰۰۰۰ نفـــر زند انی پیش بینی شد ه و سهم آن با این افزایش محسوس ۱۸/۵ ٪ بود جه اســت .

ـ د ر سال ۱۹۷۲ سرکوبی د ر رابطه با مخالفین روز افزون نیروهای جد ید مذ هبی و سیاسی با رژیم . باد ستگیریهای وسیع د ر مناطقی که تیو میترسید توسط حمله نیروهای مسلح آزاد ی بخش خلق ، آزاد بشوند و نیز د ر رابطه با قوانینی که تصویـب و سپس اجراء گرد ید ند ، د و برابر شد ه است .

بالاخره باید . (موردی را که تیو د ر ۲۲ ژانویه ۱۹۷۳ ـ چند روز پیش از امضای قرارد اد ها د سته بند ی و د ر روزنامه ٔ تیـــن ســانـــگ ـ روزنامه ٔ رسمی سایگون ـ منتشر کرد ه است ، یاد آوری کنیم :

" د ه اقد ام زیر باید بلافاصله پس از آتش بس اعمال گرد ند :

ـ نیروهای پلیس و نظامیان مجازند افراد ی که مرد م را واد ار به تظاهرات ـ کرد ه و نیز افراد ی که موجب اغتشاشات بود ه یا هرکسی که شخص د یگری را تحریك بـه د نباله روی از کمونیستها نماید . جابجا تیر باران نمایند .

ـ اشخاصی که بنفع کمونستها تبلیغ کرد ه . اعلامیه پخش و به د ر و د یوار آگهی بچسباند ه یا پرچم های کمو نیست ها را با هتزاز د ر می آورند بازد اشت شوند .

ـ بازد اشت فوری افراد ی که مانع حفظ نظم عمومی توسط پلیس هستند .

ــ هرنظامی ــ کارمند دولت یاپلیسی که خرابکاری کرده یادیگری راتحریک به خرابکاری نماید . جابجاتیر باران خواهد شد .

ــ اشخاصیکه در کوچه هاو خانه هابه عابرین و ساکنین خانه هاحمله میکنند دستگیر میشوند . این اشخاص در صورت فرار جابجاتیر باران خواهند شد .

ــ دستگیری افرادی که مردم رابه ایجاد اغتشاش . ترک کردن یابالعکس رفتن به مناطق تحت کنترل کمونیستها تحریک میکنند . اگر این افراد در مقابل دستگیریها مقاومت کنند جابجاتیرباران خواهند شد .

ــ مجازات افرادی که اسکناسهای بانک کمونیستی رابجریان میاندازند .

اشخاصیکه باانبار کردن کالا ایجاد اغتشاشات اقتصادی میکنند در دادگاه نظامی محاکمه وبه مرگ محکوم خواهند شد .

ــ دستگیری طرفداران بی طرفی و کسانیکه آشکاراافکار کمونیستی راتعلیم و اظهار کرده و فعالیت سیاسی علنی میکنند . این اشخاص در کمترین مهلت به دادگاه نظامی احضار میشوند .

ــ اجرای سریع و عمیق قوانین مربوط به مطبوعات و احزاب سیاسی برای ممانعت از اعمال غیر قانونی افراد سیاسی .

ــ دستگیری همهٔ مبارزان گروههاو سازمانهائی که بدنبال کار مخفی هستندو نیز سازمانهائی مثل جبهه مؤ تلفهٔ لام وان تت و توین دین تائو یااستاد لی وان هائو اهل هوئه که تاامروز از کمونیست هاپیروی میکنند اگر افراد مذکور به شهر برگردند . بدادگاه احضار و محاکمه خواهند شد .

این ده مورد علی رغم تضاد های آشکارشان بامتن موافقت نامه . شدیدابکار بسته میشوند . تنها در شهر هوئه از ۲۹ ژانویه تا ٤ فوریه ۱۹۷۳ مقامات سایگون ۵۰۰ بار عملیات پلیسی انجام داده وهزار نفر رادستگیر کرده اند . مردمی که بخاطر صلح کف میزنند و بویژه کسانی که در جستجوی بدست آوردن متن موافقت نامه هستند رادستگیر میکنند .

از هم اکنون میتوان مبادرت به ارزیابی موجه حتی دقیقی کرد .

ــ بنابه منابع رسمی آمریکادر سال ۱۹۷۰ ۱۰۰۰۰۰ زندانی در زندانهای تیو وجود داشته است (جلسه کنگره ماه ژوئیه ــ اوت ۱۹۷۱) .

ــ بنابه روزنامهٔ لوموند (۱۰ نوامبر ۱۹۷۱) طی همان سال ۱۵۳۰۰۰ ــ دستگیری صورت گرفته است . بی شک بسیاری افراد دستگیر شده به زندان فرستاده

شده اند ۰

ـ دوبرابر شدن بودجه کمك امریکا در ۱۹۷۲ باین فکر منجرمیشود کـــه زندانیان نیز محتملا دوبرابر شده است ۰رقم پیس‌بینی شده دربودجـــه سایگون این فکررا تقویت میکند ۰

ـ درژانویه وفوریه ۱۹۷۳ اده ها هزارنفرزندانی شدماند باین ترتیب اخبـــار بخشی ازمطبوعات ایالات متحده که برحسب آنها درحال حاضر ۳۵۰۰۰ زندانی درزندانهای سایگون وجود دارد بطور مسخره ای نقش برآب مـی گردد برعکس ارقام داده شده توسط حکومت انقلابی موقت دارای اعتبـــار میگردند تقریبا ۴۰۰۰۰۰ زندانی درزندانهای تیو وجود دارد ۰

سایگون ـ زندانیان ـ جبهه همبستگی
هند وچین ـ اسناد شماره ٦ فرانسوا
ماسپرو ـــه ماهه اول ۷۳ ص ۷ ـ ۴

معما ه پیش دریك کنفرانس مطبوعاتی درپاریس گفتم درحال حاضر ۲۰۰۰۰۰ زندانی در زندانهای رژیم سایگون وجود دارد بعضی ها درباره واقعیت این رقم شـك داشتند مجلات وروزنامه های امریکائی درآن دورماز ۱۴۵۰۰۰ یا ۱۸۵۰۰۰ صحبت میکردند تنها دستگاه اداری سایگون درباره این مسئله مهم برای آینده کشورلال شده بود ۰۰۰ درمه ۱۹۶۹ وقتی که هنوزنماینده ویتنام بودم کشف کردم که درزندان مرکزی شهر ۰۰۳ زن اسیربود ونه هیچ اتهام جدی وجود دارد باد خالت من آنها آزاد شدند ولی هنوز بیشتراز ۶۰۰ زن دیگر درزندان بود وقتی این موضوع رافهمیدم آقای تیو مرا به زندان انداخت بعد ازانتخابات ۷۱ این رقم به ۸۰۰ نفر رسید مخالفینی که در جریان تبلیغات انتخاباتی تظاهرات کرده بودند دستگیر شدند درحال حاضر از ۱۸۰۰۰ کین این حوزه ۰۰۰ انفرشان دراین زندان هستند باین زندان باید سایرمراکز بازداشت رانیز اضافه نمود اگر باین ارقام ایالت ویتنام ۲۰۰۰۰ زندانی اسارتگاه معروف پولوکند روشی هوآ ۲۰۰۰۰ نفر یکرمربوط بعد وارد وگامتان هیپ وتودوك (مخصوص زنان) ۴۰۰۰۰ مال جزیره فوکوك ونیز اسیـــــــران هـــزاران

. ز... ای دیگر که در تمام منطقه جنوب پخش شده و همکاران قدیمی ام درباره آنها اغلب ... هائی به مجلس ملی داده اند را نیز اضافه کنیم میترسم که رقم ۲۰۰۰۰۰ ... ر کمتر از واقعیت موجود باشد . (تکیه از ناشران است)

بعلاوه این رقم در حال افزایش دائمی است بخصوص در ایالات مرکزی و شرقی که سرکوبی ... آنها بیرحمانه است . نگوک کونگ دوك لوموند ۳ ژانویه ۷۳
لوموند ... یه ۱۹۷۳

چند ماه است که سرکوبی شدت بی سابقه ای بخود گرفته است . دهها هزار مبارز و تقریبا تمام رهبران جنبش‌های مخالف به زندان انداخته شده اند . بعضی از آنها مانند آقایان بون تی و نگوین دو هین وجمعی دیگر بحد مرگ شکنجه شده انـد . در این تاریخ بیش از ۲۰۰۰۰۰ زندانی سیاسی وجود دارد بدون محاسبه زندانیانی که به نیرو های مخالفین تعلق دارند منجمله راهبانی که باجبار و بازور در واحد ها جنگ اسم‌نویسی کرده اند ! بیش از ۱۰۰۰۰۰ زندانی سیاسی و ۲۵۰۰۰ عادی در زندانهای عادی ویتنام جنوبی وجود دارند .(تحقیق کمیته فرعی اطاق نمایندگان درباره فعالیت های حکومتی برای برنامه های کمك آمریکا به ویتنام جنوبی ژوئیه اوت ۱۹۷۱ ص ۱۰۵) امریکن ریرت ۹ اکتبر ۷۲

نزدیك ۵۰ هزار ویتنامی جنوبی به جرم سیاسی محاکمه و بزندان فرستاده شده اند شاید ۱۰۰۰۰۰ نفر دیگر هم دستگیر و بدون محاکمه به تبعیدگاههای کشور منجمله زندان مخوف جزیره کن سن وسواحل ویتنام جنوبی روانه گردیده اند . زندگی آنها مخلوطی است از بدرفتاری و راحتی اندکی که به قیمت طلا خریده میشود . سرنوشت آنها یکی ازمشکلترین مسائلی است که توسط قرارداد های پاریس حل خواهد گشت . نیوزویك ۱۸ دسامبر ۷۲

محافل ویتنامی وآمریکائی هائی که در ویتنام جنوبی کارکرده اند تعداد زندانیان سیاسی را بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ الـی ۳۰۰۰۰۰ نفر میدانند . اینها عبارتند از

۱ـ پارتیزانهای عادی دستگیر شده جبهه آزادی بخش ملی اف . ان . ال . که ردیف زندانیان جنگی قرار دارند .

۲ـ اشخاص عادی دستگیرشده در چهارچوب برنامه سیمرغ که پولش را آمریکا

۱ـ تیش‌تین شو ـ امریکن ریرت ٦ نوامبر ۷۲ این شخص رئیس اتحادیه بودائیهای ویتنامی ماورا بحار در پاریس و یکی از رهبران نهضت آشتی ملی در میان ویتنامی های فرانسه است .

می پردازد . اکیپهائی برای ازمیان برداشتن زیربنای جبهه آزادی بخش ملی توسط آمریکائیها تعلیم دیده اند . در سال ۱۹٦۹ ۲۰۰۰۰ زندانی عادی بقتل رسید (بنابقول سفیرآمریکا کلبی) هیچکس نمیداند چند نفردستگیروزندانی شده اند کمترین اتهام بی نامی میتواند باعث دستگیری شود .

۳ــ رهبران گروههای مخالقین مثل ترونگ دین دزو "ازنیروی سوم" خانم نسگو با تا ازجنبش زنان برای حق زندگی نگوین لونگ ازکمیته خود مختاری وبسیاری دانشجویان وسایرین .

٤ــ دهها هزاردهقان درجریان حمله بهاردستگیروبه جزایر فوکوک وکن سن تبعید شدند . هونگ دوک ناها مشاوراصلی تیو در۹ نوامبرتائید کرد که ۰۰۰. نفر طی دوهفته پیش دستگیرشده اند وبازداشتها ادامه دارد .

بسیاری ازاسیران هیچگاه محاکمه نشده اند (مثل ۲۳۸٦ نفراز ۷۰۳۱ نفر زندانی درکن سن درسال ۱۹٦۹) . بعضی مثل تران نگوک شو که حکم محکومیتشان توسط دادگاه عالی نقض شده بود دوباره زندانی شد موهنوز درآن جا هستند .

ویتنام انترناسیونال ــ فوریه ومارس ۷۳

۲۰۰۰۰۰ حد اقل یک رقم قابل قبول درمورد افرادعادی است که به نحو درمناطق مخاصمه دستگیرشده اند .

بولتن عفو بین المللی ــ ۲ نوامبر ۷۲

اعتقاد ما براین است که تعداد زندانیان سیاسی که توسط حکومت سایگون دستگیرشده اند بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفراست این رقم برپایه اطلاعاتی است که ازمنابع ویتنامی واظهارات ناظران خارجی بدست میآیند .

هلمزبراون ودان لیوس .
رك بماثرذکرشده ص ۳

بازندانیان چگونه رفتار میشود

درویتنام جنوبی بیش ازهزاربازداشتگاه رسمی ومخفی وجوددارد . این بازداشتگاهها درهمه شهرها ایالات بخش ها وبسیاری دهکده ها یافت میشود . بزرگترین ومعروفترینشان کن سن دردریای جنوبی چین شی هوآ درحومه سایگون تودوک تان هیپ وکی دوآ درجزیره فوکوک نزدیک مرزکامبوج هستند . بازندانیان سیاسی چگونه رفتارمیشود ؟

درزندان کن سن "قفس های ببر" ۱

۱ــ ریرتاژدان لیوس که بلافاصله پس ازدیدارش اززندان کن سن درسال ۱۹۷۰ درچند روز نامه چاپ شد .

. . . . هنگامیکه هواپیما به جزیره " کونزن " نزدیک میشد این مطالب ازپیش آماده را خواندیم :

"مرکزملی تادیب کن‌سن" که در دریای چین و ۲۲۰ کیلومتری سایگون واقع شده بزرگترین موسسه تادیبی ویتنام است . اینجاکه در سال ۱۸۶۲ توسط فرانسویها ساخته شد تابعنوان زندان مستعمراتی مورد استفاده قرارگیرد مدتها است بنام " جزیره شیطان " معروف است. واین شهرت علی رغم وجود یک تشکیلات اداری مدرن باقی مانده است .

ماحیران شده بودیم . بااینکه زندانیان قدیمی داستانهای نفرت انگیزوترسناکی تعریف کرده بودند ولی مشاورین آمریکائی بااصطلاحات مدح آمیزی ازآن صحبت میکردند . گروههای تحقیقی دیگرهیچ چیزبیدانکرده بودند . هیچ فردغربی از زمان فرانسویان ببعد قفس‌هارا ندیده بود (حداقل هیچ کس‌نمی‌توانست وجودشان راثابت کند) . " قفس‌های ببروجود ندارند . این امری مربوط بگذشته است" . این هاحرفهائی است که کارکنان زندان‌به همبازدیدکنندگان جزیره میزدند .معذا هربازدیدکننده ای بدون اینکه متقاعد شود برمیگشت زیرا زندانیان جزیره بسوی مخفیانه گفته بودند که " می بایست قفسهای ببر راببینید " .

گروه سوارسه جیپ شده وبه اردوگاه شماره ۲ رفت . درآنجازندانیان بخط ایستاده بودند چهره هایشان سخت خشک وگرفته وبطرزمشهودی وحشت زده بود وبه مجسمه میماندند .

. . . . . . دربهداری توضیحاتی درباره معالجات طبی بما دادند .

" درایتجا یک دکتر داریم که هرمریض‌راجداگانه معالجه میکند . معالجات طبی در اینجا مطابق اصول جدید است" .

نمایندگان چند سئوال اززندانیان مریض‌کردند .

ــ آیاباندازه کافی بشماغذا میدهند ؟

ــ یکی ازآنهاجواب داد بله خیلی زیاد برنج ماهی خشک سبزیجات.

ــ آیابشمادارو میدهند ؟

ــ بله همه روزه

دراین موقع من ازگروه جدا شده بامردی کمازبقیه جدابود شروع به صحبت کردم .

ــ اوبمن گفت که : من ازدوره دیم تابحال زندانی سیاسی ام . نمیدانم کی آزاد خواهم شد . اینجاخیلی بد است این مردسخت مریض‌رامی بینید ؟ اوهیچ دوائی

دریافت نکرده . اروزیك بطری سرم آماده کرده اند که دررگش تزریق کنند . آنهم به جهت ورود شما . اینجا نه دواهست نه سبزی . . . دراینهنگام یك نگهبان نزد یك شد ومرد اد امه داد :

ـ دراینجاهمه چیز خوب است مانند زمین خشك وسفت نیست همه چیز برای خوردن داریم وافراد مهربان هستند .

وقتی ازپهلویش میرفتم چشمانش راپر ازخشم دیدم .

ازاین لحظه بعد همه کارکرد ند تانگذارند تنهابازندانیان صحبت کنم .

وقتی از" راند ولف برگلی " رئیس بخش تاد یب وتوسعه" برنامه" امنیت عمومی پرسید ند آیازندانیان میتوانند ورزش کنند جواب داد :

ـ سرهنگ و بازندانیان حتی فوتبال بازی میکند . آنهاراخیلی دوست دارد .

ـ سرهنگ تکرار کرد . من روزهای یکشنبه بعد از ظهر باآنهافوتبال بازی میکنم . گاهی آنهامرامیزنند ولی من آنهاراتنبیه نمی کنم .

و سپس بارضایت خاطر خندید .

هاوکینز یکی از نمایندگان پیشنهاد کرد که به اردوی شماره ٤ برویم . سوار جیپ شدیم ولی مارابه اردوی شماره ٥ بردند . توماس هارکین ! از من خواست که نقش مترجم رابازی کنم این باریك نگهبان کاملا نزدیك ماایستاد .

ـ از کجاآمده اید ؟

ـ از بن تری

ـ کی دستگیر شده اید ؟

ـ ۱۰ سال پیش

ـ به چه دلیل ؟

ـ من یك زندانی سیاسی هستم .

ـ ولی دقیقا به چه دلیل ؟

ـ مسئولان ایالتی مرادستگیر کرده اند .

ـ نگهبان گفت . تو دستگیر شده ای بخاطر اینکه خیانت کرده ای . درست نیست ؟

ـ زندانی طوطی وار تکرار کرد . .من بخاطر خیانت . دستگیر شده ام .

ـ اسیر دیگری گفت که نمید اند چرادستگیر شده است .

ـ سرهنگ و بالحن مستبد انه ای فریاد کشید . تو یك نارنجك دردست داشتی

و میخواستی مردم رابکشی . اینطور نیست ؟
ـ من یک نارنجک در دست داشتم و میخواستم آدمهارابکشم .
در تمام موارد همین وضع تکرار میشد .
هنگامیکه نگهبانان در آنجابودند . زندانیان میگفتند "غذابسیار لذیذ است . "
وقتی آنهادور میشدند زندانیان میگفتند " تقریبا غذائی وجود ندارد . " اگر آنهـا به حرفهای زندانیان گوش میکردند آنهامیگفتند " بله ما از فامیلهایمان نامـه دریافت میکنیم . " وقتی نگهبانان گوش نمیدادند آنهامیگفتند " نه میتوانیم نامه دریافت کنیم و نه بفرستیم " .
پس از بازدید از اردوگاه شماره ۵ نماینده هاوکینز یکبار دیگر درخواست کـرد که از اردوگاه شماره ٤ آنجائیکه " قفس‌های ببر " معروف وجود داشت بازدید کند .
وقتی وارد ساختمان شماره ٤ شدیم . آنجاراهمانطور که افرادی چند برایمان توصیف کرده بودند . یافتیم . در منتهی الیه آن دوچاه و جلوی آنهادیوارهائی که دارای تزئینات نوع چینی سلطنتی بود . وجود داشت . گلهای زیبائی هم بود که نمایندگـان از آنهاعکس گرفتند . ولی آنچه راکه در وهله اول نتوانسته بودیم ببینیم جاده کوچکی بود که فکر میکردیم میان یك دیوار زندان و دیوار دیگری که در آن سـبزیجاتـی برای مصرف افرادی که از نوآموزش میدیدند کاشته بودند .
ـ هـــاوکینـز پس از مشاهده به کلنل گفت جای بسی خوشوقتی است که شمادر اینجایك برنامه کشاورزی دارید . چه نوع گیاهانی در اینجاوجود دارد ؟
ـ کلنل و جواب داد . این اسفناج ویتنامی است . مازندانیان راپس آموزش به کاشتن گیاهان تشویق میکنیم .
ـ هاوکینـــز گفت معذلك برای تغذیه افراد زیادی کافی نیست . و در همین حال به انتهای دیگر راه باریکه رفت . این در کوچك بکجاباز میشود ؟
ماشروع کردیم به تکان دادن و کوبیدن در . این دری بود باندازه عبور یکنفر .
ـ کلنل گفت . آه این در به اردوگاه دیگری باز میشود . مامیتوانیم از طرف دیگری وارد شویـم .
ماباهمدیگر نگاه کردیم . سخنان کسی که جای " قفس‌های ببر " رامیشناخت بخاطـر آوردیم . " او گفته بود فقط یك راه وجود دارد . شماباید از در کوچکی در انتهـای راه باریکی که اطرافش سبزی میروید . عبور کنید " .
ـ نماینده هاوکینز گفت من خسته هستم . نمیتوانید کسی رابفرستید تادر راباز

کند ؟ ماهمین جامیتوانیم منتظر شویم .
ــ توماس هارکین این تقاضارا دوباره تکرار کرد و گفت هاوکینز خسته است ممکن نیست کسی رابیاورید تادر راباز کند ؟
ــ کلنل گفت . این در همیشه بسته است و شمانمیتوانید از آن عبور کنید .
ناگهان بطور معجزه آسائی . شخصی از آنطرف در سررسید تاببیند چه خبر است او در راباز کرد و ماوارد شدیم . در اینجا قفس های ببرد ربرابرمان قرارداشت مازندانیان رانگاه کردیم در هرقفس سه یاچهار زندانی وجود داشت .
اینها اطاقک های کوچک سنگی بودند . داخل هریك از آنها . یك سطل چوبی برای رفع حاجت وجود داشت که روزی یکبار خالی میکردند . قفس ها تقریبا ۷/ ۲ متر طول و ۵/ ۱ مترعرض داشتند . در هر کدام سه زندانی جاگرفته بود . برای دیدنشان دوباره از یك پلکان بالا رفته و آنهارا از یك دریچه کوچك دارای میله های آهنی . نگاه کردیم . حوالی ۷۰ قفس در ساختمان وجود داشت .
ــ یك زندانی بفرانسه گفت . بمن آب بدهید .
ــ گفتم . معذرت میخواهم فرانسه خوب بلد نیستم ولی ویتنامی میتوانم صحبت کنم . ماگروهی از کنگره ایالات متحده هستیم که برای تحقیق درباره شرایط و اوضاع زندانیان ویتنامی آمده ایم .
ــ زندانی گفت . ماگرسنه و تشنه هستیم .
ــ همه زندانیان باهم این حرف راتکرار کردند .
ــ یکی دیگر گفت . من بخاطر تقاضای استقرار صلح در اینجاهستم . این خواسته همه ویتنامی هااست . دیگری گفت ماققط خواستار صلح هستیم .
در طول راه . . هنگامیکه از بالای سر زندانیان می گذشتیم آنهابا انگشتان خود جای زخمهای بدنشان رابمانشان دادند یکی از آنها دستش رانشان داد . سه انگشت کم داشت . او گفت . " آنهاهنگام دستگیری سه انگشتم راقطع کردند " . سپس زنی رابرگرداند و زخم عمیق رابر پشت گردنش . بمانشان داد . هیچکدام نمی توانستند راست بایستند . آنهامی گفتند تاچند روز پیش بجز چند نفر بقیه به میله هائی که از انتهای هر قفس رد کرده بودند . زنجیر شده بودند . اثر میله هاهنوز باقی بود .
ــ یکی که بادستهایش میخزید گفت تاچند روز دیگر دوباره زنجیر خواهیم شد .
یك زندانی باانگشت زخمهائی رابر پاهای فلجش نشان داد . او گفت .
ــ ماهها است که در اینجابزنجیر کشیده شده ایم . گرسنه . تشنه و مریض هستیم

خواهش میکنم کمی آب بما بدهید .

– من یك راهب بودائی هستم . در سال ۱۹۶۶ بخاطر استقرار صلح مبارزه کردم . فقط بدلیل آرزو و خواستهٔ صلح در اینجا محبوس شده ام . کتکم زده و به زنجیرم کشیده اند . ولی باز هم بنفع ایجاد صلح صحبت خواهم کرد .

بالای هر سلول یك سطل آهك وجود دارد .

– از کلنل ... پرسیدم : " این به چه درد میخورد ؟

– او گفت برای ضدعفونی کردن دیوارها .

– زندانبانان فریاد کشیده اند : نه ! نه ! وقتی درخواست غذا میکنیم آهك رویمان میریزند

آهك بر کف بسیاری قفسها پاشیده شده بود .

– وقتی آنرا رویمان میریزند ، سرفه کرده و خون استفراغ میکنیم . بسیاری از ما سل گرفته اند و تنفس برایشان مشکل شده است .

– آنها بما گفتند قفسهای دیگری وجود دارد که حتما باید آنها را ببینید . قفس های خصوص زنان . فریاد آنها را شنیده ایم که میگفتند قفسها همین نزدیك در آنطرف قرار دارد .

از پله ها پائین و به ساختمان مجاور رفته . در اینجا ردیف قفس مشابه قفسهای مربوط به مردان وجود داشت . در هرکدامشان ۵ زن بود . جوانترینشان ۱۵ سال و پیرترینشان ۷۰ ساله بود .

– آنها گفتند . خواهش میکنیم کمی آب و کمی غذا بما بدهید .

– هفت ماه است که اینجا هستیم و فقط سه بار سبزی خورده ایم . ما را میزنند مریض هستیم و دوا نداریم .

بسیاری از این زنان بطرز مشهودی مریض بودند . بعضی هایشان از مرض سل رنج میبردند . عده ای دیگر چشم درد داشتند و تقریبا همهٔ آنها به امراض پوستی دچار بودند . آنهائیکه حالشان از همه بدتر بود ، کف قفس از حال رفته بودند و بقیه با تکه های پارچه باد شان میزدند .

از دختر جوان زیبائی سئوال کردم . چند سال دارید ؟

– ۱۸ سال

– دانشجو بوده اید ؟

– نه کارگر . من در یك کارخانه کار میکردم .

ــ کی د ستگیر شده اید ؟ کمونیست هستید ؟
سئوالم بنظر او آنقدر بیجابود که شروع کرد به خندیدن .
ــ نه کمونیست نیستم . به سیاست علاقه مند نمیباشم . خواستار صلحم .
ــ نگهبانی که نزد یك من بود سئوال کرد . آیابه پرچم ادای احترام خواهی کرد ؟
ــ دختر جوان خشمگین جواب داد . نه . نه من به پرچمی که معرف همه کارهائی است که علیه من مرتکب شده اید . ادای احترام نخواهم کرد .
ــ نگهبان باهمان لحن گفت . پس تو کمونیستی و مستحق کشته شدنی .
چند تن از این دختران جوان . دانشجویان معروفترین مدارس سایگون مثل جیالونگ مادام کوری و غیره . بودند .
ــ آنهاگفتند مافقط هرد وپاسه روز یکبار خودمان رامیتوانیم بشوئیم . و تازه تقریبا آبی وجود ندارد . در هنگام قاعدگی بسیار در زحمت هستیم زیرانمیتوانیم خود را آنطور که باید بشوئیم و این بهداشتی نیست .
تقریبا ۵۰۰ نفر در " قفس‌های ببر " وجود داشتند . آنهاگرسنه و تشنه بوده و جای زخمها چنان بود که معلوم میشد بارهاکتکشان زده اند . در " بیلان عملیات " که هنگام ترک سایگون بما دادند شرایط زندان کن سن بطرز کاملامتفاوتی توصیف شده بود . در بیلان چنین آمده بود .
زندانیان رابابرنامه های کارو حرفه مشغول میکنند مثل چوب بری . سفال سازی چوب کاری . پرورش‌دام و طیور . خیاطی . زندانیان در کلاس‌های مبارزه با بیسوادی و کلاسهای مختلف در کلیه سطوح شرکت کرده . در مزرعه زندان به کشت برنج و درخت نارگیل و سبزیجات می پردازند و برای کامل کردن جیره‌ٔ غذائی شان ماهی صید می کنند . . . بنابعقیده مشاورانی که تجربه‌ٔ طولانی در جرم شناسی آمریکائی دارند . کن سن " جزیره‌ٔ شیطان " نیست بلکه مؤسسه تأدیبی است که بربعضی از زندانهای ایالات متحده بسیار ترجیح دارد " .
آخرین کلماتی که هنگام ترک قفس‌های ببر شنیدیم به بهترین وجهی زندان کن سن راتوصیف میکند .
" خواهش‌میکنم کمی آب بماهد هید " .

گزارش چهار دانش آموز دبیرستان
سایگون ۱۹ ژوئن ۱۹۷۰

پس از ماهها حبس در شی هو آ و مجازات زندان ما به " کار اجباری " تبدیل یافت و در نتیجه ما را به پولو کند ر تبعید کردند . البته ، ما نه رأی محکومیتمان و نه این تغییر مجازات را قبول کردیم . مأموران بطرز غیر مترقبه ای ما را در یك سبد بزرگ مخصوص کاهو که درش محکم بسته شده انداختند و به کشتی شماره ۴۰۳ حمل کردند تا ما را به پولو کندر ببرد . این سبد در طول مسافرت با آهن بسته شده بود و هنگامیکه به جزیره رسیدیم ۳۰۰ کاپوی امنیت (متخصصین شکنجه) به استقبالمان آمدند .

مجبورمان کردند که سرمان را زیر انداخته و زیر مشت و کتك و بدترین فحشها به سرعت به اردوگاه برویم آنها میگفتند . " بچه ها اینجا پولو کندر آخرین مقر شما است " یك پیرمرد ۸۰ ساله از اهالی بین هو آ بزحمت راه را میتوانست طی کند . کاپوها با ضربه های مشت و لگد او را خوب کتك زدند و با یك باطوم بر سرش زده میگفتند " کوچولو عجله کن اگر میخواهی زنده بمانی! " . هنگام استقبال با پیرمرد بدتر از همه رفتار شد . پس از یك اقامت بیست و چهار ساعته در یك اردوگاه . ما را به قفس هائی برده و پایمان را زنجیر کردند . این زنجیر ها در تمام مدتی که آنجا بودیم بر پاهایمان بود . این یك اطاقك یا بهتر بگوئیم قفسی بود بطول ۳ متر و عرض ۱/۵ متر و توسط دیوار از سایر قسمتهای اردوگاه و بطور کلی از زندگی خارج جدا بود .

ما ۵ نفر هستیم . هرکدام تقریباد و وجب برای زندگی و خواب در اختیار داریم . پاهایمان کمی بالاتر از سطح زمین قرار گرفته و به یك میله آهنی ۴ الی ۵ متر ۲۴ ساعته بسته است حتی هنگام غذا و خواب و استحمام . ما را مجبور میکنند که همیشه دراز کشیده و اجازه نشستن و تکان خوردن در این قفس بینهایت گرم و تاریك و کوچك را نداشتیم . قفس ها توسط دیوارهائی که بیش از یك متر قطر دارند از هم جدا شده اند . هر کدام دارای در کوچکی هستند که فقط هنگام غذا چند دقیقه ای باز میشود . در بالا میله های تیز آهنی بطور عمودی و افقی با یك راهروی کوچك برای عبور و مرور و نگهبانی دائمی کاپوها وجود دارد .

(در طول ماههای اول) تمام روز دراز کشیده باقی مانده و در صورت کوچکترین

زمزمه ای بسختی تنبیه میشویم :
د وظرف مد فوع پُر بر زمین پخش میشود . هنگام باران . آب از سقف کهنه ٔ سفالی وارد قفس میشود و هنگام وزش باد . شن و گرد و خاک د ر قفس پر میشود . کف زمین ناهموار پر از شن و ماسه . و کثیف است زیرا سالها آنرا تمیز نکرد ه اند . چهار ماه اول راد ر این قفس ها گذراند ه ایم و امروزه د ر این قفس ها زنها را جا مید هند .
سپس " قفس های گاو " راشناخته ایم . این ساختمانی است که سال ۱۹۰۷ نزد یك اصطبلی قد یمی متعلق به فرانسویها . ساخته شد ه است . این قفس ها تفاوت چند انی باقفس های ببر ند ارند فقط کمی بزرگترو بسیار گرمتر هستند . ما ۱۷ نفر هستیم که د ر اینجازند انی شد ه ایم . وضع غذ ائی مثل سابق است .
وضع غذ ائی ۸۰۰۰ زند انی ارد وگاهها و قفس های مختلف یعنی زند انیان جنگی زند انیان سیاسی و زند انیان عاد ی . زنان (ونیز بچه ها) و ۲۳۰۰ نفری که بصورت بازد اشت موقت د ستگیر شد ه اند . یکجور است .
د ر وهله اول د ر طول سال به زند انیان د و نوع غذ امید هند . ماهی نمك سود همراه بابرنج . جیره آن توسط رئیس زند ان تعیین میشود و ناکافی است . و از کیفیت غذ اخبری نیست .
از همه وسائل کمك میگیرند تانگذ ارند زند انی همه جیره ٔ خود رامصرف کند . آنهما رامجبور میکنند ظرف ۳ د قیقه (برای قفس های ببر) غذ ابخورند . برنج ها رابا آب زیاد میپزند و آش راآبکی میکنند (زند انیان یکی د وساعت بعد از غذ ا د وباره گرسنه میشوند .) شن و ماسه رابابرنج قاطی میکنند . زند انی چاره ٔ د یگری ند ارد جز اینکه کم خورد ه ومجبور باشد د ائما گرسنه باقی بماند . تااینکه بالاخره برای پایان د اد ن به این وضع د ست به اعتراض میزنند . بالاخره همانطور که مید انید چنین برنج و آشی رانمیتوان بد ون غذ ای د یگری سرکشید . ماهی خشك انقد ر کم و تلخ است که زند انیان آنرا " ماهی کینین " مینامند :
. . . . . . کمبود سبزی به د ند انها آسیب بسیار میرساند . حتی به د ند انهای آسیا که بسیار محکم است برای جلوگیری از این وضع . ما م برگهائی راکه بجای کاغذ بهد اشتی بمامید اد ند . میخورد یم . ما اینها را " سبزیجات جهتی " مینامیم . یا اینکه حشرات . موریانه . کرم تپاله وغیره و حتی مارمولك هائی راکه روی د ستمان میافتد میخورد یم . آنها رامیان هم تقسیم کرد ه و همینطور خام می بلعیم و البته اول به کسانی مید هیم که مد تها است چیز مقوی به بد نشان نرسید ه . یادره ای " سبزی "

نخورده اند تااین ترتیب به بدنشان ویتامین برسد . هنگامیکه از اطاق شکنجه برمیگردیم هر قدر هم خسته و کوفته باشیم . سعی میکنیم مقداری علف کنده زیر لباسمان قایم کنیم و سپس برفقای مریضمان بدهیم . این تنهامنبع ویتامین ماست . مشکل دیگرمان حمام و لباس است . بخاطر سالهاتجربه . نگهبانسان بطرز غریبی . مارامجبور به حمام میکنند که ماآنرا " حمام در آهن " مینامیم . در مورد لباس باید بگوئیم که همیشه " لخت و یا نیمه لخت هستیم
پیش از اینکه مارا به قفس بیاندازند . کاپوها بدستور رئیس زندان . تمام لباسهایمان رامیگردند و هرچه دوا . پول و اشیاء لازم دیگری داشته باشیم بدون هیچ شرمی برای خود برمیدارند . یااینکه مخصوصالوازم چند نفر راباهم قاطی میکنند و از این وضع استفاده کرده آنهارابرای خود برمیدارند .

آنهاپولهائی راکه باید بدستشان بسپاریم ضبط میکنند زیرا زندانیانی که به زیر زمین انضباطی فرستاده میشوند حق ندارند باخود پول همراه داشته باشند . فقط رقم ضبط شده همیشه کمتر از مقداری است که در اختیارشان گذاشته میشود . بنوعی که هرکدام از ما ۱۰۰ الی ۵۰۰ پیاستر از دست میدهد . و این برای مامبلغ قابل توجهی است . مثلا اگر ۱۰۰۰ زندانی رادر نظر بگیریم . مبلغ زیادی باین ترتیب بدست میآید . هرکدام از ماهرچه لباس . لوازم مصرفی و تمام بسته هائی راکه خانواده هایمان فرستاده بودند . از دست دادیم . ماکه نمیتوانستیم چنین دزدی آشکاری رادر زندانی که دستگاه اداری آنرا " مرکز نمونه سازی " و یا " مرکز آموزش " مینامید ، تحمل کنیم ، شروع به اعتراض کردیم . نگهبانی که شین رونگ نامیده میشد ، در جواب این اعتراض به افرادش دستور داد ، بی هیچ ملاحظه ای مارابزنند (این بویژه مورد دانشجو نگوین وان شین است) هم چنین اتفاق میافتد که اعتراضات بدون جواب باقی بماند . این مورد نگوین توان کیت و توان وان لونگ و بسیاری دیگر است .

. . . . . در طول ماههای اول (آوریل . مه . ژوئن . ژوئیه) هفته ای

یکبار اجازه حمام داشتیم . باپاهای بسته در یك زنجیر کوتاه آهنی بصورت گروههای ۵ نفری می نشستیم . کاپو بایك سطل . آب روی سرمان می پاشید . طبیعتـــــا هیچگاه امان کاملاخیس نمیشدیم . بدتر اینکه در طول ۱۳ ماه نتوانسته ایم دهان و دندانهایمان رابشوئیم . این کار کاملابرای زندانیان تحت انضباط قدغن است پس از رفع حاجت . خودمان راباقطعه ای پارچه که از جیب کت یــاشلوارمـــان پاره کرده ایم پاك میکنیم و بلافاصله آنرابادرارمان میشوئیم تادوباره ازآن استفاده کنیـــــم .

ـــ در پـــولـــوکنــــــدر زندانیان عادی که بخاطر دزدی . قتل . تجاوز محکوم به ۵ یا ۲۰ سال زندان یامحکوم به حبس ابد یا مرگ هستند نیزوجود دارد . سازمان اداری جزیره بجای اینکه به آموزش دوباره" آنهابپردازد تابتواننـــد روزی دوباره در جامعه ادغام شوند . آنهاراگرد هم آورده و برای اینکه هرچه بیشتـــر در کثافت غوطه ور شوند" تربیت میکند . واز آنهاکاپــو میسازد . امتیازات مادی چندی به آنهاداده . آنهارامیخرند . و باین ترتیب بجای پایان دادن به جنایات کاپوها آنهاراتشدید میکنند . از آنهابعنوان " کادر آموزشی برای شکنجه استفاده میکنند جنایاتشان . کتك زدن هایشان تاسرحد مرگ یاکشتن زندانیان . اعتبارشان رانزد زندانبانان بالا برده و اعتماد سازمان اداری رانسبت به آنان جلب میکند . چنانچه سابقه شان نزد رئیس زندان خوب باشد . امکان تخفیف جرم و یابخشش آنهاهست نتیجه اینکه آنهابراحتی زندانیان رامیکشند .

رئیس زندان باروی خوش نشان دادن . درنده" خوئی . هرزگی . تریاك کشـــی و قمار بازی آنهاراتشویق میکند . تریاك قاچاق توسط نگهبانان برایشان فراهـــم میگردد . در قمار بازی هایشان رؤسا نیز شرکت میکنند . سازمان زندان مرتـــب فواحش رابه جزیره میفرستند . کاپوهابایکدیگر مشاجره کرده و جلوی چشم مقامـــات اداری جزیره حساب همدیگر رامیرسند بهمانگونه که مجرمین سیاسی راغارت میکنند . بعضی هادر این بازی توانسته اند حدود ۴۰۰۰۰ الی ۵۰۰۰۰ پیاستر جمـــع آوری کنند (چنین است مورد تام کین) . بعضی دیگر بخاطر کشتن تعـــداد زیادی از زندانیان سیاسی آزاد شده اند (چنین است مورد ســوآمـــــــو) .

. . . . مامرتبافحش و کتك میخوریم . کاپوهاکثیف ترین و زشت ترین کلمات رابکـــار برده و در جریان مبارزاتمان برای ... این . برسرمان گرد آهـــك میریزند و این عمل موجب خفگی و اما ... . در حالیکه خود آنهابـــه

ـك و د ستكش‌مجهز هستند . آخرين بار د ر ماه د سامبر آنهاروی زند انيان ز ن
آهك ريخته و د ونفرشان رابحد مرگ كتك زد ند . معمولا چهار نفر سر يكنفـــر
يزند . ۲۸ فوريه ۱۹۷۰ د ر ارد وی " آزاد ی " نيز قضيه از همين قرار بـــود .
آنجاسركوب تحت رهبری فرمانده‌ٔ سرنگهبانها :تراشين كونگ شين رونگ
ك پليس‌د رجه د ار بنام د وك انجام گرفت . د ر ه مه برای اينكه بتوانيم بد ست
.عرض‌حالی د ر مورد به سازی شرايط زند گی به ´كوانگ´ د هيم . تصميـــم
نيم به آخرين وسيله مبارزه‌ٔ غير قهر آميز د ست زد ه و اگر لا زم شد بميـريـــم .
صاب‌غذ ای مايكهفته بود كه اد امه د اشت بد ون اينكه موفق شويم كوانگ را
ات كنيم . سازمان اد اری لج بازی كرد ه و د ر مورد مطالبات حد اقل و قانونـی
بود رابه ناد انی ميزد . د ر جريان اين مبارزه هـــو وان شـــين ۲۳ ساله
ل ناحيه د يـــن بـــــان ايالت كوانك نــــــام مرد . جسـد
رااز ماگرفتند و باهمد ستی سرويس‌بهد اشت و پليس‌جزيره . چنين گزارش‌د اد ند
شين " از بيفاری مرد ه است " .
ير سلطه لی كا ن و . ارباب‌جزيره . مرتب‌تهد يد به كتك يامرگ ميشويـم .
ن باز كرد ن يكی از د كمه های كت بخاطر گرمی هوا . تكان د اد ن هرقد ر هم كـم
او بصد اد ر آورد ن آهن ها . رفتن به د فتر اد اره زند ان بد ون پائين اند اختن
. همگی‌عد م رعايت " د يسيپلين ارد وگاه " شمرد ه شد ه و باران ناسزاو كتك بـر
شخص‌خواهد باريد .
و هابه " مد رنترين وغريب‌ترين " شيوه هاماراكتك ميزنند و د ر زبان رايج ميـــان
د نامهائی به آنهاميد هند . باپاشنه‌ٔ كفش‌هايشان . چوبهای بلند و كلفت و بـا
له های آهنی به پشت گرد ن و ساير جاهای حساس‌بد نمان ميزنند .بعلاوه شبانه
پاهايمان د ر آهن است . د ر طی سال جاری فقط ۸ روز پاهايمان آزاد بود .
ار روز بمناسبت تـــت سه روز برای عيد ولا ن . و يكروز پيش‌از بازگشت.
ی زند انيان اين آزاد ی " موهبتی " بشمار ميآيد . امكان د راز كرد ن پاهائی كـه
ماهياخشك شد ه اند هنگام خواب م خوشبختی حقيقی‌بشمار ميآيد . ماهميشـه
د اين احساس‌آسايش‌خواهيم بود و قلب هايمان مملو از سپاسگزاری نسبت بـــه
انی ميگرد د كه اين اعياد بزرگ رابوجود آورد ه اند . اعياد ی كه تاحد ود ی وجد ان
انهائی كه هرگونه خصلت انسانی رااز د ست د اد ه اند . بيد ار كرد ه است .
. ونوع آهن برای پاهاشناخته ايم .

یکنوع که مربوط به دوران استعمارگران فرانسه بوده و نرم و لغزان است .
ـ نوع امروزی آن که باآهن دف.۸ که آمریکائی ها برای کمک به امور ساختمان میفرستند
این آهن ها دارای برجستگی های تیزی بوده که موجب دردهای شدیدی برای
زندانیان میگردد . در دراز مدت . این برجستگی ها گوشت پاها را برده و کمترین
حرکت عذاب آور میشود . این تجسم وحشی گری رژیم و کمک آمریکا است .
هر بار که زندانیان محکوم به کارهای اجباری بخاطر بهبود جیره غذائی شان مبارزه
میکنند . به زیر زمین شماره ۲ انداخته میشوند . این یک گودال نیمه گرد کوچک
است که هیچ نوری در آن نمی‌تابد و هوای کافی برای تنفس ده نفر زندانی محبوس
در آن . وجود ندارد . زندانیان زندگی راکد و محقر همراه با محرومیت کامل داشته
و تا سرحد مرگ کتک میخورند . اغلب اتفاق میافتد که فریاد میزنیم . "آهای آقای
نگهبان . در سلول من کسی مرده است ! " : "آهای آقای نگهبان در سلول من
یکنفر در حال احتضار است ! " و هربار که این فریاد دلخراش بگوش زندانی
سیاسی میرسد . احساس میکند که قلبش در هم فشرده میشود و نمیتواند به سرنوشت
خویش نیاندیشد .

سایگون ۱۹ ژوئن ۷۰
تران وان لونگ
کائو نگوین لوآ
نگوین توان کیت دانشجو
نگوین مین تری دانش‌آموز

شهادت در مورد قفس‌های ببر ـ رولان پی یر پارنگو

خبرنگار خبرگزاری فرانسه (آ.ف.پ) در سایگون ۶ مارس ۱۹۷۳
در پایان فوریه ۱۹۷۳ ۰ ۱۲۴ نفر از اسیران "طرفدار کمونیست ها" که سالها
در زندان کن سون (پولوکندور قدیمی) زندانی بودند مخفیانه توسط
مسئولان سایگون . بدون هیچ گونه مذاکره و بدون هیچ گونه شاهد . بشرط اینکه
دیگر بسایگون باز نگردند و با خبرنگاران صحبت نکنند . آزاد شدند . خبرنگار خبر-
گزاری فرانسه آ.ف.پ ظرف چند روز توانست دیگروه از آنها را که مجموعا ۱۴ نفر
میشدند . پیدا کند . دو نفرشان مدت ۱۰ سال یعنی از زمان رژیم نگودین دیم
زندانی بوده اند . همگی قبول کردند صحبت کنند . بدون اینکه چیزی را فراموش

کنند و اسمهایشان رانیز گفتند . اظهاراتشان در مسائل تفضیلی و جزئی کمی اختلاف دارد وخیالی بنظر میرسد .

آنهابرای جابجاشدن خود راروی زمین میکشیدند . بازوهاو همه بدنشان اسکلتی شده و پاهایشان نحیف بیحس و پوشیده از زخمهای عمیق است که آهن وزنجیرهای پاهایشان ایجاد کرده است . آنهاسالهادر سلولهای کوچکی که تنهایادشان لرزه بتن می اندازد - یعنی " قفس های ببر " زندان جزیره کن سن - رویهم انباشته شده بودند . چندین زندانی تنهاسندی راکه در اختیار داشتند نشان دادند :

" آقای . . . . . . متولد . . . . . پسر آقاو خانم . . . . توسط فرماندهی پلیس ملی . . . برای تظاهرات غیر قانونی و تملك غیر قانونی اسلحه - دستگیر شده و در کن سن مدت . . . . . سال زندانی و در ۲۰ فوریه ۱۹۷۳ بموجب ورقه آزادی شماره . . . فوریه ۱۹۷۳ آزاد شده است . از شخص مورد نظر تقاضا میشود هر ماهه به پاسگاه پلیس . . . . برای معرفی خود . مراجعه کند . صادره از بین هوآ در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۷۳ . امضاء و مهر فرماندهی پلیس ملی روی سند بچشم میخورد .

۱۹ زندانی که خبرنگار خبرگزاری فرانسه(آ.ف.پ)باآنهاملاقات کرده است چند روز بعد از آزادی توسط یك دکتر غیر نظامی معاینه شده اند . دکتر جان چمپلن دکتر قدیمی ارتش نیروی هوائی ایالات متحده بوده و چهار سال را در ویتنام جنوبی گذرانده است . او به زبان ویتنامی صحبت میکند . دکتر چمپلن پس از معاینه و بررسی وضع ۱۶ تن از زندانیان که در آخرین روزهای فوریه بحالت ضعف زیاده از حد . در یك معبد رها شده بودند . درباره آنها چنین میگوید .

" من ۱۶ تن از ۱۲۶ نفر را دیده و فقط فرصت کردم نصفشان رامعاینه کنم . پاهایشان نه تنهافلج بلکه بیحس هم شده است . پس معاینه . بدون داشتن وسائل مخصوص پی به ضعف عمومی ماهیچه بردم که ناشی از عللی چند بود . مثل فقدان جدی مواد غذائی . بخصوص ویتامین ب . بخاطر عدم حرکت اعصاب عملکردشان رااز دست داده و فاسد شده اند . پس از ٤ یا ٥ ماه فلج شروع شده است . بعضی هایشان از نشیمنگاه فلج شده . برخی از پائین تر . جراحات بیشمار ناحیه ای که ممکن است ناشی از ضربات باشد و نیز زخمهائی بر قوزك پاهاکه بنظر میآید جای آهن باشد بچشم میخورد .

مواردی از فلج اطفال دیده نمیشود . پاهایشان پوست و استخوان شده ولـــو
استخوان بطور عادی رشد کرده است . ممکن است بعضی از آنها . پس از معالجا
که بزحمت در ویتنام جنوبی میتوان انجام داد . دوباره بتوانند از پاهایشان استفاد
کنند (راه بروند) . بنظر میآید که ریه هایشان صدمه دیده باشد . بعضی هاتأئید
میکنند که سل گرفته اند . بخاطر نوع تغذیه دچار ناراحتی های روده و معـــده
شده اند . آنهااز برنج فاسد پر از کرم صحبت میکنند . اظهار میدارند که ریه هاید
بخاطر آهکی که نگهبانان بر سرشان میپاشیده اند خراب شده است .
هر شخص عادی و عدم آشنا باعلم پزشکی . بادیدن جراحات . جای زخمها و علائ
موجود میتواند بفهمد در زندان کن سن چه بر سرشان آمده است . خبر نگار فرانسه
(آ . ف . پ) که مدت ۸ ساعت را با آنها گذرانده . بدن مریض و پر از جراحـــات را
دیـــده اســت .
باستثنای کسانی که حافظه خود را از دست داده اند . بقیه برعکس از سلامت فکر ی
تعجب آوری برخوردار بودند . آنهایکصدا بدون هیچگونه خشمی . درباره مراحل
زندگیشان در زندان شکنجه ها بدرفتاری ها صحبت کرده و اغلب نام کسانی ک
در شکنجه آنها شرکت داشته اند و نیز نام بعضی از رفقای سلولشان را که مقاومـــت
نکرده اند . بیاد دارند . ۱۳ تن آنها اهل ویتنام جنوبی بوده . آخری یـــک
ویتنامی ــ چینی است که بنا بتعریف خودش دارای " تمایلات ناسیونالیستی وطرفد
نیروهای آزادی بخش میباشد " .
اولین نفر کارگر ٤١ ساله ایست . او در تاریخ ٢٦ ژوئن ١٩٦٧ بهمراه زن و د
فرزندش (٤ ساله و ١٨ ماهه) در سایگون دستگیر شده است . او اظهار مید ار
که " پس از سال ١٩٥٥ در یکی از جنبش های بودائی برای اعمال قرارداد ها
ژنو بکار سیاسی مشغول بوده است " . و پس از یکی از تظاهرات علیه دخالـــت
آمریکا در ویتنام دستگیر شده است . او و زنش پس از اینکه به کلانتری محله تان ن
ـــوت (فرودگاه سایگون) برده شدند . جداگانه زیر انواع شکنجه ها قـــرا
گرفته اند . آنها متهم شده اند که کمونیست هستند . بچه ها هنگام شکنجه مادرشا
که سه ماهه حامله بود و بعد اسقط جنین کرد شرکت داشتند . زندانی اظهار د اش
که این وضع ١٢ ز شبانه روز ادامه داشته است . او باخونسردی یك سلسلـــه ا
شکنجه ها را تشریح میکند . وصل جریان برق به گوش ها . پاها . آلات تناسلی . ا
پاآویزان کردن . کتك زدن . فرو بردن در آب صابون و شکستن انگشتان .

بنظر میآید زندانی حتی جزئی ترین کارهارانیز بخاطر سپرده است . او نام ه افسر ویتنامی مربوط به قسمت سایگون راکه جلسات شکنجه رارهبری میکردندگفته و خاطر نشان میکند که یك آمریکائی نیز هنگام شکنجه حضور داشت .
زنش ١٨ ماه در زندان بوده . سپس آزاد شده ولی همیشه تحت نظر قرار داشته است . تاپایان فوریه ١٩٧٣ او هیچ خبری از زن و فرزند انشان ندارد .
مرحله بعدی برای او و سایر افراد گروه " اداره امنیت ارتش" در مرکز سایگون و نزد یك باغ وحش است . در اینجاشکنجه دوباره شروع میشود . صورت را دز دستگاهی قرار داده و نور بسیار شدید به چشم میاندازند . او هم چنین میگوید افرادغیر نظامی آمریکائی اغلب در جلسات شکنجه حضور دارند .
" دست آخر هرچه راآنهاخواستند امضا* کردم در حالیکه هیچ کدام از آن کارهارا انجام نداده بودم . ولی هیچوقت قبول نکردم که روی نام رهوشی مینه تف کنم پیش از دستگیری . میخواستم آنچه که او در مورد جنوب گفته بود . تحقق بپذیرد " .
رفقایش نیز مانند او احساسات شدید اضد حکومتی خود راپنهان نمیکنند . همگی اظهار میدارند که حتی زیر شکنجه نیز از قبول برسمیت شناختن حکومتهائی که باکمك آمریکا سر کار آمده اند . سرباز زده اند . یکی از آنهادر سال ١٩٦٣ " سلاح برکف " . دستگیر شده است . میگوید که به کن سن فرستاده شد . زیرادر آن هنگام زندانیان جنگی . راز بقیه جدانمی کردند .
اولین زندانی سپس چند ماه رادر سایگون در یك زندان پلیس . خیابان وتان میگذراند . او میگوید که وی رادر سیاه چال انداخته و " هروقت که دلشان میخواست " . کتکش میزدند .
در سال ١٩٦٨ روزی او باتفاق ٢٠ زندانی غیر نظامی دیگر سوار هواپیمای د... شده و در جزیره کن سن پیاده شدند . هنگام پیاده شدن از مجرمین عادی کتك حسابی خورده اند . این اولین تماس او بازندانی است که تافوریه ١٩٧٣ در یك " قفس ببر " در آنجابوده و فقط یکبار از قفس بیرون آمده است . در مورد زندگی حکایت دقیق او و نیز حکایت سایر رفقایش که جداگانه از آنهاسوال شد و رفتارهائی که بازندانیان " طرفدار کمونیست ها " میشود . سرسوزنی باهم تفاوت ندارد .
این زندانیان رادر ساختمان اردوگاه شماره ٤ در دو ردیف ٣٠ تائی از قفسهائی که روبروی هم قرار داشتند . انداخته بودند . " قفسهای ببر " دیگری از سال

۱۹۶۷ بزنان اختصاص داده میشوند .
آنها سلول راچنین توصیف میکنند . دو متر در یك متر و پنجاه . دیوارهای سنگی ضخیم . کف سلول پر از شن و ماسه . بالایش میله های آهنی که رویش چوب انداخته شده تا نگهبانان بتوانند رفت و آمد کنند . در هرقفس گاه تا ۸ نفر زندانی جامیدهند و پاهایشان همیشه به یك آهن افقی زنجیر است . آنها میگویند که بسیاری از زندانیان میمیرند و زنان بخصوص قوه تعقل راازدست داده . شب و روز دچار بحرانهای شدید میشوند .
تمام زندانیان وحشیگری زیاده از حد زندانیعادی که خود رابمسؤلان ارد وگاه " فروخته اند " راخاطر نشان میکنند . آنها میگویند که مسؤلان زندان از آنها برای انجام کارهای پست و کتك زدن مجرمین سیاسی استفاده میکنند و " این افراد سراسر زندگی شان عبارت است از شکنجه دادن و کشتن مجرمین سیاسی " .
زندانیان که روی هم انبار شده اند . نه حق صحبت . نه حق نشستن یاایستادن راداشته و هرگونه حرکتی معادل دریافت ضربه هائی از جانب نگهبانان است .
نگهبانان از بالا . از ورای میله هابر سر آنهاآهك میریزند که پوست رامیسوزانند و در چشم و ریه فرو میرود . گاهی چوبهای بلند نوك تیز رابه بدنشان فرو میکنند .
زندانیان عادی که مسئول خالی کردن سطل های ادرار و مدفوع هستند (در هر سلول یك سطل وجود دارد) و معمولا باید هرروز آنهاراخالی کنند . گاه سطلهارا برکف شنی سلول خالی میکنند . زندانیان نه کاری میتوانند بکنند و نه میتوانند چیزی بگویند . " یکی از زندانیان آزاد شده میگوید گاه آنقدر گرسنه و تشنه بودیم که ضعیفترین مان از سطل ادرار مینوشید . و چنانچه حین عمل غافلگیر میشدند . کتك میخوردند " . بنابقول آنها . غذابسیار مختصر بود . چند مشت برنج فاسد پر از کرم . چند تکه ماهی و عنکبوت دریائی خشك که مثل چوب سفت بود و چند جرعه آب . آنها هفته ای یکبار " حق " حمام داشتند . یك سطل آب که روی همه افراد یك قفس خالی میشد . برای هرگونه بیماری همه معالجات به یك قرص آسپیرین یابنا به خوشمزگی زندانیان عادی به یك ضربه جدی " برای بهبودی " ختم میشد " .
"غذا " ساعت ۸ صبح و ۲ بعد از ظهر داده میشد . سه دقیقه فرصت برای غذا خوردن و سپس یك " فاصله " ۱۸ ساعته پیش از جیره " فردا .
یکی از مردان میگوید که در ژوئن پس از بازدید یك گروه آمریکائی غیر نظامی که عکسهائی نیز گرفتند (مقصود بازدید هیئت نمایندگی مجلس مناست) . مارااز " قفس های ببر

بیرون آورده در اصطبلهای قدیمی که بصورت اطاق درآورده بودند . جاداده اند .
او ادامه میدهد . ولی وضع تغذیه بهمانگونه باقی ماند . تنها امتیاز آن این بود که
میتوانستیم دراز بکشیم و جای کمی بیشتری داشتیم " .
پس از چند ماه " قفس های جدید ببر " که بااعتبارات و کمك آمریکاساخته شده اند .
آماده شدند . بطرز محسوسی همان ابعاد راداشتند و بعلاوه این بدی راهــــم
داشتند که سقف شان بسته بود و درون آن هوابگرمی اجاق بود . ولی حداقل در آن
زنجیر بسته نشده و هرکس " حق " یك سلول انفرادی داشت . این قفس هـــا در
مجموع ۸ بلوك (هربلوك ٤٨ قفس) بود . نحوه رفتار عمومی تاهنگام آزادی در
فوریــه ۱۹۷۳ هیچ تغییری نکرده است .
بعضی ازاین ١٤ نفر زندانی آزاد شده . بارهادر کن سن سربشورش برداشته اند .
طغیان آنهاناشی از گرسنگی غیر قابل تحمل یامرگ پس از حد زندانیان بخاطر فقدان
معالجات است . بزرگترین شورش در تاریخ اکتبر ۱۹۷۲ صورت میگیرد . آنهابخاطر
زندانی بودن و شرایط فیزیکی شان امکان عملشان محدود بوده . بسهولت و بشدت
توسط گاردهاو زندانیان عادی سرکوب شده اند . همیشه تعدادی مرده و مجروح
وجود دارد . بعلاوه یکی از زندانیان اظهار میدارد که یك سلول روزی بادستــا ن
خالی یکی از درنده ترین نگهبانان رابنام مــــوآ ا کشته است .
آنهانام زندانبانان وشکنجه دهندگانشان رابهمان خوبی نام رفقای متوفی شان بخاطر
دارند . " ۸ ژانویه ۱۹۷۳ . آنهابعد مرگ یك راهب بودائی بنام تیس هانتوك
(۳۸ ساله) راکه سالهابودعلیه همه رفتارهای وحشیانه وغیر انسانی اعتراض کرده
و مبارزه بخاطر صلح راادامه میداد . کتك زدند و همه زندانیان قفسهابرای تقاضای
معالجه او فریاد برآوردند و فقط دو ساعت پس از مرگش او راازروی زمین برداشتند ".
بعلاوه در زندان کن سن هرکس در انتظار مرگ میبود . " اولین زندانی از میــان
١٤ نفر میگوید تیو نماینده خلق ویتنام نیست . "
یکی دیگر از زندانیان گروه ۳۷ سال داشته و از ۱۱ نوامبر ۱۹٦۳ زندانی شده
و از سال ۱۹٦٥ در زندان کن سن بسر میبرده است . او یك مبارز بودائی بوده
و محاکمه اش بیش از چند دقیقه طول نکشیده است . در جریان محاکمه وکیل مدافع
هیچ دفاعی نکرده است و همه شهود . پلیس هائی در لباس شخصی بودند . او در
زندان تــان هیــپ نزد یك سایگون . در " گور " ی که عبارت است از یــك
صندوق تنگ و تاریك بوده بسر برده است . وی راپس از پایان شکنجه در حالیکــه

پاهایش بازنجیر بسته بوده . به درون آن انداخته بودند . او میگوید . " در گور سر مجروحم نمیتوانست تحمل پرواز حتی یك مگس رابکند . درست مثل این بود که موتوری رازیر جمجمه ام بکار انداخته بودند . " او " سالن سینما " ی زندانشی هو (زندان بزرگ سایگن) راکه در آن " طرفداران کمونیست ها " بازرسی میشده اند نیز شناخته است .

وی در حالیکه بازنجیر بسته شده بوده بهمراه ۵۰۰ نفر غیرنظامی در ژوئن ۱۹٦۵ بایك کشتی به کن سن میآید . " هنگام ورود پس از اینکه از زندانیان عادی کتك مفصلی خوردیم . جلوی پرچم مارابخط کردند . " " آنهائی که بپرچم سلام میکردند یك طرف میرفتند و کسانیکه از اینکار سرباز میزدند طرف دیگر . ماتقریبا ۸۰ نفر بودیم که از سلام به پرچم خودداری ورزیدیم . "

او ابتدا دوسال در یك زیر زمین بسر میبرد . پس از ٦ ماه دیگر نمیتوانستیم راه برویم . از ۲۵ زندانی این زیر زمین فقط ۱۰ نفر زنده مانده اند . اواسط سال ۱۹٦۷ ماراسوار یك کامیون کرده به " قفسهای ببر " منتقلمان کردند . او بتناوب در " قفسهای ببر " و سلولها (کمی بزرگتر) زندگی کرده است . این سلولها در اصطبلی که از دوران فرانسویان باقیمانده و برای زندانیان آماده اش کرده اند . قرار دارد . او میگوید " گاهی میتوانستیم هفته ای یکبار خود رابشوئیم و گاه میبایست دوماه صبر کنیم . "

در زندان شی هوآ
اردوگاه نقاهت

خلاصه ای ازمذاکرات کسانیکه از زندان آزاد شده اند بنام مامتهم میکنیم
ژسپ دبری را ـ منرا صص ۲۰۱ و ۲۰۹

در روز ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۸ هنگامیکه نگوین وان وکه رئیس "متخصصان" است. لووان کونگ شین کونگ نیزنامیده میشود) دستورمیدهد که ۱۲۰ زندانی مریض مسلول فلج ویا ناقص العضورابقفس های گاومنتقل کنند حوزه قفسهای گاو ازاین ببعد بنام " اردوگاه نقاهت " بخود میگیرد .

این دسته از زندانیان اردوگاه شماره ٤ بخاطر بهبود جیره غذائی مبارزه" ناامیدانه ای انجام داده بودند . آنهاتقاضامیکردند که ماهی یکبارگوشت خوك هفته ای سه بارسبزی ده روزیکبار"شن" (برنج ، نخود سبزوشکر) بآنها داده شود . روزیکه این زندانیان مریض وضعیف دراثرمبارزه (درجریان این مبارزه هوین وان تت مرده بود) به اردوگاه نقاهت احضارشدند فکرمیکردند قصد معالجه" آنهارا دارند .

ولی آنهاغافلگیرشدند : ۱۲۰ زندانی را دریك سلول ۱۲ متردر ۸ متری جا دادند . هرزندانی برای درازکشیدن کمتراز یك مترمربع جاد راختیارداشت .دریچه های کوچکی فقط بالای سلول وجود داشت . کف آن سیمانی بوده همیشه نم پس میداد . روزهای بارانی آب روی شیروانی بردیوارهامیریخت وزندانیان نمی توانستند بخوابند .

بای ونگ رئیس اردوگاه نزد زندانیان رفت وگفت : "ترك این محل مستلزم انجام کارهای اجباریست اگرکارکنید سلول بزرگتروغذائی بهترخواهید داشت. اگرکار نکنید شرائط سختی راتحمل خواهید کرد " . مقصود مسئولان امور این بود که حتی ضعیف ترین زندانیان را استثمارکنند . زندانیان میگویند : "آنهاشیره" مارا میکشند ". اردوگاه نقاهت یکی ازجنبه های سرکوب جنبش زندانیان علیه کارهای اجباری بود .

۱۲۰ زندانی ازکارکردن خودداری کردند وبنابراین گوشت سبزی وشکر راکه قبلا دراردوگاه شماره ٤ بآنهامیدادند ازغذای آنهاحذف کردند .مدت دوماه آنها فقط برنج وسس ترش خوردند . ٤٠ ٪ اززندانیان چنان مریض بودند که حداقل شبی دوبارتقاضای معالجه میکردند . درنیمه ماه اوت ٥٠ ٪ زندانیان بخاطر فقدان

سبزی‌های تازه د چاریمای بری بری شد ند . زند انیان برای اد امه حیات مجبور بود ند مارمولك یاعلف بخورند . این امرسبب شد که رئیس‌ارد وگاه اطلاعیه ای‌باین مضمون صادر کند : " مد تیی است که تعد ادی زند انیان باخورد ن علف های‌ارد وگا به حکومت خسارت وارد میآورند . این کارازجانب مد یرممنوع اعلام شده هرکسی ازاین د ستورسرپیچی نماید بطورجد ی تنبیه خواهد شد " . سپس‌این اطلاعیه میافزاید " این علفهاجزاموال د ولتی هستند . چون شماازاد ای احترام به پرچم سرباز میزنید بنابراین حکومت رابرسمیت نمی شناسید پس‌حق خورد ن علف ند ارید " . وپس ازآن چمن هاراازتسه زد ند . ازآن ببعد زند انیان ازبرگ د رختان استفاد ه میکرد ند که آنهاراتیزبربد ند .

منظره سلول ما

ژ‌ پ د بری و ا - منرا رك به اثرذکرشد ه صص ٧٤و ٧١

صبح روز ١٧ اوت ١٩٧٠ ازسلولهایمان مشاهد ه کرد یم که نمایند گان د ر حیاط جمع شد ه نمی خواهند بسلولهایشان برگرد ند . کاپوهاآنهارامحاصره کرد ه تهد ید وکمی اذ یتشان میکرد ند . نمایند گان د رمقابل تهد ید ات مقاومت میورزید ند . آنهاازپشتیبانی پرشورزند انیان سیاسی د اخل سلولهابرخورد ار بود ند . د رواقع اینهاپیراهن های سیاهشان راازمیله های زند ان به بیرون آویزان کرد ه وباگچ بر روی هرپیراهن حرفی نوشته شد ه بود . مجموعه این حروف شعاری راتشکیل مید هد که ازعمل نمایند گان د رحیاط پشتیبانی میکند . این شعارازسه طبقه زند ان آویزان شد ه صد هامشت ازمیله‌های‌زند ان بیرون آمد ه وهمه‌زند انیان بافریاد این شعار راتکرارمیکرد ند .

عصرهمانروز حد ود ساعت ه بعد ازظهرد ید یم که کاپوهای قسمت ماباباطوم بطرف قسمت مخالفین (ج) حرکت کرد ند . مامیتوانستیم کاپوهاراکه جلوی د رسلولهای ب ج جمع‌شد ه بود ند ببینیم . آنهافاصله زیاد ی‌باد رهاند اشتند . بعضی ازآنها کیسه همراه د اشتند . آنهاازمیله های آهنی بالا رفته ومحتوی کیسه‌هایشان را خالی کرد ند : این‌کیسه هاپرازآهك زند ه بود . سپس‌شب‌فرارسید ومادیگر نمیتوانستیم ببینیم د رحیاط چه میگذرد . صد ای فریاد واولین انفجارهابگوش‌رسید . د رسلولهانارنجك های اشك آوروسموع می اند اختند . د ر هر سلول سه - چهار یاپنج نارنجك نگون ... رئیس‌بخش‌مامؤ د بانه برایمان قطعات

آورد تا روی چشمانمان بمالیم . در واقع گازها به سلولهای ما که در حیاط مقابل قرار داشت نیز میرسید . ولی دوستان اب اد ر طبقه سوم که بخش ب۱۱ نیز از جنبش رفقای ف.ج پشتیبانی کرده بودند . در سلولهای آنها نیز گاز نجاس میاند اختند . ما به رئیس بخشمان ناسزا گفته و لیموها راد ور انداختیم . از همه جا فقط صدای فریاد بگوش میرسید . تمام یك بخش ۵۰۰ الی ۶۰۰ زندانی . چنین شعارهائی میدادند " مرگ براختناق ! میخواهیم رئیس زندان را ببینیم ! " نبرد از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۲ صبح بطول انجامید . فقط در این ساعت بود که سکوت همه جا را فرا گرفت . فردای آنروز فهمیدیم که همه زندانیان به پسولوکدر تبعید شده اند فقط در این موقع بود که از قضیه آگاه شدیم . این اولین بار بود که شاهد چنین سرکوب وحشیانه ای بودیم . آنهم داخل یك زندان . این غیر قابل تصور بود . از خارج نمی توانستیم بفهمیم در زندان چه میگذرد . ولی بخصوص این اولین بار بود که میدیدیم افرادی با چنین وضع روحی و اخلاقی در شرایطی این چنین وخیم و نامناسب مبارزه میکردند . این افراد بمثابه یك تن . با یك هدف و با انضباط دست بمبارزه میزدند .

سلولها یکی پس از دیگری از پا در آمدند . همه زندانیانی را که شعار میدادند ، و کسانیکه این شعارها را در برابر درهای آهنی با صدای گرفته بیان میکردند ، بترتیب کتك زدند . هنگامیکه در سلولی صدای شعار بگوش نمیرسید با خود میگفتیم ، " کار بسر هاوارد شده . کتك زده و کارتمام شده است . " این وضع تا آخرین سلول ادامه یافت . آنها تنها بودند . سی زندانی که علیه همه پلیس ضربتی و گاردها مبارزه میکردند آنها بقدری شعار دادند تا همگی را از نفس انداختند . ساعت ۲ صبح بود که همه ساکت شدند .

سرباز[illegible]

ژ[illegible] پ د[illegible] و[illegible] [illegible]

تا پایان [illegible] آزادی بخش [illegible] اکتبر ۱۹۷۱ ، تاریخ باصطلاح انتخابات ریاست جمهوری که [illegible] ژنرال تیو بود ، اولین دستگیری [illegible]

دانشجویانی بودند که در شهرها علیه انتخابات ساختگی تظاهرات برپا کرده بودند سپس در مارس ۱۹۷۲ آغاز حمله جبهه ملی آزادی بخش (ف.ن.ل) و دومین دستگیریهای دسته جمعی زندانشی هوآ را بر کرد. اینبار دستگیر شدگان عبارت بودند از حقوقدانانی مانند خانم نگوساتان دیپلمه از دانشگاه استراسبورگ و یک دانشگاه آمریکائی. وکلائی مثل وکیل خودمان نگوین لونگ اساتید. روشنفکران. دانشجویانی مثل هوین تان مام رئیس اتحادیه دانشجویان ویتنامی. دانشجویان کاتولیک. راهبان بودائی و بالاخره زندانیانی که تاکنون عادت نداشتیم آنها را در زندان ببینیم مثل تیو منن نویسنده و روزنامه نگار روزنامه دموکراسی نوین (دان شوموا) این روزنامه مانند بسیاری از روزنامه های دیگر توسط قانون جدیدی که تیو از مجلس گذراند و مربوط به مطبوعات بود. جلویش گرفته شد. (این قانون صاحبان روزنامه ها را مجبور میکرد که مبلغ ۲۵ میلیون پیاستر در اداره سانسور بگذارند و در صورت هرگونه تخلف مستقیما مبلغی از آن بعنوان جریمه برداشته میشود. این جریمه تا حد ضبط اموال چاپخانه نیز ممکن است ادامه پیدا کند.) این روشنفکران و این افراد بورژوازی ویتنام جنوبی تعلق داشتند. آنها کمی دیرتر از هم میهنان روستائی شان به کثافات و واقعیات این جنگ پی برده بودند. از سال ۱۹۶۸ ببعد آنها جنبش های "قانونی" را سازمان داده. خواستار صلح و خروج آمریکائیها از ویتنام بودند. آنها خود را مخفی نکرده. فکر میکردند که میتوانند بطور قانونی عمل کنند. مثلا جنبشی برای خود مختاری خلق ویتنام وجود داشت که رئیس آن نگوین لونگ بود. همچنین جنبش زنان برای حق زندگی. جنبش دیگری نیز که خواستار بهبود شرایط زندانیان در زندانهای ویتنام جنوبی بود وجود داشت. رئیس آن خانم نگوساتان بود. جنبش های دانشجوئی نیز بودند که فقط خواستار خروج نظامیان آمریکائی میشدند. هرقدر سرکوبیهای خونین از جانب پلیس تیو بیشتر میشد آنها نیز بیشتر حالت تهاجمی بخود میگرفتند. مثلا جنبش معروف "دست کش می" کارش سوزاندن ماشین های آمریکائی بود که علامت مسالمت آمیز تفنگ ام ۱۶ شکسته شده را نزده بودند. این دلیل آن بود که این دانشجویان از اشغال ویتنام جنوبی توسط آمریکا بتنگ آمده اند.

تکرار میکنیم که همه این جنبش ها کاملا قانونی بوده در روز روشن عمل میکردند در واقع آنها از چه میتوانستند بترسند؟ آنها فقط خواستار صلح بودند ولی امروز

ویتنام جنوبی ــ ویتنام "آزادی" که دستگاههای تبلیغاتی آمریکا درباره اش سخن
وبند . صحبت از صلح جنایت است ــ در زندان دوستان بمامیگفتند : "در
دادگاه نورنبرگ جنایتکاران جنگ محاکمه شده انــــــــــــد . امروز
ویتنام جنوبی "جنایتکاران صلح "رامحـــــــاکمـــــه میکنند . " فقـط
ی است به نطق های تیو توجه کنیم که میگوید . "دستور میدهم هرکسی راکه بـــا
نیست ها از صلح صحبت کند . جابجانابود کنند ." تیو خیلی زود پی برد کـــــه
بش هائی که بخاطر صلح بر پامیشد ند همانند گلوله برفی عمل میکنند . این جنبشها
سب آن میگشت که روشنفکران وکلا دانشجویان بفهمند چه کسی خواستار صلح
ت چه کسی علاقمند به جنگ . آنهاتدریجاً متوجه شده اند که صلح میسر نمیشـود
باخروج پرچم های آمریکائی . همه این افراد که در شهرهازندگی میکردند در ــ
س ۱۹۷۳ دستگیر شده اند . آنهامتحمل شکنجه هائی شده اند که درهماسال
مورد کادرهای جبهه آزادی بخش ملی اعمال شده است . آنهاآمادگی تحمـــل
ین رنجهائی رانداشتند . زیرااز طبقه بورژوازی مرفه بودند . بهمین دلیل خیلی
ستی کشیده اند . اکثر آنهاشدیداً شکنجه شده بودند . باری آشکاراست که بااین
روشنفکران دانشجویان مسیحی و حتی کشیشان مسیحی مثل پدر شانتین،
مه راهبان بودائی کــه از خدمت نظام سرباز زده اند . نمیتوان برچسب کمونیست
. این مردان و زنان عموماً در میان بورژواهای درجه اول سایگون شناختـــه
ه اند . آنهاآنچه راکه در اطراف خود در زندانها دیده یاشکنجه هائی کـــه
مل شده اند . شرایط زندگی وغیره خود راتعریف خواهند کرد و نمیتوان سخنان
ارا باورنکرد . از سربازکردن این افراد . بخصوص برای رژیم تیو مسئله ایســـت
اتی (تکیه از ناشران است)

در زنـــــدان تودوک

گـــزارش چهــــار دختر دانشجو

در جـــــلسه زندانیان سابق سیاسی که در مدرسه عالی علوم

تربیتی سایگون در چهارم ژوئیه ۱۹۷۰ برگزار شده است

ـــاطـوم

باچشمان باند پیچی و دستان از پشت قفل شده مجبورمان میکـردنــد
نشینیم . پلیس قوی هیکل مستی که دهانش بوی الکل میدهد . بایک باطوم بکـف

پاها ـ سر ـ شانه ـ سینه ـ پشت و شکمهان میزنند ـ و فحش‌های رکیک میدهند ـ منظور او این است که اقرار کنیم باکمونیست هارابطه داشته ایم ـ اگراز صحبت کردن خودداری بنمائیم یاخبری برای گفتن نداشته باشیم ـ تاحد بیهوشی کتک میخوریم ـ پس‌از دوساعت شکنجهٔ متوالی و بی هوش‌شدن ـ دیگر نمیتوانیم بلند شویـــــم ـ زانوهایمان بادکرده ـ خون در زیر پوست صورت هایمان جمع شده و شانه و پشتمان کبود میشوند ـ چنانچه این عمل تکرار شود شخص‌برای تمام مدت‌عمر ضعیف و ناتوان باقی‌خواهد ماند ـ مثلاد وشیره لا ن دانشجوی ادبیات که در حال حاضر بـــه کـــن دائو تبعید شده از هرد ویافلج است و کیم لـــیـــن فقط بایـــک پاو باکمك عصاراه میرود ـ

کسانیکه کف پاهایشان باباطوم مضروب میگردد ممکن است به بیماری کلیه یاآلات تناسلی دچار شوند ـ بعضی هابدون اینکه نشانه ای از اعمال قهر بر بدنشان باقـــی بماند میمیـــرنـــد ـ

هرسه دختر دانشجوی ویتنامی اخیرابخاطر شکنجه هائی که در اداره پلیس سایگون برآنهاوارد آمده بود از پای در آمدند ـ جای تأسف است که نتوانستیم نام این قهرمانها رابدست آوریم ـ زیرادر زندان قسمت مانبودند ـ

در زندان مرگ امر متداولی است ـ اداره زندانهاو پلیس همیشه کوشش‌میکند اجساد مردگانرابدست خانواده هایشان ندهد ـ اغلب خبر مرگ راهم باطلاع خانواده ها نمیرسانـنـــد ـ

<u>شـــوك الکـــتـــریکی</u>

شکنجه گران معمولا بر نقاط حساس‌بدن مثل آلت تناسلی سینه زنان زیر بغل وغیره سیم برق وصل میکنند ـ وصل جریان برق به دهانه رحم ممکن است سلولهای رحم رااز بین ببرد و در صورت‌عدم معالجه موجب نازائـــی زن میگردد ـ رحم بیماری شکنجه شدگان زندان تـــو دوك ـ پس‌از اینگونه شکنجه ها خابجاشده است ـ شوك الکتریکی موجب ناراحتی های شدید‌عصبی میگردد ـ در هنگام بحرانهای عصبی قربانیان آن بشدت میلرزند ـ دهانشان کف میکند ـ مثـــل دیوانگان عربده میکشند و سپس‌از حال میروند ـ

در تودوك شکنجه گران از جریان برق متناوب نیز استفاده میکنند که نتایـــج آن وخیم تراست ـ شب هنگام از تمام سلولها صدای ناله برمیخیزد و هرکسی که اندکـــی

حس انسانی در او باشد عمیقا متأثر میشود ولی نگهبان وکاپوها . بخاطر عدم "رعایت دیسیپلین" . باین ناله ها با تهدید و فحش و کتک جواب میدهند .

استعمـــال آب

این نیز شکنجه ای وحشیانه است قربانیان را مجبور میکنند با بینی آنقدر آب بالا بکشند تا معده شان پر از آب شود . سپس پلیسهای عظیم الجثه روی شـــکم آنها رفته با چکمه های میخ دار خود آنقدر لگد میزنند تا تمام مایع خارج شود ترونگ تی کیم لین پس از این شکنجه ها دچار معده درد شده مرتبا استفراغ میکرد . زنان حامله یا کسانیکه در دوره قاعدگی بودند سقط جنین کرده یا دچار خونریزی میشدند . مثلا ترونگ تی کیم لین مدت دو ماه از خونریزی رحمی درد میکشید . تازمانیکه دانشجویان دستگیر شد ۱۷ را معالجه نکردند . بیماریش ادامه داشت . در هیچ کجای دنیای باندازه زندان های سایگون . زنان دچار سقط جنین و خونریزی رحمی نشده اند .

"مسافرت باهواپیـــما"

زن را با مچ های بسته از سقف طوری آویزان میکنند که پاهایش بالاتر از زمین قرار بگیرد . پلیسها اطراف وی حلقه زده . بنوبت او را آنقدر میزنند تا بیهوش شود . تـــونگا یک دختر دانشجوی ۱۸ ساله در شب ۵ مارس ۱۹۷۰ در اداره پلیس بخش ۱ در جریان چنین "مسافرت باهواپیما" ئی آنقدر شکنجه شد که حواسش را از دست داد .

در تود وک زنان شکنجه دیگری را نیز تحمل میکنند . در زیر ناخن هایشان سنجاق فرو میکنند . باکمک قیچی یا انبر گوشت بدنشان را میگیرند . سرشان را بدیـــوار میکوبند و با چوبهای کلفت به شکمهان میزنند

در رشی هواهه یک زن اسیرد یگرچنتهائی نمیتوانست بلند شود زیرا ستون فقراتش در اثر ضربات وارده شکسته بود . معذالکئوی را به ۱۵ سال کار اجباری محکوم کردند . چگونه میتوان ادعا کرد که رژیم تیو انسانی و در خدمت ملت و خلق است ؟

در سالن های شکنجه زنان مجبورند لخت بایستند . شکنجه گران وحشیانه ترین شکنجه ها را بکار میبرند . در پستانهایشان سنجاق فرو میکنند . در آلت تناسلی شان سربطری فرو میکنند . حساسترین قسمت های بدنشان را مثل زیر بغل . باسن ران . گردن و . . . . . را میسوزانند . در اداره پلیس و زندانها تجاوز امری عادی است . تعداد بسیاری از اسیران پس از تجاوزات دسته جمعی بشدت مریض شده

یامرده اند .

بعلاوه باید مورد دوشیزه نکوین تیپ لنک راذکر کرد . جلادان دست وی رابانده پیچی کرده رویش بنزین ریخته و سپس سوزاندند .

فقدان بهداشت

در زندانهاو در وهله اول در سیاهچالها اسیران در یک وضع بسر میبرند . آنهااز فقدان صابون و حتی آب برای شستشو و بخصوص هنگام قاعدگی یاچرکین شدن رحم و ترشحات رحمی بشدت رنج میبرند .

جداکردن مادران از فرزندان

وقتی زنی در خانه اش دستگیر میشود .پلیس بچه هایش رانیز بهمراه میبرد . ولی بچه ها اجازه ندارند بامادرانشان در یکجا بسر برند . پلیس آنهارااز مادرانشان جداکرده و ببیک یتیم خانه می اندازد .

کیم لین که موقتاپس از دوماه آزاد شد . فرزند دوساله اش رادر حالت زار و نحیفی یافت . بچه دیگر نمی توانست سرپابایستد و صدایش رااز دست داده بود .

توان تی هان که مدت دوسال است در زندان تودوک بسر میبرد از سرنوشت چهار فرزندش هیچ خبری ندارد . بچه هاراپلیس هنگام دستگیری وی باخود برده بود . مطالبه فرزندانش از اداره زندان بی جواب مانده اند . بهمین گونه است سرنوشت دوفرزند زنی بنام توانک بوم که مدت دوسال است در زندان بسر میبرد .

رژیم زندان برای زنان

زندان تودوک که در نوع خود از بزرگترین زندانهای ویتنام جنوبی بشمار میرود " مرکز تجدید آموزش" نامیده میشود . در واقع این زندان برای زندانیان زن بمثابه جهنم است .

در این زندان ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ زن زندانی وجود دارد که بنابه رجه شدت سرکشی شان بدودسته تقسیم میشوند . سیاسی و عادی .

زندانیان عادی بخاطر دزدی خیانت در امانت جنایت محکوم شده زندگی بسیار قابل تحمل تری دارند . آنهاامکان اینراادارند که بهتر غذابخورند و بگردند از آنهااغلب برای بردن زندانیان سیاسی زن از یک ارد وگاه به ارد وگاه دیگر یاد ر دفاتر یاد ر بخش انتظامات استفاده میشود . برعکس زندانیان سیاسی زن زندگی

بینهایت مشکلتری د اشته و رئیس آنهایك شکنجه گر است .

رژیم غذائی و مسکن

پیش از ۱۵ آوریل ۱۹۷۰ جیره روزانه ۲۹ پیاستر میارزید (پول سایگون) . اثر هزینه برنج و چوب برای گرم شدن رااز آن کم کنیم بیش از ۴ یا ۵ پیاستر برای موادغذائی باقی نمیماند . د رمدت اقامتمان د ر زندان شنیدیم که میگفتند بعلت " سیاست صرفه جوئی برای اد امه جنگ " باز هم از این کمتر خواهد شد .

سالن ها سقفشان کوتاه و مرطوب هستند . د ر فصل باران . اسراماههاباید روی زمین نمناك بخوابند . سالن هابسیار کوچك بود ه و جمعیت زیاد ی راد ر آنهاجا مید هند . زنان سالم باید جای خود رابامریضهاتقسیم کنند . اوضاع باشروع و اد امه " تجدید آموزش " بد تر میشود. زنان فضای کافی برای د راز کشید ن ند ارند .

بعضی هابرای اینکه جای بیشتری برای بقیه باقی بگذ ارند روی ابروهاو د ر راهرو میخوابند . بعلاوه چون سقف سفالین اطاق کوتاه است . هنگامیکه آب زمین نمناك بخار میگرد د آنجامثل تنور گرم میشود .

د ارو

شرایط محل زند ان باضافه تغذ یه بد و شکنجه ها . زنان راباآسانی طعمه بیماریهامیکند . ولی د ارو وجود ند ارد . بنابه اظهارات پرستاری بنام آقای کان که هنوز اند کی وجد ان اخلاقی د ر او باقی است د وا د ر زند ان کم نیست ولی آنهارامیان بیماران تقسیم نمی کنند و این عمد ی است . وقتی مریض قرص آسپرین یا قرص تیفومیسین د ریافت میکند . این باین معنی است که وضعش بسیار خطرناك تشخیص د اد ه شد ه است .

اجازه فرستاد ن مریض به نزد پزشك یابستری نمود ن بیماران باپرستار کینه جو و خشنی بنام ایکس است .بیمارانی که وضعشان وخیم است . وقتی بنزد او میروند . فقط تهد ید و فحش د ریافت میکنند . گرفتن اند کی قرص مسکن اسباب خوشبختی است . اومعتقد است که همه بیماران د روغ میگویند . فقط موقعی سخن بیمار قابل قبول است که بحال اغماء بیافتد . فقط د ر این حالت شانس فرستاد ن به بیمارستان وجود د ارد .

اقد امات انضباطی

د ر این زند ان که زیر نظر د ونگ نگوك مین اد اره

میشود بازند انیان زن از همه جای دیگر وحشیانه تر رفتار میکردد . در اینجا وضع اسراغیر قابل تحمل است . در ماه اوت سال ۱۹٦۹ زنان زندانی برای دریافت جسد یکی کشته شدگانشان بمبارزه علیه مدیر زندان دست زدند .د ونگ نگوك مین بلافاصله همه رابطور دسته جمعی تنبیه کرد . باین معنی که کرد آهك و د . د .ت. در اطاقها پاشیدند و چهار زن رابحد مرگ کتك زدند . پس از این وضع ۳۰۰ اسیر به کن داثو که تاکنون فقط اختصاص بمردان داشت . تبعید شدند .
مقررات زندان هرروز سخت تر میشود . دوختن کبوترهای صلح بر پارچه . آواز خواندن . صحبت با افراد گروه دیگری در همان اطاق . چیز خواندن . مطالعه تاریخ ویتنام ممنوع است . برای اینکه حس نوع دوستی خود رانشان دهند . کلاسهای درس میگذارند ولی آموزش تاریخ راممنوع میکنند. آیا ازنمونه" قهرمانان ملی میترسند ؟
زندانیان باید بیگاری کرده و کارهای اجباری زیر راانجام دهند . استقبال از بازدید " شخصیت ها " حتی هنگام بیماری . ادای احترام به پرچم سایگون دوبار در روز . ادای احترام به افسران عالیرتبه ای که از آنجامیگذرند . شرکت در کنفرانسهائی درباره" پرتستانیسم (مذهب اشخاص شرکت کننده هرچه باشد) . اعمال شدید مقررات باتهدید به مجازات .
علاوه بر شکنجه های ذکر شده گاه اتفاق میافتد که اسرارامدت یکماه بسیاهچالهای تنگ و کثیف میاندازند و دست و پایشان رابآهن می بندند بطوریکه نتوانند درازبکشند حق ملاقات نظافت و حمام رانیز از آنهامیگیرند .
دونگ نگومین شبکه ای از افراد خبر بر (معمولا از میان زندانیان عادی) بوجود آورده است تادر میان زندانیان سیاسی به جاسوسی بپردازند و گزارشات بدست آمده رابه کمیته امنیتی بدهند . در ازای این عمل مجازاتشان راتخفیف میدهند . کاپوها به ناچیزترین حرفها نیز بادقت گوش میدهند وبه آزار کسانی می پردازند که مورد تنفرشان هستند .

استثمار دسترنج

مرکز تودوك، واجد قسمتی بنام " آموزش حرفه ای " میباشد در واقع اداره زندان سعی میکند باستثمار خشن و وحشیانه کاگرانیکه از زندانیان تشکیل میشود . بپردازد . بهمین دلیل "مزدها" بسیار ناچیز است . ۰ ه پیاستر برای دوختن یك لباس زنانه ای ۲۵ پیاستر برای دوختن یك پشه بند . گلدوزیها به

اداره زندان داده میشود تابنمایش گذاشته شده و صادر شوند به ماهرترین آنها
این " افتخار" داده میشود که مجانابرای مدیر و یازن رئیس کارکنند .
زندانیان از خانواده های خود پول دریافت نمیکنند و مجبورند کار کنند تاپول جیبی
بدست بیاورند . ولی در صورتیکه مریض شوند و غیبت کنند . گزارش داده میشود .
اگر سه بارتکرار شود آنهارا به اطاقهای انضباطی خواهند فرستاد .

طولانی کردن مدت محکومیت

" اشتباهاتی " که زندانیان مرتکب میشوند بسیار اسب رهبرا
مقررات و کاپونیز زیاد هستند . سرپیچی از مقررات " رفتار نادرست " محسوب
میگردد . در صورت سرپیچی از مقررات آزادی از زندان به عقب می افتد .
زن شصت ساله ایکه یکبار یك کبوتر صلح دست دوزی شده برای خانواده اش فرستاده
بود . در پایان مدت محکومیتش . روزیکه قرار بود آزاد شود . متوجه شد که تاریخ
پایان محکومیتش ٦ ماه بتأخیر افتاده است . علت . "رفتار نادرست " وی بوده است
شخص دیگری که در سال ۱۹۵۹ بیك سال زندان محکوم شده بود تاآوریل ۱۹۷۰
هنوز در زندان بود ، بنابه عقیده اداره زندان وی یك شخص " خود سر " بوده
است . جرم این زن این بود که یکبار بخاطر بهبود رژیم غذائی علیه بیگاریها و درس
های اجباری پرتستانیسم دست بمبارزه زده بود .
در تودوك. اسراهیچ گاه در روز پایان محکومیتشان آزاد نمیشوند و در بهترین
موارد پس از ٦ ماه تأخیر آنهاراآزاد میکنند . زنانی از قبیل زنان مسن و ناتوان که
توسط دادگاههاتبرئه شده یااینکه مجازاتشان معلق شده است . هنوز در زندان
بسر میبرند .
مااعلام میداریم که پلیس و دادگاههای صحرائی محاکمه رابعقب میاندازند . از هنگام
دستگیری تاهنگام محاکمه ۱۲ ماه طول میکشد و این امر بخاطر این است که زخمهای
بهبودی یابند و هرگونه نشان شکنجه پیش از اینکه عدالت این باصطلاح " جمهوری
دوم " اجراشود . از بین برود .

ترونگ تی کیم لین
وتی تونگا
کائو تی ك هونگ
ترونگ هونگ لین

در زندان تان هیپ

بیانات ۹ دانشجوی سایگونی در جلسه زندانیان قدیمی در مدرسه عالی علوم تربیتی سایگون ۰ ٤ ژوئیه ۱۹۷۰

تان هیپ مرکز بازداشت بیگناهان

در اینجا ۱۵۰۰ نفر از قربانیان رژیم که اکثرشان بی گناه هستند نگهداشته شده اند . اینها دهقانان فقیر ساده زحمتکش و صبوری هستند که کاری جز زحمت کشیدن بر روی قطعه زمین شان ندارند این اشخاص بنابه اصل "دستگیر کردن یك بیگناه بهتر از گریختن یك مجرم" در جریان یك حمله دسته های آمریکائی توقیف شده اند . این دهقانان سیه روز سالهاست که حتی بدون محاکمه در دادگاه صحرائی که در واقع یك قصابخانه و تجسم مادی دیکتاتوری است . در اسارت بسر می برند . آنها از مناطق دوردست خشك و بایر مرکز ویتنام و یا از دشتهای باطلاقی پست میآیند . آنها پس از تعویض چندین زندان . باینجا منتقل شده اند . تعداد زیادی از آنها بدون اینکه علت دستگیریشان رابدانند سه یاچهار سال در این مرکز بسر برده اند .

اتهام آنها در این است که اشخاص مظنونی بنظر می آیند . اتهامات مسخره و ناچیز دیگری نیز بآنها نسبت میدهند : زندگی در مناطق ناامن . باربری برای ویت کنگ پرداخت مالیات به ویت کنگ . عضو اتحادیه های دهقانی بودن .

در کنار کسانیکه از نظرقانون و عدالت بکلی بفراموشی سپرده شده اند . تعدادی از اسرااین شانس راداشته اند که بدادگاه احضار شوند . در هرصورت چه تبرئه شوند و چه محکوم باتعلیق مجازات . باز هم سالها در زندان باقی می مانند !

در تان هیپ ۲۷ زندانی هست که در تایلند زندگی میکرده و از آنجا اخراج شده اند . حکومت تایلند به موافقت نامه ای که باجمهوری دموکراتیك ویتنام در حضور صلیب سرخ بین المللی در مورد باز نگرداندن ویتنامیان به ویتنام جنوبی . امضاء کرده تجاوز کرده است . برطبق این قرارداد . ویتنامیانی که از ویتنام جنوبی خارج میشوند حق دارند تاپایان جنگ در تایلند زندگی کنند و پس از خاتمه جنگ آزاد خواهند بود که میان جنوب یاشمال یکی راانتخاب کنند . این افراد که مدت دو بسال در تایلند با آنها بدرفتاری شده در سال ۱۹٦۸ توسط دستگاههای اداری تایلند به سایگون تحویل داده شده اند .

شرایط زندگی زندانیان

جیرهٔ روزانه ۵/ ۵ پیاستر میارزد (برای دو وعده غذا بدون محاسبهٔ برنج و سوخت) . ولی این غذا پس از اینکه از زیر دست واسطه ها و مدیر زندان رد شد . دیگر همان ارزش را ندارد . در هر وعده دو جور غذا میدهند . یك کاسه آش رقیق که از اندکی سبزی یا تکه های بسیار نازك کدوی حلوائی مقدار زیادی آب جوش و چند تکه ماهی خشك که فقط تیغ هایش باقی مانده . درست شده است این غذا برای ه نفر است . و برنج که اغلب ناکافی است .
هر سال یا دو سال یکبار زندانیان یك کت سیاه و یك شلوار دریافت میکنند .
خوشبختانه در سالنها جمعیت آنقدر زیاد و هوا آنقدر گرم است که کمبود لباس احساس نمیشود . در واقع یك سالن تنگ و کوچك بیش از ۲۰۰ نفر را در خود جامیدهد .
مردم رویهم انبار میشوند و تمام شب یك پهلو میخوابند . جاکم است و مردم حتی بدون پتو . پشه بند . بالش . برکف سیمانی اطاق روی یك تکه حصیر پاره میخوابند .
محروم کردن اشخاص از بسیاری چیزها . شکنجه هنگام بازجوئی . اقدامات انضباطی بسیار سخت سبب شده که زندانیان بامراض سختی دچار شوند . همه اسرا مریض هستند و برای معالجهٔ این هزار و پانصد مریض فقط یك سرپرستار بد خلق و متکبر وجود دارد که بعناوین مختلف بیماران را اذیت میکند . حتی کسانیکه بشدت مریض هستند فقط قرصهای آپ س(۱) یا آسپیرین دریافت میکنند . تنها چند نفر پارتی دار میتوانند از آمپول یا سایر داروها استفاده کنند . چندین بار درخواست کردیم که دارو و تخت بیشتری به مریض ها بدهند . آنها بما جواب میدادند :
ـ ما در اینجا فقط از روشهای روستائی استفاده میکنیم . هر بار که میخواهیم به معاینه برویم باید به پرستار درست سلام کنیم و عبارات مناسب بکار بریم . اگر حال شخص خیلی بد نباشد نه تنها دوا دریافت نمی کند . بلکه تنبیه نیز خواهد شد . بسیاری از بیماران باید بانتظار مرگ بنشینند مثل آقای هود ونگ اهل کوانگ تین ـ که در مارس ۱۹۶۸ در سالن س وفات یافت .
شرایط زندگی روحی نیز بسیار بد است . در اینجا از همهٔ وسایل استفاده میکنند تا زندانی را بتدریج بکشند و قدرت خلاقه و اندیشه اش را نابود سازند .

۱ــ آسپیرین ــ فناستین ــ کافئین .

تشکیل کلاسهای شبانه بیشتر بخاطر محدود کردن تماس میان زندانیان است تا بالا بردن سطح معلوماتشان تنها تعدادکمی از زندانیان اجازه درس خواندن دارند. تاریخ و جغرافیا در برنامه درسها نیست و کسانیکه در این باره صحبت کنند تنبیه شده به سالن امنیت فرستاده میشوند. اسرا فقط الفبا و نوشتن یاد میگیرند. مخارج شخصی به حد اقل کاهش می یابد. مدیریت زندانان تمام پول زندانی را گرفته و فقط هفته ای ۵۰ پیاستر باو میدهد و تازه برای بدست آوردن همین مبلغ باید تشریفات بسیاری بجاآورد.

اشکـــال استثـــمار

مدیریت زندانان اسیران را با اشکال گوناگون استثمار میکند چند نمونه اش را در اینجا ذکر میکنیم :

کارگاه تعلیم حرفه. اساس براین است که بزندانی حرفه ای بیاموزند. ولی در واقع این نوعی تعلیمات برای گول زدن بازدید کنندگان است. هدف آنها بیشتر اینست که زندانی رابکار اجباری وادار اشته . استثمارش کنند. تنها کسانی به کارگاههای خیاطی. حصیر بافی. آجرسازی. نجاری. حلبی سازی وغیره راه می یابند که مهارت زیاد در این حرفه داشته باشند. بقیه منجمله پیران و بیماران بکارهای سخت تر مثل حمل آجر و ماسه وغیره مشغولند. مریض برای داشتن اجازه استراحت باید تقاضایش رایکروز قبل باداره زندان بدهد. ولی چگونه میتوان بیماری راپیش بینی کرد. بنوعی که اگر کسی ناگهان مریض شود باید بدون هیچ گونه اعتراض بسرکار رود. هرگونه شکایتی بمشابه علامت یاغیگری است و شخص بلافاصله بسالن امنیت فرستاده خواهد شد.

زندانی باید در روز ۸ ساعت بی وقفه کارکند تا ۵۰ ــ ۱۰۰ پیاستر در ماه بدست آورد (بمیزان پولی که برای کوتاهترین راه به تاکسی داده میشود) . معذالك بنابه مقررات زندانی باید ۴۰٪ از محصول کارش را دریافت نماید. اگر کسی جرأت کرد علت پائین بودن دستمزدش را بپرسد. باو هزار و یك نوع جواب از این قبیل خواهند داد.

متوسط بودن بار آوری کار، کمبود ماشین خراب شدن ماشین وغیره. زندانی بمحض ورود باید همه پولش رابه مدیریت زندان بدهد، در مقابل رسید دریافت کند. مدیر کارگاه ازاین پول بحساب خود استفاده میکند. شکل دیگر استثمار این است که زندانی را سالها بدون محاکمه نگاه میدارند زیرا

هرچه بیشتر در کارگاه بماند به حرفه اش بیشتر وارد شده ، کارش بهبود بیشتری خواهد داشت . تنها کسانیکه شغل نگهبانی یا کاپو شدن را بپذیرند میتوانند امیدوار باشند که آزاد خواهند شد . در اینجا معیار رفتار صحیح ، پائین انداختن سر و کمک به کاپوهائیست که در خدمت مدیر کارگاه اند . برای مدیر کارگاه اجرای مجازاتها تعیین شده بوسیله دادگاهها نسبت به زندانی دلیل جدیت و دارای شانس ارتقاء درجه و پاداش است .

اقدامات انضباطی

زندانی چنانچه آگاهانه یا خود آگاه مرتکب اشتباه بزرگ یا کوچک شود . تنبیه میگردد . در وهله اول شوک الکتریکی به اعضای فوقانی و تحتانی بدن وارد میکنند . روزهای متوالی دستها را پشت سر بسته . ساعتها او را آویزان نگاه میدارند . این دو نوع شکنجه شخص را فلج میکند . زندانی در صورت افتادن به سیاه چال فقط یک ظرف برنج و قدری نمک دریافت میکند . پیش از هر وعده غذا . نگهبانان بهمراه کاپوها . دستبند های شخص را باز کرده . بشدت او را میزنند . زندانی بیش از یکبار در ماه اجازه حمام نداشته و در همان محل رفع حاجت میکند . در ماه مه سال ۱۹۶۹ بدستور نگوین وان تبه رئیس امنیت . نگهبانان و کاپوها نگوین وان هه اهل کمون هوآلاک ناحیه هواوانگ ایالت کوانگ نام را بحد مرگ زدند . همان شب دو زندانی بنامهای تران کاک فی اهل نام دین و کائو وان باک اهل کوشی بقصد اعتراض علیه این وحشیگری با یک تیغ مخصوص شکستن آمپول . شکم خود را دریدند .

در اکتبر سال ۱۹۶۹ همان سال نگوین وان هه و افسر جزئی بنام کاس رئیس بخش اج فام وان نکی سی و شش ساله اهل دک وک هوآ را آنقدر کتک زدند تا مرد .

سرپرستار دوان فونگ باهمدستی لودوک سوی پزشک ارتش قسمت سوم ارتش شهادت میدهند که این اشخاص قربانی ناراحتی های قلبی شده اند و سپس آنها را مخفیانه دفن میکنند .

در پایان سال ۱۹۶۹ صد زندانی در زندان کن سن که بفلج و بیماری سل ریوی دچار شده بودند بقصد معالجه به تان هیپ منتقل شدند پس از یك اقامت کوتاه دوباره به کن سن برگردانده شدند . مدیریت زندان با همکاری نیروهای امنیت چون پیش بینی میکردند آنها دست باعتراض بزنند . روی آنها گرد آهك و نارنجکهای ممنوع افکنده سپس بدنهای بیجانشان را درکامیون انداختند .

شب هنگام از بخش انتظامی صدای ناله و درد بلند میشود . زندانیان هنگامیکه جابجا میشوند . صدای زنجیرهای دست و پایشان بلند شده موجب اندوه ونفرت میگردد . زندانیان محکوم به مرگ تدریجی بوده . از درد گرسنگی و سرما مسی میرند .

اداره زندان هر گونه بازدیدی راممنوع کرده است و هنگامیکه بر حسب اتفاق اجازه میدهند یك هیئت خبری از آنجابازدید کند مدیر باتفاق افرادش یك صحنه نمایشی بوجود میآورند . در نوامبر سال ۱۹۶۹ در جریان بازدید یك هیئت نمایندگی صلیب سرخ از زندان یك زندانی بشرح بد رفتاریها پرداخت پس از خروج هیئت صلیب سرخ وی راتحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دادند .

سایگون ۹ ژوئیه ۱۹۷۰

ترونگ وان کوك

ترین دین بان

ترین هوانگ سن

تران وان شی

ها توك تواں

لام با مات

دو هو کان

نگوین دانگ لین

فام هوآ کوانگ.

در زندان کی دوآ

گزارش یک زندانی از خطر جسته ۱۹۷۱

دکتر تران ترونگ شبو پس از آنکه از زندان بیرون آمد به ناطق آزاد شده رفته در آنجا به رفتاری با اسیران میهن پرست طرفداران صلح روشنفکران توسط تیو و آمریکائی ها را افشا میکند .

... در اداره دوم مرکز کل پلیس بطرز وحشیانه ای شکنجه شدم . ستوان دوم د به تمام بدنم جریان برق وصل کرد و چندین بار بحال اغماء افتادم . مرا در سیاه چال تاریکی به وسعت کمتر از ۳ متر مربع انداختند . در آنجا هم غذا میخوردم و هم رفع حاجت میکردم . وقتی باران شدید می بارید آب زیادی وارد سیاه چال شده . مدفوع ها روی آب میآمد . در این موقع میبایست پشت بدیوار بایستم بدون اینکه بتوانم بنشینم و پاهای خوابیدن را دراز بکنم .

سپس به کی دائو منتقل شدم . هنوز در پایانه فرودگاه زندان بودیم که یک پلیس نظامی با لباس سبز و کلاه فولادی با قنداق تفنگ بشدت سر و صورتم را مضروب ساخته به بخش انفرادی ب ۲ مرا برد . در اینجا سرجوخه هاتین ودیم بدستور ستوان تین مجبورم کردند جلوشان بایستم وسپس بشدت کتکم زدند وتمام روز در یک حیاط زیر آفتاب روی ماسه های سوزان از پشت مرا خواباندند . در مدت ۵ ماهی که در قسمت افسران و روشنفکران زندانی قرار داشتم غذایم عبارت بود از برنج و مقدار ناچیزی ماهی و گلویم همیشه از شدت عطش میسوخت . برای شستن صورت و دهان نیز بمن آب نمیدادند و به طریق اولی آب برای حمام ولباس شستن نیز نداشتم . بوی مهوعی سلول را فرامیگرفت ماهمگی دچار بیماری پوستی شده بودیم .

باوجود بیماری هیچ داروئی دریافت نمیکردیم . سرجوخه با کسانیکه وضعشان بسیار وخیم بود و میخواستند به نزد پزشک بروند آنقدر بد رفتاری میکرد که بحال اغماء میافتادند . شب هنگام شکنجه گران ما را از سلول بیرون آورده کتکمان میزدند . اعصابمان همیشه بسیار خراب بود . وحشیانه تر اینکه در روز ۲۰ دسامبر (سالروز تأسیس جبهه آزادی بخش ملی (ف ن ل) . شکنجه گران کی دائو در آب آشامیدنی میکروب ریختند . بیش از هزار زندانی من الجمله من دچار معده

درد و استفراغ شدید شد یدم . من که حالم خیلی بد بود به مریضخانه ای که توسط تان اداره میشد فرستاده شدم . مدت یك هفته بود که چیزی نخورده بودم . معذلك فرمانده کس و سرهنگ دوم هین شب و روز بجز مواقع تزریق آمپول بازوهایم رابازنجیر به لبه تخت می بستند . در اینجاباچشمان خود بسیاری از زندانیان رامرده بر روی تخت دیدم . در حالیکه هنوز پاهایشان بازنجیر به لبه تخت بسته شده بود . بدتر اینکه در آوریل ۱۹٦۹ سرهنگ دوم فوك . و فرمانده کس افسران زندانی رامجبور کردند که نرده های خاردار را سر جایشان بگذارند . چون بامخالفت ما مواجه گشتند بما واکسن های ضد وبا و ضد تیفوئید زده در قفسهای سیم خاردار انداختند . تمام روز زیر آفتاب بدون هیچ غذائی بسر بردیم . بسیاری از ما بحال لقماء افتادند . من که خود پزشك بودم در برابر این رفتارهای وحشیانه ایکه در زندان کی دائو بامیهن پرستان طرفداران صلح . منجمله روشنفکران میشد . بخشم میآمدم .

علاوه بر شکنجه و کشتار زندانیان که همه شاهد آن هستند وضع غذائی معالجات طبی . تاریکی سلولها همه نشانه این است که برای کشتن تدریجی و دردآور زندانیان و نیز برای اینکه بسهولت اراده و روحیه آنهارادر هم بشکنند . محاسبه های خائنانه وطی شده است . هر کس میداند که هر فردی در روز برای ادامه حیات حداقل به ۱۴۰۰ الی ۱٦۰۰ کالری احتیاج دارد . البته بجز مواردیکه شخص کار میکند . در حالیکه وضع غذائی زندانهای آمریکا ـ تیو . از برنج و مقدار کمی ماهی تشکیل شده و هیچ گاه آن اندازه کالری و تقریبا ویتامینهای اساسی ب و ث رانداراد . چنین رژیم غذائی که بآن باید جای مرطوب پر ازمیکرب کمبود روشنائی طبیعی رانیز افزود ثابت میکند که آمریکائیها ـ تیو سعی دارند که زندانیان ضعیف المزاج رابسوی مرگ بفرستند .

بیش از ۳ هزار قبر در گورستان زندان کی دائو وجود دارد که شاهد رژیم زندانهای غیر انسانی آمریکائیها ـ تیو میباشد . این رژیمی است که در آن طرح جدید آدم کشی آمریکا با روش های وحشیانه قرون وسطائی توسط افراد کمکی آمریکائی نکوین وان تیو و آلت دست هایشان بکاربرده میشود .

دکتر تران ترونك شو

شهـادت اسقـف آمریـکائـی ۱

توماس ۰ ج تمبلتن

بی شك میتوانـم اعلام کنم که در زندانهای سایگون و زندانهای ایـالات زندانیان سیاسی وجـود دارند (تکیـه از ناشران است) . آنها بخاطر مخالفتشان بارژیـم کنونی و نه بلحاظ ارتکاب جنایت به زندان انداخته شده اند . دلیلش هم واضح است . او هم چنین اعلام میدارد که بازنداتیان رفتار غیر انسانی دارند و شکنجه ها طولانـی است . من این اظهارات را از روی سهل انگاری و مسامحه نمـی کنم .

هیچگاه ملاقاتم را با چند جوان که تازه آزاد شده بودند فراموش نخواهـم کـرد . . .

آنها بـر طبق قانون "اطفال در نظم عمومـی" بزندان افکنده شده اند و این معنی اش این اسـت که رئیس جمهوری هر کـار که مایلست انجام میدهـد .

. . . اشخاصی وجود داشتند که وضعشان بسیار وخیم و فراموش نشد نـی و بدون هیچ پشتیبانی بـود ند . در روستای دوك هـوآ واقع در ۳۰ میلی سایگون به چهار زندانی سیاسی که تازه آزاد شده بودند برخورد کردیم . هیچ کدامشان نمیتوانستند راه بـروند . یکی از آنها ٦ سال در یك قفس ببـر بسر برده بـود . اکثر مواقع دست و پایش بازنجیر بسته شده بود . همه آنها بعلت ضربات وارده جـراحات داخلی داشتند . . .

فردای آنروز از منازلی بازدید کردم کـه در آنها زنان مادران پـدران خواهران و بـرادران بخاطر داشتن عزیزانی در زندان بسیار اندوهگین بـوده و منتظر بازگشتشان بودند . در اولین منزل والدین ٥ تن از رهبران جوانان کارگـر مسیحی زندگی میکردند . آنها یك سال پیش یعنی در شب ۳۰ آوریـل ـ اول مـه ۱۹۷۲ زندانی شده بودند . آنها هرگز محاکمه نشده . و مرتکب هیچ جنایتی نیـز نکردیده بودند . تنها "جنایت" آنها شرکت در جنبش برای صلح و مخالفت بـا سیاست یاغی گرانه حکومت بـوده است . . .

بخصوص در مورد زنیکه مدت ۷ ماه در زندان بسر برده شکنجه شـده و

ا ـ توماس ج کمبلتن اسقف کلیسای شهر دیترویت در ایام هفته عید پاك ۷۲

سپس آزاد گشته بود . بسیار متأثر شدم . او از ترس جرأت نمیکرد اسم خود را بگوید . پسر عمویش هنوز در زندان بود وزن هیچ خبری از او نداشت . زن وبچه هایش هنگام بمباران کشته شده و این زن تنها فامیل او بود . وی بخاطر فعالیتها ضد حکومتی به بیست سال زندان محکوم شده بود . ه سالش را در زندان کن سن بسر برده بود . در آخرین نامه اش گفته بود که جیره غذائی بسیار کم است . زن میترسید که او از شدت گرسنگی بمیرد .

. . . طبیعتا شهادت همه این کشیشان . زندانیان وخانواده هایشان مغایر اظهارات تیو در مسافرت اخیرش بخارجه است . در رم بملاقات پاپ پل ششم رفت . سپس بخبرنگاران اظهار کرد که رهبر کلیسای کاتولیك گفته است که در ویتنام هیچ زندانی سیاسی وجود ندارد . او در چندین فرصت دیگر همین اظهارات را تکرار کرده است . . .

ولی من اسنادی را در دست والدین جوانان کارگر مسیحی دیدم که رسما اظها شده بود که فرزند انشان جزء زندانیان سیاسی بشمار میروند . (تکیه از ناشر است) . اینها اجازه ملاقاتهائی بود که برای دیدن فرزندان زندانی بآنها داده بود ند .

در مورد نحوه رفتار با زندانیان سیاسی شهادت های دیگری از شخصیت ها و سازمانهای ویتنام جنوبی اند کی قبل یا پس از . از سر گرفتن مذاکرات بچاپ رسیده اند که بالاخره منجر به امضای قرارداد پاریس شد .

"اعلامیه ١٢ کشیش"

"سایگون . ٤ ژوئیه ١٩٧٢ "

ما کشیشان امضاء کننده اطلاعیه زیر کاملا آگاهیم که .

١ـ مدت مدیدی است که مسئولان حکومتی در پایتخت ایالات . سیاست ترور راهکار میبرند . توقیف و حبس بدون علت . بویژه در جریان دو ماه اخیر آنها از وخامت اوضاع برای تشدید این سیاست استفاده کرده اند .

الف ـ دستگیریها تقریبا بصورت آدم ربائی در آمده است و بندرت با ارائه اجازه توقیف صورت میگیرند . کسی از محل زندان افراد باخبر نیست . بسیاری از در روستام جنوبی بسر برد مایست مقالها ش بنام زندانیان سیاسی درسیا هچاا در روزنامه نشنال کاتولیك ریرتر در ١ امه ٧٣ بچاپ رسیده است .

زندانیان محاکمه نشده و برای مدت نامعلوم در زندان بسر میبرند .

ب ـ در سرتاسر ویتنام جنوبی من جمله در جزیره کن سن همه جور زندانی وجود دارد . زن حامله جوان پیر بیمار علیل .

ج ـ دیوان عالی واقف است که سرویسهای حکومتی از شکنجه استفاده مینمایند باوجود این حکومت نه تنها روش خود را تغییر نداده بلکه اخیراً بازداشت شاگردان مدارس متوسطه و دانشجویان . این سیاست را تشدید نیز کرده است .

٢ ـ سیاست ذکر شده نه تنها در تضاد آشکار با قانون اساسی است بلکه با اصول ابتدائی حقوق بشر و روح انجیل اعلام شده بویژه بوسیله دومین مجمع عمومی واتیکان در کتاب " قواعد مذهبی کلیسا در عصر جدید " پاراگراف ٢٧ و ٢٨ . مغایر است .

٣ ـ در هر شرایطی حتی در حالت حکومت نظامی . یا در شرایط سخت و مشکل همه حقوق زن و مرد باید رعایت شود .

چون افکار عمومی داخلی ویتنام بخاطر سیاست ذکر شده مجبور بسکوت است . ما با صدای بلند این روش را افشا میکنیم تا افکار عمومی بویژه وجدان مسیحیان را از آن آگاه سازیم .

این سیاستی که در ویتنام جنوبی و بسیاری از کشورهای دیگر متحد آمریکا اعمال میشود بیش از هر وقت دیگر ثابت میکند که اصطلاح " جهان آزاد " دروغی است که امپریالیسم آمریکا و کشورهای دست نشانده اش اختراع کرده اند .

امضا شده توسط . شان تین ترونگ پاکن بوئی تونگ جیا سو
ووکسوان هیو نگوین ویت که نگوین نگوک
لان نگوین هوی لیش نوان ته لوان نگوین
نکی هوین کونگ مین نگوین وان فام فان کان
تو

امریکن ریرت ٦ نوامبر ١٩٧٢

رژیم زندانهای ویتنام جنوبی
شهادت قاضی تران توک لین (سایگون)
منتشره در مجله «جنبش مسیحی صلح» در آغاز
سال ۱۹۷۳

این رژیم غیر قانونی است زیرا قانون اساسی خاطر نشان میکند که . " هیچ کس نمیتواند بدون یك اجازهٔ قانونی از یك سازمان صلاحیت دار بازداشت یا زندانی شود . متهم تاوقتیکه دادگاه وی رامحکوم نکند . بیگناه شناخته میشود . . . شخص باید در جلسه علنی و در کمترین مدت محاکمه شود . . . " معذلك بموجب اسناد دولتی از میان ۳۷ ۸۷۱ نفریکه مجبور به " تجدید آموزش " شده اند . بیش از ۱۷٪ از زندانیان عادی و ۱۰٪ از زندانیان نظامی بموجب قرار توقیف ،بازداشت شده اند . حتی " در مرکز تجدید آموزش " سایگون در نوامبر و دسامبر ۱۹۶۹ از بین ۶۸۷ ٤ یا ۳۷٦ ٥ زندانی فقط ۱۳ تا ۱۸ نفرشان بنا به دستور وزیر کشور زندانی شده اند .

تران نگوك شو نمایندهٔ خلق هنوز در زندان است . باوجود اینکه دادگاه عالی قضائی حکم محکومیت به ده سال کار اجباری تران نگوك شو نماینده مردم راکه در ٥ مارس ۱۹۷۰ دستگیر شده است لغو کرده . معذلك وی هنوز در زندان بسر میبرد . این دلیلی است آشکار بر خصلت غیر قانونی رژیم جزائی کنونی . نمونه مذکور نمونه ایست کامل . . . معلوم نیست چند نفر دیگر بدون بازجوئی دستگیر شده و اکنون در زندانهای پراکنده ویتنام جنوبی . در مراکز تجدید آموزش سایگون در " قفسهای ببر " در سلولهای کلانتریهای ایالتها . شهرستانها و بخشهای دور افتادهٔ پلیس از شدت ناتوانی و درد درحال از بین رفتن هستند .

رژیم غیر قانونی است زیرا حتی در محافل قضائی که در آنجا مسئولان کوشش دارند قانون را رعایت کنند دستگیریهای غیر قانونی بسیار فراوان است .

سه چهارم از بازجوئی ها و پرونده های ساخته شده بوسیله پلیس بعلت فقدان مدارك باطل شده اند . زیرا هیچ قانونی به مأموران پلیس و سایر مأموران نیروی انتظامی اجازه ورود بمنازل خصوصی افراد برای جمع کردن اسباب و لوازم

خانه و . دستگیری ساکنان و عکس‌برداری رانمیدهد .

غیر قانونی بودن رژیم در شکنجه و بدرفتاری باهم میهنان که بدبختانه بزندان افتاده اند . تظاهر پیدامیکند .

این رژیم جزائی غیر انسانی است زیرا بموجب بند چهارم ماده ۷ قانون اساسی : " هیچکس نباید شکنجه . تهدید یا مجبور باقرار گردد ." حکم ۲۹ آوریل ۱۹۷۰ دادگاه عالی برپایه تنهامدارکی که زیر شکنجه . تهدید . اجبار بدست آمده اند تعقیب دانشجویان رامجاز گردانده است. باچشمان خود دیدهام که بازپرس‌زندانیان راروی نیمکتی بزور خوابانده در دهان و بینی شان آنقدر آب صابون . آب فاضل آب و آب مستراح میریخت که شکمشان بادمیکرد . زندانیانی رادیده ام که دستشان رااز پشت بسته .باطنابهای قلاب داری از سقف آویزان کرده بودند . نام این عمل "آزمایش‌هواپیما" است. هم چنین اشخاص‌برنگ و روباخته . نزار و سرا پاخونینی رادیده ام که زیر بغل افرادی ناتوان تر و خون آلودتر از خود راگرفته از اطاق بازجوئی به سلول یادادگاه میرفته اند . در این بازپرسگاه هااشیاء مشکن سنجاق ته گرد چوب برای نگاه داشتن کاغذ . سیم الکتریکی یك اجاق برقی . شبکهٔ آب برای حمام . هنگام شب به ابزارهای شکنجه تبدیل میشوند . سنجاق رازیر ناخن زندانیهافرو میکنند . بامیله چوبی سر و گردن زندانی رابه باد کتك میگیرند . سیم الکتریکی رابه گوشها . پستانها . آلات تناسلی وصل میکنند . مجازات باشبکهٔ آب از همهٔ شکنجه هابدتر است .بظاهر هیچ دردی ندارد ولی موجب شدیدترین دردهامیکردد . مجرم رادر آب انداخته جلوی تنفسش رامیگیرند . بطوریکه مدام دست و پامیزند و این از همه پر سر و صداتر سیاشدوی راد ر بشکهٔ محبوس کرده منظمابر بدنهٔ آن میکوبند بطوریکه شخص احساس میکند مغزش در حال ترکیدن است. مسئولان بازجوئی و مأمورین انتظامی چنین حوصله ای ندارند . آنهاصحنه های خشن یاروشهائی را دوست دارند که فرصت ورق بازی یامیگساری برایشان باقی بگذارد . آنهاحیله‌های اختراع کرده اند . باین معنی که مجرم رامجبور میکنند صاف در بشکهٔ ایستاده ساعتهاآب قطره قطره بر سرش بریزد . اگر شخص دیوانه نگردد . حتمااین احساس باو دست میدهد که سرش‌خواهد ترکید . برای دادستانی که سرسری این بازداشتگاههارابازرسی کند همه چیز قانونی بنظر میآید . آب تمیز برای استحمام

زند انیان • اجاق برقی برای گرم ن ه ، • باوجود این من آهنگ
مرگبار قطره های آبی راکه از سقف میریخت ریاد های خفقان آلود • ضربلت
بی صدا • صدائیکه شبیه انعکاس انفجا ر د ورد ست بود ولی مربوط بهافتادن
اجساد برکف سیمانی اطاق میشد راش م ...

رژیم غیر انسانی است زیرابا چشمان خود دیده ام در سالنهائیکه اختصاص
به صد نفر داشت • ٦٠٠ نفر راجاداده اند • حایلهاب یگر کافی نیستند بایسد
چند طبقه رویهم درست کنند • تعدادزیادی از زندانیان روی زمین روی طاقچه
های نزدیك سقف که سیم آهنی خاردار و سیم برق ازآن رومیشود • رویهم انبسار
شده اند • مستراحهابسیار بشتر از ظرفیتشان مورد استفاده قرار میگیرنسد و
بهمین دلیل مسدود شده اند • در این فضای متعفن طاعونزندانیان بمزحمت
میخوابند • به محض اینکه چرتشان میگیرد از شدت پشه کرم ساس فریساد
کشمکش مشاجره بر سر رفتن مستراح از خواب می پرند • سالن ٦٠٠ نفری بیش
از یك مستراح ندارد • اگر هرکسی فقط ۳ دقیقه در آن بماند • مجموعاً ۳ ساعت
وقت لازم است در حالیکه شبانروز بیست و چهار ساعت بیشتر نیست • برای نوبت
گرفتن باید شب رانیز بیدار ماند • فقط مجبور کردن مردم بازندگی در چنین شرایطی
غیر انسانی است • چه رسد بهایجاد کمیته های نظامی و بکار بردن " ماهرانه ترین"
شکنجه ها • علاوه بر همه اینهاروز بروز بشتر از قفس‌های ببر بعنوان سلول استفادہ
کرده و وحشیانه ترین شکنجه هارابکار برده و از جیره غذائی میکاهند • این افراد
برای هم میهنانشان از گرگ هم بدترند •

... هر چند رقم صحیح زندانیان در دست نیست ولی قاعدتاباید در ماه
۳۰۰ الی ٤٠٠ نفر روانه زندان شوند • طی بیست سال اخیر ۱ میلیون نفر بااین
رژیم زندانهاسر و کار پیدا کرده اند • هر کس دارای زن • شوهر • والدین • بچه
و خلاصه بطور متوسط دارای ۱۰ نفر نزدیك است • پس در مجموع ده میلیون نفسر
کینه تسکین ناپذیری نسبت باین رژیم کیفری دارند •

نامهٔ هوین تان مام
به کنگره بین المللی مسیحیان دربارهٔ هند وچین که
در اکتبر سال ۱۹۷٤ درکبک (کانادا) برگزار شده است.

زندان شی هوآ ۱٤ سپتامبر ۱۹۷٤

... وجه دیگر این سرکوبی دستگیری دسته جمعی مخالفین روشنفکران دانشجویان و شاگردان مدارس میباشد. هزاران نفر از افراد ساده منجمله زنان کودکان پیران بدون هیچ محاکمه در زندان کن سن و جزایر رکزی ویتنام که هیچ رابطه ای باخارج ندارند. محبوس شده اند. با مخالفین حکومت بیشتر بد رفتاری میکرد. در میان روشنفکران این افراد دیده میشوند مترونگ دین دزو که شغلش وکالت بوده و بااینکه محکومیت ۵ ساله اش بپایان رسیده. هنوز در زندان بسر میبرد. وکلا نگوین لونگ وخانم نگویا تان نماینده نگوك شو استاد تران توآن نام مدتهابدون محاکمه در زندان بسر برده اند. هزاران زندانیان سیاسی که محکومیتشان بپایان رسیده هنوز آزاد نشده اند. ۱۵۳۰ - دانشجو و شاگرد مدرسه که تقریبا همگی نمایندهٔ جوانان مدارس بودند. درسایگون دستگیر شده اند.

اکثر آنها بدون محاکمه زندانی و بمثابهٔ عناصر خطرناك برای حکومت تیو ملاحظه میگردند. در شهرهای هوئه کیان تو دا نانگ صدها نفر دیگر برطبق قانونی که اخیرا بتصویب رسیده است بازداشت شده اند.

افشای شدید شکنجه ها در سال ۱۹۷۰ موجب شد که از شدت آنها اندکی کاسته شود ولی هنوز از بین نرفته اند. در عوض همهٔ دانشجویان و شاگرد مدارس در وهله اول دختران و پسران جوان پس از دستگیری متحمل سخت ترین شکنجه ها شده اند. باخواندن روزنامه هائی که اخیرا منتشر شده میتوانید ایده صحیحی از این شکنجه ها بدست آورید. مسئولان زندانها به زندگی وسلامت اسرا بسیار بی توجه هستند و جیرهٔ غذائی هر زندانی در روز برحسب ٤٠ پیاستر میارزد ($\frac{1}{10}$ دلار) . ۵۰۰ گرم از بدترین نوع برنج (که به خوکها میدهند) . ۱۰۰ گرم سبزی و ماهی فاسد. بدون گوشت و چربی. در زندانهائی

که کارکنان زندان مرتکب میشوند راباحساب اورده ایم . بازندانیان باخشونت رفتار میکردند . شما احتمالاً استانهای داستان قفس‌های ببر در کن سن راشنیده اید .

امضاء هوین تان مام

رئیس اتحادیه ملی دانشجویان

شهادت نگوین لونگ وکیل دادگستری

خلاصه‌ٔ نامه ایکه در ۲۸ دسامبر ۱۹۷۲ از زندان برای پدر شان تین کشیش مسیحی در ویتنام جنوبی فرستاده شده است .

زندانیان سیاسی مرتباً در شی هوآ می‌میرند . مرگشان مانند زندانیان زندان کن سن بر اثر شکنجه های پی در پی یامانند زندان فوکوک بر اثر پرتاب خمپاره نیست . بلکه بخاطر شرایطی است مشابه شرایط ۸٤ زندانی که پس از سالهای طولانی اسارت در قفس‌های ببر در کن سن شکنجه های پی در پی، کمبود وسائل معاش دارو و فقدان معالجه به فلج پاها سل ضعف عمومی، بحران روحی دچار شده و هنوز در سلول ۳-٥٦ باقی هستند . مرگ تدریجی نتیجه سیاستی است که هدفش نابودی روحی و جسمی زندانیان سیاسی بطریق مطمئن است .

از ١٥ نوامبر باینطرف مدیر جدید زندان شی هوآ سرهنگی است بنام نگوین وان و که نامش قفسهای ببر رابیاد میآورد و توسط مطبوعات جهان افشا شده است . اولین کارش پس از ورود به شی هوآ در ده دسامبر حذف گردش روزانه در حیاط و ملاقاتهای هفتگی بستگان است که تا کنون بنا بمقررات مجاز شمرده میشدند . ٢٦ دانشجوی زندانی در اُ ابه‌ای . اب ٤٠١ ا من جمله نگوین تان مام رئیس اتحادیه ملی دانشجویان دست به اعتصاب غذا زده اند . از وضع ٢٢ دانشجوی دیگر نیز بیخبریم .

جیرهٔ غذائی ٨٩٤٥ نفر زندانی سیاسی در کن سن از ٦٠٠ گرم (چند ماه پیش) به ٤٥٠ گرم تقلیل یافته است . نمک مثل همیشه ناکافی است . در این چند ماه اخیر سبزی . گوشت و حتی ماهی فاسد نیز نداده اند .

علی رغم افشاگری های بین المللی ، قفس‌های ببر جدید کاملتری در اردوگاه شماره ۸ ... ته شده و ۳۰۰ الی ۴۰۰ زندانی در خود جامیدهد . تکاملشان در ... که ، کم ارتفاعتر و کم هواتر بوده و در تاریکی کامل فرو رفته اند .

موارد بسیاری برای از بین بردن زندانیان وجود دارد . ۱۵ مه ۱۹۷۱ — انبار ... بنسام مسوآ ا بدستور مدیر جدید بطری و باطوم در اختیار صدها شکنجه گر گذاشت . ۵۰ زندانی سیاسی بشدت مجروح شدند (۲۷ مورد شکستگی استخوان من جمله شکستگی استخوان جمجمه) . در بهداری اردوگاه از آنها عکسبرداری شده است .

در سپتامبر ۱۹۷۱ در جریان یک حمله به اردوگاه شماره ٦ دو زندانی سیاسی توسط یک کمک شکنجه گر باباطوم بشدت کتک خوردند . یکی از آنها بنام فسام کسان مرد . در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۲ زندانیان اطاق ۱۱ اردوگاه شماره ٦ بمناسبت انتقالشان باردوگاه شماره ۵ بباد کتک گرفته شده ودونفرشان بشدت مجروح گشته اند .

در اوت ۱۹۷۲ دانشجوئی بنام نگوین ویت هونگ برادر دکتر تریت که خود شردر زندان کن سن بسر میبرد و ۲٦ زندانی دیگر قفس‌های گساو مردند . نام قاتلان آنها از این قرار است . تسوفوک و بادانگ از گروه " متخصصان . "

در ۲ سپتامبر ۱۹۷۲ در اردوگاه شماره ٦ (که متعلق بکسانی است که مجازاتشان تمام شده ، ولی آزاد نشده اند) یک زندانی در اثر بیماری مسری مرد . سایر زندانیان سیاسی جسد شررانگاه داشته در خواست آزادی خود غذاودارو ی بهتری رانمودند . سپس به اعتصاب غذا دست زدند . ۱٦ روز بعد ۵۰۰ نفرشان که بحال اغما افتاده بودند به سلولهای دیگر منتقل شدند . بسیاری از آنها " ناپدید شدند " .

در ۲ ژوئن ۱۹۷۲ بیش از هزار نفر از زندانیان زندانهای تان هیب، تو دوک شی هوآ که بیش از ۵۰۰ نفرشان زن بودند به زندان کن سن تبعید شدند و بساباطوم و نارنجک های اشک آور از آنها پذیرائی شد . سرنوشت ۳۰ نفر از آنها که اکنون در اردوگاه شماره ٤ کن سن زندانی بوده و به بیماری اسهال

دچار شده اند چه خواهد شد . این مطلب توسط هو نگوک نـوآن افشا شده است .

در فهرست اشخاص غایب نام نگوین دونـگ هـا بـرادر جوان خانم نگوین تی بین وزیر امور خارجه حکومت انقلابی موقت بچشم میخورد . پس از اینکه محکومیت سه ساله او بپایان رسید (آنهم بخاطر یك اتهام بی اساس) او قبول نکرد اسنادی راکه تهمت و افترابه خواهرش بود ولی موجب " سهولت آزاد یش " میشد امضاء کند . او به کن سن تبعید شد و اسمش درفهرست اشخاص غایب جاگرفت . زنش که حامله بود نیز دستگیر به ه سال زندان در تودوك محکوم شد . او در زندان وضع حمل کرده است .

... پلیس های نظامی لغلب گوش و انگشت زندانیان را با چاقوی خاصی می برند ما با چشمان خود بسیاری از این موارد راد یده ایم .

در سال ۱۹۷۱ ۱٤۷ زندانی در جریان ۱۳ بار سرکوبی اردوگاه فودوك کشته شده اند .

۱۲۵ زندانی بعلت فقدان معالجات طبی بین اول ژانویه ۱۹۷۱ و مه ۱۹۷۲ مرده اند . بخاطر فقدان معالجات بطور کلی تران وان ترونگ در ژوئیه ۱۹۷۱ نگوین وان کن و نگوین وان کسوان در مارس ۱۹۷۲ در قسمت س۳ دونگ وان جیا در قسمت آ ۲ در مه ۱۹۷۲ درگذشته اند . در ۱۳ مه ۱۹۷۲ لی هونگ سن پس از اینکه ستوان کاش معاون قسمت آ ٤ ۱۳ میخ در سر . پشت نشیمن گاه . دست . پا . شانه ها و شقیقه وی فروکرد . درگذشت .

در ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۱ دستورات ویژه فرمانده اردوگاه به پلیس نظامی اجازه داده است که بدون اطلاع قبلی بر روی زندانیان شلیك کنند . بسیاری هنگام رفتن به مستراح با شلیك گلوله از پادرآمده اند .

در ۳ مارس ۱۹۷۲ در قسمت س ۹ ۲ کشته و ۹ زخمی وجود داشت . در ۱٤ فوریه ۱۹۷۲ در قسمت آ ۷ ۱۰ کشته و ۱٤ زخمی در ۸ مه در قسمت ب ۸ پلیس نظامی با چهار مسلسل بسوی زندانیان شلیك کردند که در نتیجه ۱۳ نفر

۴ ... روح شده اند . در ۲۱ ژوئن ستوان فرمانده بخش (۲) ڈ
نو ... بنی ر جروح کرد . در ۱۲ سپتامبر اکثر زندانیان اردوگاه قربانی
مسموم شد ند . نتیجه موج سرکوبی در قسمت س ۷ ۲۰۰ کشته و مجروح
بوده است . چند ... ن زندانی با دریدن شکم خویش . خودکشی کرده اند .

اخبـــاری از ویتنـــام
(۱ مـارس ۱۹۷۳ کانـادا)

... ایکه توسط کمیسیون برای بهبـود وضع زنـدانهـا در
... نام ج... ـسی برای سناتورها . نمایندگان و رهبران مذهبی فرستاده
شـــده اســـــت .

موضوع . سرکوب زندانیان سیاسی

۹ دسامبـــر ۱۹۷۲

پس از قطع اخباری که از طریق نامه های زندانیان . اظهارات خویشـاندو
نزدیکان زندانیان سیاسی بدست میـرسیـد و نیـز از طریق وقایعی که توسط آن
عده از اعضای حکومت که وجدانشان اجازه همدستی و ارتکاب جـرم علیه خـلـق را
نمیداد . افشامیشد . ما اعضای این کمیسیون بفوریت از شمامیخواهیم که علیـــه
آزار و کشتن اسیران زندانهای ویتنام جنوبی . اقدام نمائیـد .

کمیسیون ما از ۷ ژوئیه پس از افشای وجود قفس‌های ببر زندان پو لو کند ر
و تـــأثـر افـکار عمومی بخاطـر بدرفتاری بازندانیان . همیشه امیدوار بود که
اعضای رژیم سایگون رابببیند و از آنهـا بخواهد که دست از آزار و اذیت بردارد .
متأسفانه آنچه که از آن ببعد اتفاق افتاده . آخرین روزنه امیـد رابرای کسانیکه
هنوز فکر میـکردند حکومت قادر به بهبود وضع زندانهایش میباشـد بسته است .

علیرغم تنفـر و بیزاری افکار عمومی ویتنام و جهـان دستگاه اداری سایگون
بهمدستی حکومت آمریکا بهیچ وجه سعی ندارد که اشتباهات خود راتصحیح سیستـم
جزائی رابهبود و به دستگیری های دلبخواهی و شکنجه های خشن پایان دهد و هر
روز بیشتر بر سیاست سرکوب خود میافزاید . صدها هزار زندانی ناراحتی و دردهـای
روز افزونی راتحمل میکنـد و هر روزه هزاران نفر از مردان سیاسی بطور دلبخـواه

دستگیر میشوند . بعلاوه شکنجه در زندانهااز هر موقع دیگر ماهرانه تر و دقیق‌تر شده است . اخیراحکومت ویتنام جنوبی مرتکب بزرگترین جنایات شده و این عمل منجر به حذف زندانیان سیاسی و برانگیخته شدن افکار عمومی گشته است .

۱ــ کشتن زندانیان توسط اشاعه بیماریهای مسری

طی ماههای اخیر مسئولان زندانها زندانیانی راکه مبتلابه امراض سل اسهال خونی و کزاز بوده اند . باسایر زندانیان در یك جاحبس کرده انـد . اشخاص اخیر بعلت ضعف ناشی از کمبود موادغذائی و زندگی در شرایط سخت . بسهولت دچار این بیماریهای مسری میگردند .

۲ــ انتقال زندانیان سیاسی به زندانهای مخفی ایالتی

اخیراحکومت برای خفه کردن جنبش اعتراض در زندانهاو پنهان کردن زندانیان سیاسی پس از امضای قرارداد متارکه جنگ بدون اطلاع به خانواده های این زندانیان . تعداد بسیار زیادی از آنهارابه بازداشتگاههای گمنام و مخفی ایالتی و یابجاهای ناشناس منتقل کرده است .

۳ــ جابجا کردن بی وقفه زندانیان

مسئولان زندان مداومازندانیان راجابجامیکنند بویژه کسانیکه در جنبشهای اعتراض فعالانه شرکت دارند رابسلولهای انفرادی میاندازند .نتیجه اینکه والدین زندانیان ردپاو نشان فرزندان خویش راگم میکنند .

٤ــ شکنجه مجدد زندانیان ببهان کامل کردن پرونده

حتی آن عده از زندانیانی که مدتهادر زندان بسر برده اند راهمراکزبازجوئی فرستاده ببهانه اینکه پلیس در مورد آنهااحتیاج به اطلاعات تکمیلی دارد .مجددا تحت شکنجه قرار میدهند . باین دلیل است که بسیاری از دانشجویان و رهبران مخالفین دوباره شکنجه میشوند .

٥ــ کشتن زندانیان سیاسی توسط زندانیان عادی

مسئولان زندان زندانیان سیاسی راباجانیان و زندانیان عادی یك جا

س کرده . این اشخاص جانی را تحریک به آزار و گاه کشتن زندانیان سیاسی نمایند .

۶ـ فرستادن زندانیان آزاد شده به میدانهای جنگ

دستگاه اداری تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد کرده . علیرغم میل بدون اطلاع خانواده هایشان آنها را به میدانهای جنگ میفرستد .

۷ـ کاهش جیره غذائی

از ژانویه ۱۹۷۲ ببعد جیره روزانه برنج زندانی از ۷۰۰ گرم به ۵۰۰ گرم یده . بسیاری از مواد ضروری حذف شده اند . همه جنبشهای اعتراض برای بود غذا . توسط مسئولان زندان سرکوب میشوند . آنها با باطوم زندانیان را کتک . همه پنجره ها را برای جلوگیری از تهویه سلولها بسته . سپس آهک زنده شید ه . گازهای اشک آور و مهوع نیز بکار برده و گردانندگان جنبش اعتراض را به سود می برند .

۸ـ فرستادن مجدد زنان زندانی به جزیره کن سن

در سال ۱۹۷۰ . حکومت در برابر اظهار تنفر افکار عمومی مجبور شده بزنان زندانی را از جزیره کن سن به زندانهای دیگر منتقل کند . در ۲ ژوئن ۱۹۷ آنها و حتی ناقص العضوها و بیماران را دوباره به کن سن فرستاد .

۹ـ ادامه در استفاده از گاردها و کارکنان مراکز بازجوئی که جنایاتشان افشا ده است .

گاردهای زندانها و کارکنان مراکز بازجوئی که جنایاتشان نسبت به زندانیان شاشده است (امریکه در سال ۱۹۷۰ ترسط حکومت مورد قبول واقع شد) . نوز در دستگاه اداری مشغول بکار هستند . از جمله نمونه آن سرهنگ نگوین وان وکـــه مدیر زندان کن سن بود . وقتی وحشی گری های وی افشا شت . از نوامبر ۱۹۷۲ به ریاست زندان شی هوآ برگزیده شد .

۱۰ـ ایجاد شورش ساختگی برای کشتن دسته جمعی زندانیان

این امر چندین بار بویژه در زندانهای شی هوآ و فوکوک در اکتبر و نوامبر ۱۹۷۲ رخ داده است .

۱۱ــ دستگیری منظم بی گناهان

پس از انتشار قانون حکومت نظامی در آوریل ۱۹۷۲ همه ٔ مخالفین استعمار فرانسه رهبران شناخته ٔ شده ٔ مخالفین و نیز بستگان نزدیك کسانیکه بخاطر اعتراض بانتخابات قلابی ریاست جمهوری اکتبر ۱۹۷۱ از میان برداشته شده بودند . جزء اشخاصی هستند که باید دستگیر شوند .

در این مورد بزرگترین اجحاف در مرکز ویتنام نسبت به زنان حامله پیران بیش از شصت سال و کودکان کمتر از ده سال روا داشته اند . باین معنی که آنها را دستگیر و بسوی زندان کن سن روانه کرده اند .

خانم ها و آقایان .

قاعدتا میبایست پس از سالها مبارزه ٔ بی امان اکنون از برقراری صلح خوشحال باشیم . اگر بجای اینکه خبرهای خوب بشما دهیم شما را از وضع بسیار بد هزاران اسیر سیاسی در ویتنام جنوبی مطلع میکنیم مطمئن باشید که این کار را با اندوه بسیار انجام میدهیم .

ما مجبوریم بصدای بلند اعلام کنیم که بسیاری از زندانیان سیاسی تاکنون در زندان مرده اند و کسانیکه باقی مانده اند . تنها بخاطر تقاضای استقرار صلح و استقلال کشورشان متحمل سخت ترین دردها و رنجها شده اند .

کمیسیون برای بهبود وضع زندانهای ویتنام جنوبی

تیو و موافقت نامه پاریس

دستگیریهای سیاسی قبل و بعد از آتش بس ، زیاد شده اند رفتار با اسرا
بدتر شده و از هیچ کاری برای تقلب در فهرست نام زندانیان آزاد نکردن کسانیکه
خطرناک " تشخیص داده شده و یا از بین بردن مخفیانه " آنها فروگذار نشده
است .

... وقتی اجرای آتش بس قریب الوقوع بنظر آمد بویژه در دوره " پس از اعلام
پیروزه " موافقت نامه در اکبر تعداد دستگیریها بسرعت قوس صعودی می پیمود
سوا نگ دوك نهـا بـراد رزاده تیو و نزدیکترین
مشاورش در ۸ نوامبر ۱۹۷۲ آشکار کرد که حکومت تیو از ۳۱ اکبر ۱۹۷۲ ۵۰۰۰۰
نفر از " غیر نظامیان و کادرهای نظامی کمونیستها " را دستگیر و کشته است .

گـزارش آمریکائی ۲۶ فوریه ۱۹۷۳

نگوین وان تیو مطابق با سیاست بسیار جدیش در مورد کنترل جمعیت اخیرا
حزب " دموکرات " را تأسیس کرد . مردم و در وهله اول دهقانان را مجبور میکنند
در آن عضو شوند .

در حال حاضر این حزب به قراء و قصبات یک کارمند و یك مأمور پلیس
نظامی میفرستند تا از هر خانواده " دیدن کرده " و آنها را دعوت بعضویت در
حزب نماید . نپذیرفتن عضویت حزب بمعنای " طرفداری از کمونیستها است " .

کارت عضویت در حزب که برای رفت و آمد در سراسر کشور ضروری است و در
حال حاضر اهمیتی بیش از کارت هویت پیدا کرده است .

به همین خاطر دستگیریهای جدیدی صورت گرفته اند و اوضاع وخیم تر میشود

عالیجناب نگوین دین تی

کنفرانس مطبوعاتی ــ پاریس

۲۱ مارس ۱۹۷۳

بنابه گزارشاتی که مخفیانه از بازداشتگاههای سایگون بخارج نفوذ کرده ودر دیلیج نیوز سرویس منتشر شده است . بسیاری اززندانیان سیاسی رااز نظر پنهان داشتنشان به زندانهای دیگر منتقل کرده اند ودربعضی موارد مسئولان زندانها زندانیان عادی راتحریک کرده اند تاباآزار و اذیت زندانیان سیاسی بپردازند وگاه آنهارابکشند . جرج مک آر تور در لوس آنجلس تایمز آشکار کرد که منابع رسمی آمریکائی بما واظهار داشته اند که در صورتیکه قرار داد های آتش‌بس‌ساهانوی بانجام برسند " تیو دستور میدهد زهزاران نفر رادستگیر و بی اثر کنند . اصطلاح " بی اثر " معنای وسیعی در بر دارد که میتواند اعدام مخفیانه در یک دوره" کوتاه اسارت باشد " .

واشنگتن پست در ۱۸ ژانویه خبر میداد . " تیو به رو" سای ایالات اجازه داده که در صورت آتش‌بس‌آینده اقدام به دستگیری های سیاسی نمایند و هم چنین آنهارامجاز کرده اند که " عاملان اغتشاش‌راجابجاتیرباران کنند " . این روزنامه اضافه میکرد که . " افراد دستگیر شده متهم به ارتکاب جرائم عادی هستند و نه جرائم سیاسی " بنوعی که در زمره" زندانیان سیاسی که آزادیشان در قرارداد ذکر شده است قرار نمیگیرند . تیو برای اقدام به دستگیریهای جدید تعداد کوتی پلیس رااز ۱۲۲۰۰۰ نفر به ۳۰۰۰۰۰ نفر افزایش‌داده است . (لوموند ۳ سپتامبر ۱۹۷۲) "

. . . تیو مخفی نمیکند که برنامه اش‌جلوگیری از آزادی زندانیان سیاسی است . از نظر او این دسته از زندانیان یک تهدید سیاسی برای حکومت او بشمار میروند و بهتر استآنهارادر زندانهانگاه دارند "چه نوع صلح " ـ مرکز اسناد هند و چین صص ۲۴ ــ ۲۳

او (۱) رادر ریاستزندان شی هوآ بازمی‌یابیم . دراینجا وی دست بیک‌کار برنامه ای ودقیق میزند . کاریکه ماهیتش‌بسیار زنده و کاملابرایمان روشن شد . در ۱۰ دسامبر ۱۹۷۲ به صد نفر کماندوی پلیس‌که مسلح بسپرهائی

۳ــ سرهنگ و رئیس‌قبلی زندان کن سن .

از چوب بامبو . کلاه جلیقه های ضد گلوله هفت تیر تفنگ های نارنجک انداز و باطوم بودند دستور داد که وارد سلولهای زندانیان سیاسی شوند . در هر کدام از این سلولها تقریبا ۸۰ یا ۱۰۰ زندانی وجود دارد که در سخترین شرایط زندگی میکنند . هدف این کار تقسیم کردن هر سلول به چند گروه کوچک است . زندانیان ماههای زیادی بود که باهم در این سلولها بسر میبردند . همدیگر را میشناختند و میتوانستند از دهکده ها و خانواده هایشان صحبت کنند همه از نام هم باخبر بودند ـ این وضع مغایر با نیات سرهنگ و بود . پس میبایست برای پراکنده کردن زندانیان، آنها را دوباره تقسیم کنند و نوعی لغتشاش ظاهری ترتیب دهند تا براحتی زندانی را سر به نیست کنند . انتقال بسیاری از زندانیان در هنگام شب انجام میگیرد و در جریان آن زندانیان از بین میروند بدون اینکه سایرین با خبر شوند . افراد سیاسی و دانشجویان در سلولهای طبقه هم کف همراه کادر های جبهه ملی آزادی بخش که بر چسب کمونیست (ویت کنگ) خورده اند زندگی میکنند ندانیان سیاسی بازندانیان عادی باهم مخلوط شده اند . چند روز بعد وقتی معلوم شد که فیشهای سیاسی به فیشهای عادی تبدیل شده است همه چیز روشن شد .. (تکیه از ناشران است) . این امر تازه ای نبود . و در سال ۱۹۵٤ هنگام قرارداد های ژنو نیز بوقوع پیوسته بود . علت این امر چه بود ؟ فقط بخاطر اینکه آزادی زندانیان عادی پس از امضای موافقت نامه مطرح نبود . (تکیه از ناشران است)

کلنل و ملاقات خانواده های زندانیان را در شی هوا ممنوع میکند و باین ترتیب آنها را در پای شوهر . برادر . پدر و پسر خود راگم میکنند . اعلام میکنند که زندانیان سیاسی را که یکی دو سال است مدت محکومیتشان بپایان رسیده است آزاد خواهند کرد . آنها پس از خداحافظی ما را ترک میکنند چند روز بعد کسی از زندانهای تان هیب و تودوک باین زندان بر میگردد و در این موقع می فهمیم که فلان زندانی که فکر میکرد یم آزاد شده ، بآنجا فرستاده اند . آزادی معنی دیگری جز انتقال از زندانی به زندان دیگر ندارد بعنوان مثال مورد نگوین دونگ ها برادر کوچک بین وزیر امور خارجه حکومت انقلابی موقت چنین بوده است . در ویتنام جنوبی برادر خانم بین بودن موجب دردسر است . چنین شخصی همیشه تحت مراقبت

است بهمین دلیل او نمی‌توانست هیچ فعالیتی داشته باشد . مسئولان امور در سایگون به همین دلیل نتوانسته بودند مدارکی علیه او پیدا کنند . پس میبایست از او بعنوان گروگان علیه فعالیتهای خانم بـــیـــن استفاده کنند . معـذلـک او فقط به سه سال زندان محکوم شد . سپس از پایان مدت محکومیت از او خواستند نوشته هائی پر از افترا و تهمت نسبت به خواهرش را امضاء کند . او حتی میبایست این اتهامات را در تلویزیون نیز تکرار کند . وی باین کار دست نزد . او را به شی هوا فـــرستـــادند . در اینجـا او را ملاقات کردیم . وی سپس به پـــولـــو کـنـــدر تبعید شد و از آن ببعد نمیدانیم چه برسرش آمده است .

بهمین گونه است مورد زن آقای نـــگـویـــن د ا ن هــــا او در اداره پلیس وضع حمل کرده است . باتهدید به گرفتن بچه اش از او خواستند همان کاغذ ها را امضاء کند . او قبول نکرده است. چند روز بعد فرزندش را از او گرفتند . این "کار" سرهنگ ... مربوط به دوره ای میشد که شایعات مربوط به یک آتش بس احتمالی از پایان اکتبر ۱۹۷۲ قـــوت گرفته بود . (تکیه از ناشران است) . بسیار آســـــان میشود حدس زد که چرا زندانیان را باهم مخلوط میکنند و هرگونه اثر و نشـــان آنها را از بین میبرند . چنین کاری معنایش از بین بردن زندانیان سیاسی ویتنام جنوبی است . (تکیه از ناشران است) .

آنــــــا کجـــا هستنـد ؟

در ۲۰ دسامبر ... و ... چهل کودکی را که طی ماهها ... شناختهبودیم به "مرکز تبعید آموزش" : دات لا تبعید میکنـد . در میان آنها سه دختر بچـــه نیز وجود داشت . و نیز پسر جوانی بنام ســـو او از ۱۰ دسامبر ببعد هرشـب فریاد میزد و میخواست که به زیر نور آفتاب برود . از ۲۰ دسامبر ببعد دیگر صد ای ســـو این طفل کوچک را نشنیده ایم . از رژیم تیو سئوال میکنیم ســـو کجاست ؟ چه بر سر بچه ها آمده است .

در ۱۰ دسامبر ۱۶ دانشجو که بسیاری شان مسیحی بودند . دست بـــه اعتصاب غذا زده اند . آنها میخواستند اجازه استفاده از آفتاب و ملاقات باخانواده هایشان را داشته باشند . در روز ۲۶ دسامبر دیدیم که آنها را روی برانکـــار

گذاشته به بیرون میبرد ند . آنها با آخرین کشتی به مقصد قفس های ببر پولوکند ر میرفتند . هم چنین دیدیم که ۵۳ زندانی سلول اج ۳ از بخش فج که باصطلاح برای مداوا از پولوکند ر به بهداری زندان شی هوا لجه آورده بودند . در این بهداری بعلت فقدان بود جه نه دارو بود و نه امکان معا ولی ما قبلا گفتیم که چهار صد هزار دلار امریکائی خرج ساختمان قفس های ببرتازه در اردوگاههای شماره ۷ و ۸ پولوکند ر شده بود . درحال حاضر یک کمپانی آمریکائی در سایگون بنام ر.م.ک مشغول پایان ساختمان این قفسهای ببر است ! در ۲۶ دسامبر دیدیم که این زندانیان دوباره به پولوکند ر برمیگردند . آنها دچار بیماریهای فلج ، آسم جذام و سل بوده . اکثرشان در وضعی بسیار بد تر از هنگام ورود آنجا را ترک کردند . نام و چهره این زندانیان را میشناختیم و ماهها حتی یکسال با آنها بسر برده بودیم و میدانستیم که بردن این زندانیان معادل محکومیت به مرگ است . و میدانیم که دیگر آنها را نخواهیم دید . هویت نشان مام هنگام حرکت بما گفت . "آندره . ژان پییر باید کاری کنید که شانزده دانشجو برگردند . باید کاری کنید که همه افراد تبعید شده دوباره برگردند . در مورد خودمان . میدانیم که رفتنی هستیم . "

چرا؟ چراچنین برنامه هائی برای تصفیه افراد ؟ چراچنین تصفیه ای شروع میشد ؟ مسلم استکه رژیم تیو در نظر دارد که از نظر سیاسی پس از اجرای آتش بس به حیات خود ادامه دهد . پس باید دست به نابودی همه این افرادی بزند که در زندانها بسر برده و قادر به تحریف آنچه که دیده اند هستند (تکیه از ناشران است)

ژ.پ دبری و آ.منرا رک به اثر ذکرشده
صص ۲۰۷ ـ ۲۱۱

نامهٔ ۱۲۴ زندانی علیلی که از کن دائو
به شی هوآ منتقل شده اند

ـ به کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت (گرو
بین هوآ)

ـ به کمیسیون نظامی مختلط چهار جانبه (کمیسیون فرعی زندانیان)

آقایان

ما میهن پرستان مبارز یکه خواستار صلح ، استقلال ، بیطرفی ، دموکراسی
خود مختاری و وحدت مجدد ویتنام هستیم ، سالهاست که در زندانهای ویتنام
جنوبی بازداشت ، شکنجه ، اسیر و محکوم به زندگی در نفرت انگیز ترین شرایط
شده ایم .

بویژه در زندان کن دائو بسیاری از ما مرده و زندگان مانند ۱۲۴ امضا
کننده این نامه . علیل . ناقص و یا مبتلا به بیماریهای شدید قلبی کبدی معدی
سل وغیره شده اند . بعلاوه که مداوما متحمل بدترین رفتارها در "قفس های گاو"
شده ایم .

در بعد از ظهر ۱۶ فوریه ۱۹۷۳ . ما را از این "قفس های ببر" جدید
اردوگاه شماره ۷ کن سن درآورده . به ساختمانهای مرکز اصلی پلیس ملی منطقه
بـ ـس عـوآ منتقل کرده اند . در آنجا ما را مخفیانه بصورت گروههای
۳ یا ۵ نفری در ایالات بیـن هـوآ فـوك توی لـونـگ آن هونگی
رهـا کرده انـد . . . بدون اینکه هیچ وسیله ای بما بدهند تا بتوانیم بـه
زادگاه خویش برگردیم . مسئولان امور بما اجازه ندادند که بخصوص به سایگون
شولـن و جیا دین برگردیم .

در حال حاضر ، علیرغم باصطلاح آزادیمان . هیچ تضمینی برای ادامهٔ
زندگی نداریم و مرتبا بخاطر اقدامات باصطلاح امنیتی از جانب مسئولان سایگون
تهدید میشویم . ما در آرزوی دیدار خانواده هایمان پس از ۱۷ یا ۱۸ سال
دوری هستیم ولی مجبوریم با این بدن علیل و مریض همچنان روزها و شبها دور از آنان
بسر بریم .

ماکه آنچنان شیفتهٔ صلح استقلال و آزادی بوده ایم و هستیم بسیار خوشحالیم از اینکه دوباره در کشور عزیزمان صلح برقرار شده است. ماباخوشحالی تمام از موافقت نامهٔ ۲۷ ژانویهٔ ۱۹۷۳ پاریس و نیز اقداماتی که هدفشان تحقق صلح و همبستگی ملی در ویتنام جنوبی است حسن استقبال میکنیم. هم چنین از حضور کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت از ویتنام و هند وچین پشتیبانی میکنیم. آماده ایم که گذشته راناد یده گرفته و از همه اشخاص واحد ها وسازمانهائی که در جهت موافقت نامه پاریس از صلح دفاع میکنند پشتیبانی نمائیم. بخاطر بد رفتاریهای بی حد و سختی که هنوز باصد ها هزار اسیر در ویتنام جنوبی میشود. این نامه راباامید جلب توجه شمابه تقاضای قانونی و ضروریمان میفرستیم:

۱ــ رفتن اعضاء کمیسیون بین المللی و نظارت و مراقبت وکمیسیون نظامی مختلط چهار جانبه به ایالات ذکر شده برای تحقیق و میانجی گری نزد مسئول سایگون برای اینکه مانع بازگشتمان به زادگاه و نزدخانواده هایمان نشوند و نیز وسائلی در اختیارمان بگذارند که معالجه کنیم و هم چنین زندگیمان راتضمین کنند.

۲ــ میانجی گری بنزد مسئولان سایگون برای اینکه به همهٔ بد رفتاریها پایان داده و فوراشرایط زندگیمان رابهبود بخشند و بویژه در وهله اول بآنهابرنج کافی مواد غذائی مقوی داده و بنابه موافقت نامهٔ پاریس آنهارا به (حکومت انقلابی موقت) واگذار نمایند.

۳ــ بمااجازه دهند تاباعضای دوکمیسیون در یک مکان معین در ایالت بین هوآ ملاقات کرده. بتوانیم مفصلادر مورد کارهائی که بمامربوط میشود باآنهاصحبت کنیم.

امیدواریم که بنام دوکمیسیون و بااعتقاد به آرمان صلح استقلال و آزادی خلق ویتنام از همه امکانات و صمیمیت تان برای وساطت موثر در نزد مسئولان سایگون استفاده کنید تاتقاضاهای ماهرچه سریعتر بی تأخیر بر آورده شوند.

نامهٔ ۱۲۴ زندانی طیلی که در ۱٦ فوریه از زندان کن سن به بین هوآ منتقل شده اند.

نـــامـــهٔ ۸۰۰۰ زندانی سـیاسـی د ر کـن سـن

بـه کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلط چهارجانبه

آقــایــان

ما ۸۰۰۰ زندانی زندان کن د ا ئو(نظامی وغیر نظامی) بسیار خوشوقتیم که میتوانیم توسط نامهٔ افشاگرانهٔ حاضر د ر مورد واقعیت خشنی که د ر اینجـــا جریان د اشته و هنوز جریان د ارد . فوری ترین کمکها را بخواهیم . مشاهد ه میشود که د ستگاه اد اری سایگون و حکومت ایالات متحد ه نه تنها مفاد قرار د اد پایان جنگ و استقرار صلح و پروتکل مربوط به آزاد ی کارکنان نظامی وغیر نظامی زند انی راکـــه خود امضاء کرد ه اند رعایت نمیکننـد بلکه رفتارشان نسبت به سابق خشن ترنــیز شد ه است .

۱ــ پس از امضای قرار د اد نه تنها ما را از محتوای آن خبر نکرد ه اند . بلکـه بر عکس وقتی از صلح صحبت کرد ه ایم ما راد ستگیر و بطرز وحشیانه ای شکنجه و کتـك زد ه اند . د ر ٦ فوریه ۱۹۷۳ قریب به ۲۰۰ زند انی سیاسی به کمیسیون امنیـــت منتقل شد ه . بطرز وحشیانه ای شکنجه و شب و روز با زنجیرهای آهنی بسته شد ماند بسیاری از آنها مجروح و وضع سه نفرشان بسیار وخیم است : هـــووآ وان هوآ ش، نگوین وان توآن نگوین وان بن

۲ــ مسئولان امور د ر سایگون سعی میکنند که نه تنها جلوی هر گونه خبری ر ا بگیرند بلکه محتوی قرار د اد را تحریف کرد ه و نیز نفاق میان زند انیان می افکننـــد و برای اینکه بهتر آنها را تحت فشار قرار د هند . با زند انیان غیر سیاسی د ر یـــك جاقرار مید هند .

وحشیانه تر اینکه آنها " متخصصان " و کاپوها (زند انیان عاد ی) را بـــرای تحریك و بد ست د اد ن بهانه هائی برای سرکوب و کشتار میفرستند . د ر اولیـــن روزهـــای بهار کـــی ســـو باپستی و وحشیگری هر چه تمامتر د ستور د اد کـــه همه پنجره های سلولها را ببندند و بجای هر گونه غذائی ماهی خشك و آب شـــور گند ید ه بد هند . د ر ارد وگاه شماره ۸ بجای " هد یـه عید تـــت " د ر هـــر اطاق د سطل مد فوع ریختند . د ر ارد وگاه شماره ۱ همه د رها و پنجره ها را بستند و پلیس ضربت و کاپوها با باطوم بسیاری از زند انیان را وحشیانه کتك زد ند . د رارد وگاه

شماره ٤ (مخصوص زنان) بیش از ۷۰۰ نفر به سرویس ایالتی امنیت فرستاده شدند.
در آنجا آنها را بشدت مضروب ساخته بازور اثر انگشتان و عکس آنها را گرفتند عکسها
برای چسباندن روی گواهینامه وابستگی بود . آنها می بایست اثر انگشت و امضای
خود را پائین سه کپی بگذارند . بعلاوه روی گواهینامه ها نام و شماره زندانیان
نوشته نشده و جاهای بسیاری خالی بود برای اینکه مسئولان زندان بتوانند آن جاها
را پیش از امضای قرارداد پاریس بعنوان تعهد به "پیوستن" به حکومت پر کنند .
بسیاری از آنها بخاطر این بدرفتاریها مریض شدند با اینحال شب و روز آنها را
در سلولهای تنگی بدون دارو محبوس کرده بودند .

بطور خلاصه زندگی و شرایط زندگی زندانیان همه اردوگاهها بشدت وخیم است

۳ــ در این روزهای آخر از ۱۲ فوریه ۱۹۷۳ ببعد . حکومت سایگون
بزور قریب ۳۰۰ نفر پیر علیل و زن را سوار هواپیما کرده به مقاصد نامعلوم فرستاده
است . آنها قبلا با جبار پائین یک گواهی آزادی را امضاء کرده بودند . در حال حاضر
از سرنوشت آنها هیچ اطلاعی در دست نیست . چنین اموری پیوسته اتفاق میافتد .
ولی ما قبول نکرده ایم که بدون حضور نمایندگان کمیسیون بین المللی نظارت ومراقبت
و کمیسیون نظامی مختلط چهار جانبه سوار هواپیما شویم . مسئولان زندان ما
را تهدید به تنبیه و پرتاب نارنجک کرده اند .

٤ــ در ۱٦ فوریه ۱۹۷۳ حکومت سایگون بیش از ٤٠٠ زندانی سیاسی
با صطلاح آزاد شده را از ــــــــــــــــتران به کن سن آورده است

اعمال ذکر شده فقط بخش کوچکی از توطئه و جنایات حکومتهای سایگون و
ایالات متحده را تشکیل میدهند . چون ما در انزوای کامل و در یک وضع زندانی
بینهایت سخت بسر میبریم از آن توطئه ها و جنایاتی باخبر میشویم که فقط علیه
خودمان صورت میگیرد .

دستگاه اداری سایگون با این اعمال خشن وغیر انسانی علیه تعهدات قید
شده در موافقت نامه پاریس عمل میکند . ما زندانیان کن داٌ ئو با نیروی
هر چه تمامتر اخلال در قرارداد پاریس واین جنایات را برای کمیسیون بین المللی
نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلط چهار جانبه و در برابر افکار ملی و جهانی
افشا میکنیم .

ما باتاکید بسیار از این کمیسیونها میخواهیم که نمایندگانشان رانزد ما بفرستد . مادیر نشده جلوی دستان خون آلود دستگاه اداری سایگون وحکومت ایالات متحده راگرفته . زندگی ما رانجات دهند .

کن دائو ۲فوریه ۱۹۷۳
مجموعه زندانیان کن‌دائو

بیانیه بـــرای آزادی زندانیان سیاســـی

مـا ، سازمانها و شخصیت های امضاء کننده خاطر نشان میکنیم که .

۱ـ موافقت نامهٔ پایان جنگ و استقرار صلح که در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ در پاریس بامضاء رسیده از جانب خلق ویتنام و سایر خلقهای جهان مورد تحسین واقع گشته اســت .

۲ـ چنانچه طرفین قرارداد بطور جدی بآن عمل کنند میتواند پایه ای برای پایان جنگ و برقراری صلح باشد .

۳ـ پس از سالها جنگ خونین آشتی مجدد ملی و از بین رفتن کینه هـا در ویتنام ضروری بوده و از مهمترین امور است .

٤ـ آشتی مجدد و هم بستگی ملی کاملاً ممکن نخواهد شد مگر وقتیکه همه امضاء کنندگان موافقت نامه در اولین فرصت همه غیر نظامیانی که بخاطر مبارزه بـرای صلح و عدالت دستگیر و زندانی شده اند . فوراو واقعامطابق باروح مواد ۸ (ب) ۱۱ و ۱۷ (آ) موافقت نامه آزاد کنند .

در نتیجـه مـامیخواهیـم کـه

کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت حکومتهای امضاء کنندهٔ موافقت نامه و کنفرانس بین المللی دربارهٔ ویتنام اجتماع نموده برای آزادی ویتنامیانی کـه در سالهای اخیر بخاطر صلح و میهنشان مبارزه کرده و بازداشت و زندانی شده انـد فوراد خالت نمایند . این افراد باین دلیل زندانی شده اند که شخصیت ها ، بسا

اعضای فعال سازمانهائی بوده اند که مستقیما به هیچ یك از طرفین متخاصم مربوط نمیشوند .

به ضمیمه این نامه اولین فهرست زندانیانی که باخانواده هایشان تماس گرفته ایم رامیفرستیم . این فهرست بااطلاعات وسیع دیگری تکمیل خواهد گشت.

سایگون ۲ فوریه ۱۹۷۳

امضای نمایندگان سازمانهای فرهنگی . سیاسی و اجتماعی ویتنام جنوبی

سازمان	نماینده
۱ـ کمیته برای بهبود وضع زندانیها در ویتنام جنوبی	کشیش شان تین
۲ـ نیروی ناسیونالیست مترقی	تران نگوك لین
۳ـ معبد بودائی کوآتسی جیوآ	هوین لین
۴ـ جبهه خلقی برای صلح	دانگ وان کی
۵ـ اتحادیه معلمین مدارس خصوصی	دانگ وان وانگ
۶ـ معتمدین نیروی وحدت کائود	کاثو هوئدها
۷ـ کنفدراسیون بودائی ها . کارمندان و کارکنان موسسات خصوصی ویتنام	دونگ وان د
۸ـ اتحادیه کارگران مترقی	نگوین وان کوات
۹ـ اتحادیه تجار ۳٦ بازار سایگون	نگوین تی موآ
۱۰ـ اتحادیه باربران کشتی در بندر لونگ تائو	نگوین هوآنگ تان
۱۱ـ گروه دوآ دین	نگوین نگی
۱۲ـ گروه ترین بای	ته نگوین
۱۳ـ جنبش ملی جوانان کارگر مسیحی	نگوین تین مائو
۱٤ـ جنبش مسیحیان برای صلح	نگوین نوك کان
۱۵ـ کنفدراسیون زنان بودائی ویتنام	خانم دیو نان
۱٦ـ انجمن زنان ویتنامی	خانم و وان س
۱۷ـ انجمن زنان بودائی لونگ هوآ	خانم نگوین تی لاك
۱۸ـ جنبش برای حق زندگی یتیمان و کودکان قربانی جنگ	خانم تین تام

۱۹ــ فرقه بود ائی هونگ من
۲۰ــ انجمن زنان بود ائی کارمند و کارگر مؤسسات خصوصی
۲۱ــ انجمن دفاع از مقام زن
۲۲ــ کنفدراسیون محصلین و د انشجویان ویتنام
۲۳ــ انجمن مادران د انشجویان زندانی
۲۴ــ انجمن د انشجویان بود ائی سایگون
۲۵ــ اتحادیه ملی د انشجویان ویتنام
۲۶ــ اتحادیه د انشجویان د انشگاه وان هاهو
۲۷ــ اتحادیه د انشجویان د انشگاه سایگون
۲۸ــ جنبش برای ایجاد یك اقتصاد مستقل
۲۹ــ جنبش خود مختاری ملی
۳۰ــ جنبش زنان برای حق زندگی

ترونگ لام نوانگ
خان فان تی هونگ دین
خان فان دین دان
ل ران تری
خانم نگوین فوك تان فان
نگوین تین تین
نگوین ترون کانگ نگی
فان به هوانگ
نگوین وان ترانگ
توان کانگ هوی
توان کسوان هه فوانگ
خانم تران تی تیپ

امضای شخصیت ها

۱ــ دکتر له وان هواش نخست وزیر سابق
۲ــ دکتر له وان لی

کشیشان مسیحی

۳ــ عالیجناب تین کام استاد دانشگاه سایگون
۴ــ عالیجناب نگوین وان هوا
۵ــ عالیجناب وکسوان هیو کشیش جنبش ملی جوانان مسیحی کارگر
۶ــ عالیجناب بوئی تونگ جیائو
۷ــ عالیجناب نگوین نگوك لان
۸ــ عالیجناب هوین کونگ مین کشیش جنبش جوانان دانشجوی مسیحی
۹ــ عالیجناب نگوین وت که

۱۰- عالیجناب تران ته لـوان

۱۱- عالیجناب ترونگ باکـان   کشیش جنبش جوانان مسیحی

نامه اعتراضیه کمیته احقاق حق زندگی هم میهنان

علیه ادامه سرکوبی زندانیان سیاسی ، دانشجویان و شاگردان مدارس

پس از انتشار و اجرای موافقتنامه پایان جنگ و استقرار صلح در ویتنام توسط مسئولین سایگون

نظر به

۱- پروتکل موافقت نامه درباره آزادی نظامیان غیر نظامیان خارجی و ویتنامیان دستگیر و زندانی شده در ماده ب ۸ قسمت مربوط به "نحوه رفتار با اشخاص زندانی در طول مدت اسارتشان" چنین قید میکند . "با کلیه غیر نظامیان ویتنامی که در ویتنام جنوبی دستگیر و زندانی شده اند : در مدت اسارتشان مطابق با سنن بین المللی و بطور انسانی رفتار خواهد شد . این اشخاص در مقابل هر گونه عمل قهر آمیز که بزندگی و وضع بدنی شان صدمه برساند و بویژه در مقابل مرگ بهر شکل ممکن ناقص العضوشدن رفتارهای وحشیانه . شکنجه ومجازات و خلاصه هر گونه عمل غیر انسانی محافظت خواهند شد . این افراد باید از غذا لباس و مسکن مناسب هم چنین معالجات طبی در صورت بیماری برخوردار شوند . آنها اجازه خواهند داشت که باخانواده هایشان نامه و کارت رد و بدل کرده و بسته نیز دریافت نمایند ".

نظر باینکه

۲- در روزهای اخیر بلافاصله پس از اجرای موافقت نامه صلح ذکر شده مسئولان سایگون مواد پروتکل در باب تحویل غیر نظامیان ویتنامی که دستگیر و زندانی شده اند . رآکرارا نقض کرده اند .

الف - باین دلیل که در شب عید . تت امسال پس از انتشار و عملی شدن قرار داد . مسئولان زندان شی هوآ زندانیان سیاسی را بطرز خونینی سرکوب

نمود ند . د ر ارد وگاه زند انیان سیاسی که نزد یك بهد اری جد ید است، گاز اشك آور رهاکرد ند . بسیاری از آنهامن جمله پیران مریضان اطفال از حال رفته و د ستهایشان شکست . سپس پلیس ضربت و اکثر نگهبانان زند ان و هم چنین کاپوها (زند انیان عادی) زند انیان حتی پیران و مریضان راباچماق و باطوم کتك زد ه و باچکمه های میخی لگد مالشان کرد ند . تمام هوآ رئیس بخش ای.د به همکارانش د ستور سرکوب وحشیانه ای راد اد . بسیاری از بیمارا فریاد کشید ند . " من بیمارم و د رد میکشم " . هوآ یکی از آنهاراباچکمه لگد زد ه نعره کشید که . " هر کس رابر حسب بیماریش کتك میزنند " . تعداد مجروحان و بی هوش شد گان زیاد بود . د ست و پای سایرین راباآهن بسته د ر " سالن سینما " محبوسشان کرد ند . این اطاقی است تاریك بد بو پر از پشه د ر آنجابزند انیان غذ ای غیر بهد اشتی د اد ه و هر گونه تماس و رابطه ای راباخانواد ه هایشان ممنوع میکرد ند .

ب ــ قربانیان سرکوبی عمومی ۱۹ د انشجو شاگرد مد رسه ای بود ند که بتازگی به مرکز عمومی پلیس شس هوآمنتقل شد ه بود ند . آنهارابه سیاهچالهای بسیار تاریك و د ر شرایط بهد اشتی غیر قابل تحمل اند اختند . مریضان هیچ د اروئی د ریافت نکرد ه و متحمل بد ترین رفتارها شد ه اند .

۳ــ باینترتیب مسئولا ن سایگون عمد امار ه ب ۸ باب " نحوه " رفتار باافراد زند انی د ر طول مد ت محکومیتشان " رانقض کرد ه بطریق غیر انسانی و مخالف با سنن بین المللی باآنهارفتار کرد ه اند .

ــ آنهاخود سرانه مرتکب اعمال قهر آمیز شد ه اند . بطوریکه به زند گی ووضع جسمانی زند انیان صد مه وارد آمد ه است .

ــ غذا لباس مسکن معالجات طبی مطابق باوضع مزاجیشان فراهم نکرد ه اند .

۴ــ به همه" اینهاباید نقض سایر مقرارات پروتکل رانیز افزود .

الف ــ اکثر زند انیان سیاسی د ر شس هوآ و بخصوص کن د ا ئو ر بخاطر شکنجه های زیاد مجبورشد ه اند که خود رابتهم به نقض قوانین عمومی قلمد ا

ند و باینترتیب از خصوصیت زندانی سیاسی چشم پوشیده و در نتیجه از حقوق
بسته به این خصوصیت صرفنظر نمایند .

همه زندانیانی که علامت م ت س ت(جبهه سیاسی م ت ل د جبهه
تحرك سابق) داشتند به محكومان ویژه تبدیل شده اند . اینكار در حقیقت نقض
اده ب ۸ است که میگوید : " طرفین قرارداد تحت هیچ عنوانی منجمله تحت
عنوان اینکه اشخاص بازداشتشده بطور قانونی تعقیب و یابد لیلی محاکمه شده اند
باید از واگذاری این افراد سرباز زده و یاآنرابتأخیر بیاندازد . "

ب ــ مسئولان سایگون بعلت اینکه هیچ یك از مقررات پروتكل رابساطلاع غیر
نظامیان ویتنامی که در ویتنام جنوبی دستگیر شده و زندانی هستند نرسانده اند ماده
ماده ۱۳ این قرارداد رانقض کرده اند . این ماده تصریح میکند که . " هر یك
از طرفین باید ظرف ه روز از تاریخ امضای پروتكل حاضر متن کامل قرارداد راانتشار
داده و باطلاع همه زندانیان طرفین که مشمول پروتكل میشوند . برسانند " .

بعلت نقض مواد موافقتنامه و سرکوب بیشرمانه ای که زندانیان غیر نظامی ویتنامی
شاهد عینی و قربانی آن بوده اند . کمیته برای احقاق حق زندگی هم میهنان باتفاق
آراء اعلام میدارد .

۱ ــ ماباتمام قواعلیه هر گونه سرکوب شکنجه وارده به زندانیان سیاسی و
استفاده از کاپوهاتوسط مسئولان سایگون که مغایر اصول انسانی و سنن بین المللی
است . اعتراض میکنیم .

۲ ــ درخواست مجدانه از مسئولان سایگون برای اجرای جدی قرارداد صلح
رعایت آزادیهای اساسی مندرجه . پایان دادن بسرکوبی و شکنجه زندانیان سیاسی

۳ ــ درخواست آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی . دانشجویان و محصلین
دستگیر شده و زندانی .

٤ ــ از مسئولان مربوط به کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون
نظامی مختلط چهار جانبه تقاضامیشود که بخاطر صلح در ویتنام . بخاطر انسانیت
و هم بستگی ملی از مسئولان سایگون بخواهند که بطرز جدی مقررات پروتكل رااجرا
و در کمترین مدت همه دانشجویان محصلین وغیر نظامیان بیگناه

دستگیر شده و زندانی را آزاد نمایند

بنام کمیته احقاق حق زندگی هم میهنان
نگوین دوی تونگ[۱]

نامه به ویتنامی های مقیم فرانسه

از جانب نگوین دوی شونگ رئیس کمیته جوانان و دانشجویان مبارز برای حق زندگی هم میهنان (۱۵ فوریه ۱۹۷۳)

... "سالن سینما" که در بالا ذکر شد یک جهنم حقیقی در ویتنام جنوبی است . این سالن چسبیده به محلی است که نگوین وان تروآ در آن تیر باران شد و منفورتر از قفسهای ببر است که توسط خبرنگار آمریکائی دان لو افشا شده است . این سالن در زمان سلطه فاشیستهای ژاپنی و استعمارگران فرانسوی ساخته شده هنوز هم حکومت سایگون از آهن های زنگ زده و سنگین آن که محتملا مربوط به دوره اشغال ژاپنی ها میشود برای بزنجیر کشیدن اسرای سیاسی محصلین و دانشجویان استفاده می نماید . همه کسانیکه در اینجا به بند کشیده شده اند کاملا لخت بوده پاهایشان را بیک میله آهنی بلند وصل کرده و مثل ماهی ساردین در جعبه بهم فشرده شده اند . اینجا پر از پشه ، ساس و مورچه است و زندانیان نمیتوانند آنها را از خود رانده یا خود را بخارانند زیرا مچ هایشان در دست بند های آمریکائی است که بسیار هوشمندانه ساخته شده اند و با کمترین حرکت از جانب آنها ، بیشتر بهم فشرده میشوند .
اخیراً در روز ۱۰ دسامبر ۱۹۷۲ مدیر زندان شی هوآ سرهنگ نگوین وان و بدون جهت دانشجویان و محصلین و نیز همه اسرای سیاسی را باینجا منتقل کرده است . دانشجویان و محصلین تقریبا یکماه در اینجا ماندند ولی بقیه اسرای سیاسی هنوز باقی هستند . استادان فرانسوی بنامهای دبری و منرا از این وضع باخبر بوده و حتما به شما اطلاع داده اند . بعلاوه ۸۰۰ نفر منجمله دانشجویان محصلین اسرای سیاسی ، زنان ، کودکان بزندان کن سن تبعید شده اند . شنیده ام که میگفتند آنها در طول راه زنجیرهای خود را پاره کرده و ماشین مولد برق را آتش زده

سعی کرده اند کمتی راتصرف کنند . اقدام آنها باشکست مواجه شده و آنها
جشیانه سرکوب شده اند . اکثر دانشجویان و محصلین تبعیدی . توسط دادگاه
نظامی صحرائی در بندر بـــاش دا نـــگ و سایگون تبرئه شده بودند .
علاوه اکثر آنها دچار بیماری مزمن بودند . بسیاری از آنها به امراض معدی و در
این حال سل پیشرفته دچار شودند . پس از این سرکوبی وحشیانه بسیاری از
آنها بشدت مریض شدند . دانشجو نـگـوین نـگـوك فـو نـگ در زهر
ضربات کمك از پادر آمد . اخیرا شب عید تــت پلیس ضربت مجهز به دستگاه ضدن
گاز . تفنگ ام ۱٦ و سرنـــیـــزه بر سر اسرای سیاسی زندا
نـی هـــوآ ریختند . در بخش بهداری جدید (که خانم نـگـو بـا ن تران
رئیـس جنبـش زنان برای حق زندگی در آن حبس شده بود) . پلیس
بسوی سلولهای پرجمعیت تیر اندازی کرده . روی آنها نارنجکهای اشك آور پرتاب
کرده است . همه اسرا زخمی و یابی حواس گردیده اند . سپس بدن خونین آنها
را از سلولها بیرون کشیده لگد مال کرده و با باطوم و چماق کتکشان زده انـد .
صدای فریاد شان که مو را بر تنمان راست میکرد . میشنید یم .

نام هـوآ (رئیس سابق دفتر امنیت ورئیس کنونی بخش ای د) بـه
همه کاپوها اختیار تام داده است . حتی اشخاص بیهوش نیز به " سالن سینما "
منتقل شده و بازنجیرهای آهنی بسته شده اند . کاپوها از موقعیت استفاده کرده
و همه لوازم شخصی شان را برداشتند . با اینکه عید تــت مقدسترین عید ملی تمام
شده است . ولی آنها هنوز بازنجیرهای آهنی بسته شده متحمل بدترین رفتارها
میشوند . شب هنگام آنها دسته جمعی صدا بر میآورند . "ما میخواهیم . ما میخواهیم
ما میخواهیم " تا بطور عادی زندانی شویم ! ولی تا امروز کاری انجام نشده است .
دانشجویان و محصلینی که بتازگی وارد مرکز عمومی پلیس شده اند . در یك بخش مجزا
محبوس گشته اند . بسیاری از آنها صورتشان صدمه دیده و پاهایشان باد کرده است
سلامتی نـگـو یـن لونگ رئیس جنبش برای خود مختاری و نویسنده
تـیـن مولـو در خطر است . قاضی لـو نگ که بیش از شصت
سال دارد در مدت طولانی اسارت یك چشمش کور شده و دیگری آب مروارید
آورده است . نویسنده تـی سـن به بیماری انبساط شریانها
و آسم مبتلا شده . باشکال و لنگلنگان میتواند راه برود . تاکنون فقط موارد متفرق

راذکر کرده ام . بعلاوه موجهای سرکوبی های خونین و بسیار وسیع نیز وجود دارد . مثل سرکوب اخیر زندانیان سیاسی در پولوکندر در آنجا کسانیکه خطرناک تشخیص داده میشوند مجبورند از علامت های ٤س ۲ت ل د. (جبهه متحرک) و م ت س ت جبهه سیاسی استفاده کرده و نیز ازخصوصیت زندانی سیاسی بودن صرفنظر نموده به زندانیان عادی مبدل شوند . اینکار بدین جهت این است که در صورت آتش بس و مبادله زندانیان سیاسی . آنهارا بطور قانونی از هرگونه حقوق احتمالی که مربوط به زندانیان سیاسی میشود محروم کنند .

رهبران سایگون در برابر اعتراضات اکثر زندانیان دست به سرکوب زدند . زنان حامله ایکه به خونریزی دچار بودند از زندان کن سن بزندان شی هوآ بخش وانگ لسه نزدیک بخش ۲۰ هـ آورده شده اند .

بنام همه دانشجویان . محصلین و اسرای زندانی در بخش بهداری جدید . زندان شی هوآ در ویتنام جنوبی

نگوین دوی تونگ

رئیس کمیته جوانان و دانشجویان مبارز برای احقاق حق زندگی هم میهنان

زندان کن سن پس از امضای موافقت نامه پاریس

... امروز یک سته اسناد مربوط به وضعیت زندان کن دائو پس از امضای موافقت نامه پاریس بدستمان رسیده است .

اسناد رسمی . این اولین بار استکه چنین اسناد رسمی بدستمان میرسد .

ـ گزارشی درباره وضعیت عمومی . گزارش . شماره ٤۰/ت ت س هـ /ا س/ س د/ (از ساعت ۷/ ۱۹ فوریه ۱۹۷۳ تاساعت ۷ / ۲۰ فوریه ۱۹۷۳) از جانب ریاست " مرکز تجدید آموزش "کن دآئو به ریاست " مرکز تجدید آموزش " سایگون .

بنابر این گزارش . تعداد کل نگهبانان و مأموران تجدید آموزش ۱۰۲ نفر

است منجمله کسانی که مأموریتشان تمدید شده و فرستادگان ویژه . دونفـــرا ز آنهابسیج بوده اند . یك نفر به مأموریت ویژه فرستاده شده است . ۱۲ نفـرشـان هم یادر مأموریت یادر مرخصی هستند . ۸۷ نفر بقیه حاضرند .

۱ــ مــردان ــــــــــ تعداد زندانیان

محـــکـوم .	۵٦۲۲
مشکــــوك .	۷٤
توقیف احتیـاطـی .	۳۰۹٦

۲ــ زنـــان ــــــــــ تعداد زندانیان

محـــکـوم .	۳۳۹
مشکــــوك .	۹۹
توقیف احتیـاطـی .	٦۲۰
کـــل	۹۸۵۰

ــ نمـونـهٔ یك "گـــواهی آزادی"

مدتی است که مطبوعات جهان در جریان روشهای مورد استفادهٔ نگهبانـــان هستند . اسیران مجبورند پائین یك گواهی نامه راامضاء کنند و سپس ناپدید میشوند برای اولین بار یك گواهینامه رسمی رادر اختیار داریم . در آن چنین خوانـــده میشـــود .

" اینجانب . . . زندانی شماره . . . پسر . . . و . . . تأئید میکنم که مرکـز تجدید آموزش رادر روز . . . ساعت . . . توسط هواپیمـــا کشتی ترك کرده ام .
علت . تـرك مرکز کن سن بدلیل آزادشدن .

کن سن ۰۰۰ ۱۹۷۳
امضـاء و اثر انگشـت

ــ در فهرست رسمی دستگاه اداری سایگون نام ۸۵٤ نفر که اخیراتوســـط

کشتی یاهواپیما کن سن راترک کرده اند . دیده میشود . در حال حاضر از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست .

سه سند رسمی مذکور نشان میدهد که مدیریت زندان در حال حاضر یک برنامهٔ پراکندگی و تصفیه زندانیان رااجرامیکند . این وضع توسط اسنادیکه از جانب زندانیان دریافت میشود نیز تائید شده است .

اسناد یکه از زندانیان بدست رسیده است .

ــ نامهٔ ۱۲٤ زندانی علیلی که در ۱۹۷۳ ــ ۲ ــ ۱٦ ازکسان دائو به بین هوآ منتقل شده اند . آنها در کروههای ۳ یا ٥ نفری مخفیانه در ایالات بین هوا فوک توی لونگ آن هونگیا ۰۰۰۰ رها شده حق ندارند به روستاهای زادگاهشان باز گردند . زندگی آنها بخاطر اقدامات باصطلاح " امنیتی " دستگاه اداری سایگون مورد تهدید است .

رونوشت نامهٔ ۱۷ فوریه ۱۹۷۳ ۰ ۸۰۰۰ زندانی کن دائو به کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلط . نامه بخصوص این امر راتذکر میشود که ۷۰۰ زن زندانی در اردوگاه شماره ٤ باتهدید به شکنجه مجبور شده اند زیر تقاضای ساختکی مربوط به " درخواست پیوستن به رژیم " راامضاء کرده و انگشت بزنند . نامه هم چنین معلوم میدارد که ۳۰۰ نفر از پیرزنان بیماران بزور سوار هواپیماشده بسوی مقاصد نامعلوم پرواز کرده اند . آنهانیز مجبور به امضای گواهینامه " آزادی " شده اند .

ــ فهرست نام ٦۱ زندانی سیاسی تهاتراتگ که به کان داهو تبعید شدند بدون اینکه رسما " آزاد شوند " .

ــ فهرست نام ۱۰۳ زندانی سیاسی کان هوآکه " تبدیل " به جنایتکاران عادی شده و رسماً در ۱٥ فوریه آزاد شده ولی در واقع بکن دائو تبعید گردیده اند . آنها در روز ۱٦ فوریه ۱۹۷۳ باکشتی شماره ٤۰٤ به جزیره رسیده اند .

تنها به مدارک جدید یکه بدستمان رسیده میتوان اظهار داشت که .

۱ــ پس از امضای موافقت نامهٔ پاریس حکومت سایگون . هزاران زندانی سیاسی

رادر کــن دا ئــو سر به نیست کرده است .

۲ــ اخیرابسیاری از زندانیان ایالات مختلف ویتنام جنوبی به کــن دا ئو منتقل شده اند .

۳ــ زندگی اسیرانیکه کــن دائــو راترک کرده یاهنوز درآنجاهستند درخطر است .

دوسند دیــگر رانیــز منتشــر میکنیم :

ــ نامه ای درباره وضع زندانیان سیاسی در " مرکز تجدید آموزش" دا نــا نگ

ــ نامه اعتراضی همه زندانیان در زندان تــان هــیپ (بــین هــوآ)

ــ زندگی دویست هزار زندانی در ویتنام جنوبی در معرض خطر است . ایــن واقعیتی است . ولی خطرناکتر از آن دستگیریهای جدیدی است که از امضــای موافقتنامه پاریس ببعــد کماکان ادامه دارد .

کنفرانس مطبوعاتی در پاریس . ۲۱ مارس ۱۹۷۳
عالیجناب نگوین دین تی

شهــادت کشــیش آمــریکــائــی بنــام
توماس . ج . کمبلتن

باید خاطرنشان کنیم که از روی اسناد اخیر . کلمه " سیاسی " رااز نوع دسته بندیهای زندانیان حذف کرده اند . (تکیه از ناشران است) . این مــوضــوع اتهام مربوط به مخفی کردن زندانیان سیاسی توسط دولت راتائید میکند . خــ ــوب زندانیان سیاسی بماگفته اند. که آنهارابازندانیان محکوم بلحاظ ارتکاب جرائم عادی مخلوط کرده اند . قبلاآنهاراجداگانه ودر زندانهای دیگری نگاه میداشتند .

. . . من وکشیش پــو لا نــزه در آخــرین شب اقامتمان در سایگــون بکشاعت و نیم بااسقف بــیــن مذاکره کردیم . پنج تن از کشیشانش باتهــام اغتشاش در نظم و تهدید امنیت عمومی به پنج سال زندان محکوم شده بودنــد . آنهادست بانتشار سندی درباره عدالت در مجله انجمن کشیشان سال ۱۹۷۱

زده و تفسیری نیز درباره‌ٔ آن نوشته بودند . این تفسیر انجام برخی از مطالـب قسمتهای متن را در شرایط ویتنام جنوبی یادآوری میکرد .

من هیچگاه کسانی راکه دیده ام . بویژه والدین زندانیان و زندانیان آزاد شده را فراموش نخواهم کرد . آنها از ما خواسته اند که افکار عمومی را از آنچه در ویتنام میگذرد باخبر سازیم . تنها امیدشان در این است که مردم بیشتری از سرنوشتشان مطلع گشته و فشار افکار عمومی بیشتر شود . لازم است کوشش بیشتری از جانب تعداد زیادتری از مردم صورت بگیرد تا اینکه عدالت و آزادی برای انها برقرار شود .

نشنال کاتولیک ریپرتر

۱۱ مه ۱۹۷۳

یکی از رهبران دانشجویان ویتنام جنوبی در زندان شی هوآ

در انتظار مـرگ قریب الـوقـوع اسـت

کونگ جُیو دانشجوی رشته‌ٔ علوم و معادن سابق دبیر کل کمکی کمیته‌ٔ اجرائی اتحادیه دانشجویان سایگون است . او در ۵ اوت ۱۹۷۲ درحالیکه از کلاس درس خارج شده بمنزل میرفت توسط پلیس شهرداری سایگون دستگیر شد . همان شب دستبند به دست با چشمان باند پیچی شده به دفتر مرکز بازجوئی برده میشـود .

او را بلافاصله تحت شکنجه و بازجوئی قرار دادند تا مجبورش کنند بگوید عضـو سازمانهای جبهه آزادی بخش ملی (ویت کنگ) است .

تقریبا بی درنگ او را تحت همه شکنجه ها قرار دادند . پشت سرهم با یک چماق به سر سینه شانه زانو ران پاهایش زده . با سیگار روشن سینـه ، آلات تناسلی و نافش راسوزانده سنجاق زیر ناخن هایش فرو کرده . ناخن هـای دست و پایش راکشیده اند .

آنقدر آب صابون در بینی و دهانش ریختند تا بیهوش شد . سپس با لگد بـه شکمش زدند تا آب خارج شود .

در هفته ۱۹ تا ۲۶ اوت جـیـو را بایک کامیون سر بسته بجای دورفرستادند تا از نظر اکیپ مأمور رسیدگی صلیب سرخ بین المللی دور بماند .

جیـو اکنون دیگر قادر به حرف زدن نیست . مرتبا خون قی میکند لباسهایش آنچنان چرکین و خونین هستند که تمام سلول از بوی غیر قابل تحمل آن پر شده است و حتی نگهبانان را نیز ناراحت میکند . او در آنجا مثل جسد افتاده است .

ما میخواهیم به افکار عمومی اعلام خطر کنیم که کـونگ جـیـو در انتظار مرگ قریب الوقوع است .

دانشجویان زندانی زندان شـس هـوآ
سایگون ۱۱ اکتبر ۱۹۷۲ خلاصهٔ نامه‌ای که
بیک گروه از کشیشان ویتنامی نوشته شده منتشره
توسط کنفدراسیون بین المللی برای متارکه جنگ و استقرار
صلـح . لندن
تایمز ۲۷ مارس ۱۹۷۳

چرا دستگاه اداری سایگون از آزاد کردن زندانیان سیاسی پس از موافقت نامه پاریس میترسد ؟

زیرا این زندانیان سیاسی سهم برجسته ای در تشکیل " نیروی سوم " دارند که نقش مهمی در شورای ملی سه جانبهٔ آشتی مجدد و هم بستگی ملی که پس از امضای قرارداد پاریس مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ باید بوجود آید بازی میکند . آنها یک نیروی طرفدار بی طرفی هستند که به جبهه رهائی بخش (ف ن ل) وابسته نبوده و مخالف رژیم سایگون میباشند . و باین ترتیب تهدید خطرناکی برای تیو بشمار میآیند آزاد کردن آنها نتیجتاً بمعنای سقوط رژیم تیو است .

کنفدراسیون بین المللی برای خلع سلاح
و استقرار صلح
لندن . تایمز ۲۷ مارس ۱۹۷۳

. . . رژیم نگوین وان تیو از آزادی این اسیران میترسد زیرا بخوبی میداند پس از آتش‌بس تنها رقبای معین وی در برخوردها و مبارزات سیاسی خواهند بود . آنها با تعریف جنایاتیکه شایسته قرون گذشته بوده است و بنام جهان آزاد صورت گرفته‌اند افکار عمومی را حیرت زده و منزجر خواهند کرد . درحالیکه زندانیان جنگی آمریکا که در اسارت هانوی بسر برده اند پس از آزادی خواهند گفت که با آنها بطریق انسانی رفتار شده است . همانطوریکه بعضی از آنها آزاد شده اند پس از آزادی این موضوع را چندین بار در مطبوعات اعلام کرده اند .

نگو کو نگ دوك
لوموند ۳ ژانویه ۱۹۷۲

اخیرا ۱۲٤ زندانی بطور مخفیانه و نه رسمی آزاد شده اند . بنابه گزارش خبرنگار خبرگزاری فرانسه (آ ف پ) که با آنها ملاقات کرده است . عقیده دارند حکومت سایگون باینترتیب خواسته از شر شهود مزاحم خلاص شود زیرا بنابه موافقتها پاریس . کمیسیونهای بین المللی میتوانند وضع جسمی آنها را دیده و شرح حالشان را بشنوند:

رولان پیر پارنگو
آ ف پ ٦ مارس ۷۳

مسئولیت ایالات متحده

کمك به پلیس جای مهمی در فعالیتهای ایالات متحده در ویتنام جنوبی دارد. این کمك عبارت است از تأمین امور مالی دستگاه سرکوب رژیم سایگون . تعلیم کارکنان متخصص آن و هدایت عملیات بواسطهٔ هیئتی از "مشاوران ".

از هنگامیکه حکومتی در سایگون تشکیل شده فعالیتهای پلیسی جای اساسی را در برنامهٔ کمك ایالات متحده آمریکا اشغال کرده اند . سخنگوی آژانس توسعه بین المللی در برابر کنگره چنین اظهار میکرد .

آژانس توسعه بین المللی و پیشینیان آن از سال ۱۹۵۵ از برنامهٔ امنیت عمومی (پلیس) پشتیبانی کرده اند . وظیفهٔ آژانس توسعه بین المللی عبارت از کمك به پلیس ملی در استخدام افراد آموزش و سازمان دهی نیروئی برای حفظ نظم و قانون بوده است ... (۱)

آژانس توسعه بین المللی بیش از ۲۰۰ متخصص برای کمك به "تعلیم و سازمان دهی قوای پلیس ملی در همهٔ درجات" [۲] فراهم کرده است . در مجموع بیش از ۷۰۰۰ آمریکائی بحساب برنامهٔ " امنیت عمومی " در ویتنام جنوبی کار میکنند. (۳)

کمك ایالات متحده را به پلیس ملی مشکل میتوان تخمین زد زیرا از طریق چند بن آژانس صورت میگیرد . امور مالی برنامهٔ پلیس (" امنیت عمومی " نامیده میشود) در آغاز توسط آژانس بین المللی توسعه تأمین میشد. اکنون توسط کورد س، و بخشی از آن توسط د و د تأمین میشود . علت این امر کاهش امتیازاتی است که آژانس بین المللی توسعه میداد . باین ترتیب " در ۱۹۶۷ د و د تأمین امور مالی برنامه های غیر نظامی آژانس بین المللی توسعه را بعهده گرفته است زیرا آنها را دارای محتوای نظامی میدانند . " ٤

از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ بیش از صد میلیون هزینه " امنیت عمومی " در ویتنام

۱ــ گزارش در باره کمك امریــ
۲ــ I . B . D همان اثر
۳ــ رك . اثر ذکرشده ص ۶۸
٤ــ ج T. ۱۰ و ریرت ص ٤۲ ــ ٤ژوئیه ۷۲

شده است . دوسوم آنرا آژانس بین المللی توسعه و بقیه را د و دتـــا میـــن کرده است ۱

له آن تو و ماریلین مك ناب
رك به اثر ذکرشده صص ۲۰ـ۲۱

شرکت امریکا در سیستم پلیسی و جزائی ویتنام جنوبی مطابق باسیاست کلـی آمریکاکه اهمـیت روز افزونی برای بکار بردن پلیس در مقاصد ضد انقلابی قائل میباشد از سال ۱۹۶۷ بطرز قابل ملاحظه ای افزایش پیدا کرده است .

مخارج آن بین سیـا . وزارت دفاع . آژانس بین المللی توسعه تقسیم شده اند

این پشتیبانی ظرف چند سال موجب تجدید کامل دستگاه پلیسی در ویتنـــام جنوبی شده و قوای پلیس مالی را از ۲۰/۰۰۰ به ۱۲۰۰۰۰ نفر رسانده است . این یکی از کثیرالعده ترین و مجهزترین نیروهای شبه نظامی جهان است .

چون در صورت آتش بس آمریکا باید نیروهای مسلح خود رابیرون ببرد . در این صورت برنامه کمك به پلیس و کوششهای مخفیانه سیا اهمیت روز افزونی خواهند گرفت .

۰۰۰ از ۳۰۰/۰۰۰ ویتنامی که مأمور "حفظ نظم" در ویتنام جنوبی هستند تنها ۱۲۲/۰۰۰ نفرشان از بودجه سایگون حقوق میگیرند . بقیه مستقیماازعمـــو ســام حقوق دریافت میکنند هرچند که اسماد ر برابر تیو مسئول باشند . طبیعتـــا تعداد ناشناخته ای از مأموران مخفی نیز از سیا مقدار معلومی پول دریافت میکنند .

برنامه هائی که باکمك ایالات متحده امریکا امور مالی شان تأمین میشود عبارتند از : اقداماتیکه هدفش مراقبت از جمعیت است مثل استقرار یك سیستم ماشینهـــای الکترونیکی برای نگهداری فیش های همه ویتنامی های بیش از ۱۵ سال . بااـیـن سیستم همه افرادیکه باین سن رسیده اند باید یك کارت تعیین هویت پلاستیکـــی همراه داشته باشند .

سایر برنامه های ایالات متحده عبارتند از ایجاد استحکاماتی در زندان جزیره کن سن که یکی ازبزرگترین زندانهای ویتنام است . هم چنین تعلیم پلیس ویتنـــام توسط مشاوران آمریکائی امنیت عمومی در ویتنام و در مدارس مخصوص بویژه در آکادمی پلیس بین المللی واشنگتن . در ایالات متحده .

لیبریشن نیوز سرویس
۶ دسامبر ۱۹۷۲

۱ـ همان اثر

... برای حمایت از این فعالیتهای ضد اغتشاش ایالات متحده پیوسته از حیث مالی لوازم و تجهیزات امور تکنیکی و سایر وسائل به پلیس ملی کمک میکند. کمکهای مالی اضافی ایالات متحده اختصاص به تأمین بودجه ساختمان مدرسه عالی فرماندهی پلیس ملی. تأسیس مراکز بازجوئی و اگذاری اسلحه ساختن مراکز تعلیماتی . ساختن کارخانه وسائل یدکی مهمات جنگی پایگاههای پلیس دریائی و گاراژ مرکزی پلیس ملی دارد . چون با اجرای هر یك از برنامه های مذکور تعداد دسته های مشکوك به ویت کنگ بودن "منظما افزایش می یابند حکومت سایگون لازم دیده است که شبکه وسیع زندانهای موجود را بطور قابل ملاحظه ای گسترش دهد از جمله وظایف اساسی پلیس اداره زندانهاست. ایالات متحده امریکا در سالهای ۱۹۶۸-۱۹۶۹ ۱/۶ میلیون دلار به توسعه و نوسازی اکثر ٤۱ زندان و مراکز بازداشت ویتنام جنوبی اختصاص داده است . مشاوران امنیت عمومی در کنار افسران ویتنامی که در راس تأدیب گاهها قرار دارند مشغول بکار میباشند و تعلیم اداره کنندگان زندانها را بعهده دارند .

بخاطر داشتن امنیت بیشتر در مقابل حملات ویت کنگ ایالات متحده آمریکا هزینه انتقال چندین هزار زندانی سیاسی از زندانهای داخلی به زندانهای جزیره کیفری کن سن که سلولهای معروف به "قفس های ببر" در آن قرار دارند را تأمین میکند . در سال ۱۹۷۰ پس از بازدید دو تن از اعضای کنگره آمریکا از این قفسهای غیر انسانی . آژانس بین المللی توسعه ٤۰۰ هزار دلار به ساختمان ۲۸۸ بستر جدا انفرادی در کن سن اختصاص داده است .

برای پی بردن به ارزش واقعی عملیات پلیس امنیتی برای حکومت سایگون . کافی است پروژه های زیر را که میبایست در ۱۸ ماه آینده پیاده شوند و برای انجام آنها تقاضای اعتباری بالغ بر ۱۳ میلیون دلار برای بودجه ۱۹۷۱ آژانس بین المللی توسعه شده است . بررسی کنیم .

فراهم کردن وسائل و تجهیزات و مشاوران برای یك نیروی پلیسی ۱۰۸/۰۰۰ نفری در پایان سال مالی ۱۹۷۱ کمك به تهیه پرونده های بیش از ۱۲ میلیون نفر افراد از ۱۵ سال ببالا تا پایان سال ۱۹۷۱ در چهار چوب برنامه" ملی ضبط وثبت مدارك هویت ادامه برنامه" سالانه تعلیم اساسی و تخصصی ٤۰ هزار پلیس

تأمین کمك تکنیکی به سیستم دستگیری متهمین که بابهبود برنامه هاشروع شده و تا پیش بینی ساختمان زندان برای ۸ هزار زندانی جدید در ۱۹۷۰ پیش میرود . کمك به افزایش پلیس روستاها . درحال حاضر (۶۰۰۰ نفر) در سطح دهات فعالیت میکنند .

باید خاطر نشان کرد که این کمکها فقط مربوط به برنامه های آژانس بین المللی توسعه است و فعالیتهای پلیس ملی که بودجه آن توسط سیا ووزارت دفاع تأمین میشود بحساب نیامده اند . پس از عقب نشینی نیروهای آمریکائی . قوای سایگون سهم بیشتری در جنگ بعهده خواهند گرفت و کمك ایالات متحده به پلیس ملی افزایش خواهد یافت . آژانس بین المللی توسعه باتقاضای یك اعتبار ۳۳ میلیون دلاری در سال مالی ۱۹۷۲ برای پلیس ملی (منجمله ۲۲ میلیون دلار سرمایه پنتاگون) درسال ۱۹۷۱ به کنگره اعلام کرده است که تعداد

(پلیس - ملی ویتنام که یکی از جنبه های ویتنامی کردن جنگ میباشد باید تدریجا وظیفه سنگینتری بعهده بگیرد . بار مبارزه علیه شورش واغتشاش وحفظ صلح ونظم روزمره نه تنها در شهرها بلکه در روستاها باید بین پلیس ملی وقوای مسلح ویتنام تقسیم شود .)

کنونی آن ۱۰۰۰۰۰ نفراست که درجریان سال مالی ۱۹۷۲ به ۱۲۴ هزارنفرخواهد رسید تابا بهترترتیب بتواند مسئولیت سنگین تری رادر آینده بعهده

بگیرد . کمك نسبی آمریکا برای اینکار پیش‌بینی شده است .

پرداختهای پنتاگون برای تامین مالی فعالیت نیروهای روستائی شبه نظامی پلیس‌ملی (ن پ ف ب) بکارمیرود . این نیروهاتاژانویه ۱۹۶۵ ارتش‌کوچکی متشکل از ۱۲۰ هزارنفروبصورت ۷۰ گردان پیاده نظام سازمان یافته می بود . بخاطر "ماهیت‌نظامی مشترك" تجهیزوکمك مادی به این نیروهای روستائی درحکم کمك به وزارت دفاع میباشد . البته تعیین کمك سیاغیرممکن است . معذالك قابل تذکر است که سیا جای بسیارمهمی درنوسازی پرونده‌های پلیس‌مخفی ویتنام ازسال ۱۹۵۵ ببعد اشغال‌میکند ودرادارهٔ برنامه سیمرغ نقش‌رهبری رادارد . برای اینکه با اطمینان دخالت آمریکارا درهمهٔ اعمال وحشیانه سرکوبی که توسط پلیس‌ویتنام جنوبی بنام رژیم سایگون صورت‌می گیرند ثابت‌کنیم احتیاجی‌به یادآوری تصویر شوم ومنحوس‌سیا نمیباشد .

مایکل ت . کلار "جنگ بی پایان"
صص ۲۶۸ ـــ ۲۶۶

ایالات متحده آمریکاکه به نظام زندانهای پلیس ویتنام جنوبی کمك مالی ومشورتی میکند . مسئول شرائط‌کنونی زندانیان سیاسی است . بامعنای وسیعتر ایالات متحده آمریکادراین مورد وحتی درماهیت حکومت ویتنام جنوبی باید مسئولیت مشارکت‌باسایگون رابپذیرد . حکومت سایگون حکومتی است باقدرت محدودکه بوسیله سیاست آمریکااداره ودیکته میشود نه بوسیله ویتنامیها .

. . .برای نگهداری این حکومت طرفدارآمریکا ایالات متحده کوشش‌های عظیمی بعمل میآورد . برای مبارزه علیه جبهه آزادی بخش‌ملی . نیم میلیون سرباز بایك انباراسلحه . تجهیزات و وسائل نظامی به هند وچین اعزام شدند . میلیونها دلارو صدهامشاور بویتنام جنوبی فرستاده گردیدند تابرای نظارت برمخالفین سیاسی . سیستم پلیسی راسازمان‌دهند(تکیه ازناشران است) . نظامیان آمریکائی هزاران نفرازغیرنظامیان ویتنامی را دستگیرکردند . این افراد آنها رابه پلیس ویتنام جنوبی که هموطنان آمریکائیشان پول آنرا داده ونیز توسط‌مشاورین آمریکائی تعلیم دیده اند واگذارشدند .مظنونین دستگیرشده درمراکزی که ازبودجه آمریکا اداره میشوند بازپرسی واغلب شکنجه شدند . پس‌ازمحاکمه آنها درزندانهائی که بوسیله آژانسهای آمریکائی بزرگ شده ومجهز گردیده اند زندانی شدند . بغیر

ازاین امرکه امروزه نظامیان امریکائی کنترویتنامی هارابازداشت میکنند . سایر امور بهمان صورت باقی مانده است .

ایالات متحده آمریکا ادعاکرده است که سرکوبی مخالفین سیاسی ونحوه رفتار بازندانیان . ازامورداخلی ویتناجنوبی هستند . ولی همین اظهارشان نشان میدهد چقدرمفهومیکه ایالات متحده ازحاکمیت ویتنام درنظر دارد مضیق است . ماحکومت دیم را ایجاد وسپس براندا ختیم . نیم میلیون سرباز بآنجافرستاده وسپس آنهارا خارج کردیم . بدون اجازه کشورآنهارابمباران وجنگلهایشان راازبین برده ایم . معذلک بخاطراحترام به استقلال آنها . به آنهااجازه میدهیم که بازندانیان خود بدرفتاری نمایند . هلمز براون ودان لیوس رك . به اثر ذکرشده صص ۲۷ــ ۲۸

توجه واشنگتن بیشترمعطوف ساختمان مراکزبازداشت است .

.... درسال ۱۹۷۱ پس از افشای وجود قفس‌های ببر درزندان کن سن . توسط دوتن ازنمایندگان امریکائی حکومت سایگون برنامه ساختمان قفس‌های جدید راکه بطوررسمی سلولهای انفرادی نامیده میشوند بمورد اجرا گذاشت واز زندانیان بهمین منظور بعنوان کارگر اجبارا استفاده کرد . چون زندانیان از مشارکت در " اجرای این برنامه که محتاج کمك آنهابود " سرباز زدند . آژانس بین المللی توسعه مجبور شدبا ر.م.آ.ب.رز یك کمپانی امریکائی قرارداد ی بمبلغ ٤۰۰ هزاردلا منعقد نماید . (۱)

بنابدرخواست کنگره . سفیرایالات متحده ولیام کلــــبی بطورخلاصه نظرخود رادرباره مشارکت آمریکادرحفظ سیستم جزائی رژیم سایگون چنین ابرازکرد :

درسال ۱۹٦۳ آمریکاتدارك یك برنامه" مشاوره وکمك به سیستم زندانهای حکومت ویتنام راآغازکرد . درسال ۱۹٦۷ کوروس مسئولیت این برنامه" رابعهده گرفت .

دراین سال مشکلات زیاد ناشی ازجنگ وازدست دادن زندانیان بخاطر حملات ــ

۱ــ گزارش درباره آمریکا ص ۹٦

ویت کنگ بطور جدی مطرح شدند . هم چنین برنامه دیگری برای تقویت تنسیق و افز
ایش و زند انها بعهده گرفتیم . تعداد مشاورینی که در این مرکز کارمیکردند سال
بسال افزایش می یافت . کاکنان غیرنظامی وهم نظامیان من جمله از ٦ عضو دفتر
فدرال زند انها که درحال حاضر درویتنام هستند مورد استفاده قرار میگیرند ! (تکیه
ازناشران است) له آن توو ماریلین ملک ناب
رك بماثرذکرشده ص ۲۲

آمریکائیها مستقیما در دستگیریها . شکنجه وکشتارزند انیان شرکت دارند .

بنابه نوشته نیویورك تایمز ۳ اوت ۱۹۷۱ . دومامور قدیمی سازمان جاسو
سی نظامی آمریکا هنگام تحقیق کنگره درباره برنامه آنتی دربرابر کمیسیون فرعی
فعالیت های حکومت اظهارداشته اند که درچهارچوب برنامه سیمرغ نیزغیر
نظامیان ویتنامی برحسب تصادف توسط آمریکائیها دستگیر شکنجه وسپس قتل
عام میشوند تا این ترتیب کادرهای ویت کنگ تصفیه گرندند با رتون ازسربازان قدیمی
که درویتنام به حساب سیاکار میکرده . اظهارداشته است که طی ۱۵ ماه اولیه
اقامتش در ویتنام درسالهای ۱۹۶۷ – ۱۹۶۸ ناظر بر ارتکاب صدها قتل بوده
است . اززند انیان ویتنامی که بخاطرتحقیق دستگیرشده اند . هیچیك پس ازبازجوئی
زنده نماندند . مامور دیگر برنامه سیمرغ . ستوان یکم میکائیل اوهی اظهارات
پنتاگون رامبنی براینکه هدف این برنامه فقط رهبران ویت کنگ میباشد رد کرده است
اوخاطر نشان میکرد که اکثرا افراد مشکوك که درجریان تصفیه ها دستگیر شده
بودند بطور دلخواه آنها جزء ویت کنگ قرارداده بودند .
مایکل کلارب جنگ بی پایان
صص ۲٦۸ – ۲٦۷

. . . همه این اسرا باشکنجه ومجازات آشناهستند . هم چنین رژیم سایگون
درنظرآنان رژیمی دیکتاتورو وحشی است . ولی باید گفت که آمریکائیها درهنر باز
جوئی وشکنجه استادند مراکزبازجوئی که توسط آمریکائیها اداره میشوند . بخاطر
شیوه های ظریف شان درشکنجه معروف هستند (تکیه ازناشران است) .کتاب

۱ـ رجوع کنید به اثر ذکرشده ص ۲۲۵

مارك لا ن بنام" سربازان آمریکائی متهم میکنند " مانند شهادت های دان لیوس درباره" شکنجه هاورژیم جزائی آمریکائیهاست . فقط بخشی ازواقعیت رامنعکس میکنند . . .

تکوکونگ د و ك

لوموند ۳ژانویه ۷۳ ۱

کمك آمریکابه سیستم پلیسی وجزائی سایگون پس ازامضای موافقتنامه پاریس .

بنظر میآید که ایالات متحده امریکادرآینده علیرغم موافقتنامه" پاریس بکمك مالی خود به نیروهای پلیس تیو وبرنامه" ف ٦ادامه خواهد داد واین موضوع صلح رابطور جدی بخطر خواهد انداخت . آژانس آمریکائی بین المللی توسعه ازکنگره ۱۸ میلیون دلار وازوزارت دفاع تقریباد وبرابر این مبلغ راخواستارشده است . این مبلغ برای تعلیم سالانه" بیست هزار نفرازپلیسهای تیو. تامین اسلحه وتجهیزات پلیس وپرداخت حقوق دویست افسر آمریکائی امنیت عمومی ومشاورانی کهدرمقام ریاست این پلیس خدمت میکنند کافی میباشد . ازوقتیکه این اشخاص ازارتش جدا شده اند حکومت ایالات متحده دیگردرنظرندارد آنهارا ازویتنام بیرون ببرد آنهاجزئی از ده هزارمشاورغیر نظامی هستند که ایالات متحده پس ازآتش بس درویتنام جنوبی نگاه داشته یابآنجافرستاده است . (واشنگتن پست . دوم فوریه ۱۹۷۳)

تنهاکمك آمریکابصورت افراد ودلار است که به تیو اجازه میدهد به دستگیریها . شکنجه هاوکشتارزندانیان سیاسی ادامه دهد وتنها جلوگیری از این وضع بآنها پایان خواهدداد . اگرامریکابااین وضع ادامه دهد وتیوباپشتیبانی ما . کارهایش رادنبال کند . مسلماآتش بس نقض خواهد شد .

خلاصه زندانیان سایگون گزارشی در باره تبلیغات؛ درامریکا برای صلح دهند وچین ۱۹۷۳؛

مطبوعات آمریکابابیزاری وتنفرامور راکه نشان میداد فعالیت نظامی ایالات متحده درویتنام درصورت اجرای آتش بس یاعدم اجرای آمن . بااین زودی پایان نخواهدپذیرفت . افشاکردند . هزینه ارسال اسلحه وهواپیمابعهده آمریکاست برطبق یك برنامه" سری تهیه شده بوسیله پنتاگون پس ازخروج نظامیان اونیفورم پوش . بیست هزار مشاور "غیرنظامی " درویتنام باقی خواهدماند .

سایرعلائم نگران کننده ای که ثابت میکند . نیکسون طرفداریک جنگ بی پایان
ت ـ درحالیکه از صلح دم میزند ـ فراموش شده است . بویژه . دستگاه پلیسی
دانهای ویتنام که توسط ایالات متحده آماده مجهزونیزحمایت شده اند . مسئول
گترین سرکوب تاریخ اخیرویتنام اند .(تکیه ازناشران است)

نگوین وان تیو درصدد تصفیه رقبای سیاسی خوددرزندانهای ویتنام جنوبی
ت . ازاین حیث خطرجدی وفوژی وجود دارد . بعلاوه آشکاراست که واشنگتن
د دارد درسالهای آینده یک دستگاه حمایتی درویتنام بوجود آورد .

. . . . آژانس بین المللی توســـــعه برای مخارج امورزندانهای سا
ون درسال ۱۹۷۳ ازکنگره تقاضای دومیلیون دلاربیشترازسال ۱۹۷۲ کرده است
لاوه آمریکاقصد دارد برای حفظ" امنیت عمومی " درویتنام جنوبی . مشاوران جدید
ای همکاری باپلیس ملی بفرستد . سرمایه های دیگری برای تهیه اسلحه . تنسیق
ور زندانها وفراهم نمودن وسائل تکنیکی پیشرفته برای پلیس بکاربرده خواهد شد و
روهای جدید پلیس دروستاهامستقرمیشوند .

درحال حاضر آژانس بین المللی توســـــعه ازکنگره درخواست بودجه
ضافی برای پلیس ملی تا پایان سال ۱۹۷۸ رامینماید تابتواند مامورینش را بـــه
۱۴۱ هزارنفر برساند . تاکنون هیچ نشانه‌ای دایر براینکه درصورت آتش بـــس
حتمالی این برنامه ویاسایر برنامه های کمتر شناخته شده مورد بررسی مجدد
رارخواهند گرفت درست نیست .

عملیات سیمرغ ـ برنامه ای که طراح وعامل آن سیابوده وبرای حذف رقبای
سیاسی تیو وافراد مشکوک بکاربرده میشود ـ هنوز بشدت ادامه دارد .

لیبریشن نیوز سرویس
۶ دسامبر ۱۹۷۲

برنامه ای قدیمی تحت عنوان جدید ؛ ف۶

همه محافل سایگون نگران وقررات جنگ درویتنام هستند . حکومت ایالات
متحده برای تدارک راه مبارزه "سیاسی " که مطمئنا درویتنام ادامه خواهد یافت .
ابزارجدیدی رادراختیارپلیس نیرومند تیو قرارداده است . برنامه ای جدید که

بطور مختصر ف٦ نامیده میشود . مخفیانه تهیه شده است تاجای برنامه" سیمرغ سیا راکه اخیرا پایان یافته . بگیرد . این برنامه مانند برنامه قبلی هدفش" خنثی کردن "کسانی است که مشکوک به ویت کنگ بودن ویاطرفدار ویت کنگ بودن میباشند (تکیه ازناشران است)

بموجب برنامه ف٦ همه افراد مشکوک بدلایل گوناگون دستگیر میشوند وصرف اتهام برای به زندان افتادن کافی است . اشخاص وخانواده هائی که درگذشته تماس‌هائی با آنطرف داشته یاحتی کسانی که دارای بستگانی درشمال یا در مناطق آزاد شده هستند . نامشان درفهرست افراد مشکوک قرارداردند . در ایـن صورت خانواده‌های کمی هستند که درویتنام جنوبی مورد سو ظن نمیباشند . مـن جمله اشخاصی که درسطوح عالی حکومت سایگون هستند . حتی طرفداران و ... بستگان به تیوه , بطورخصوصی ازبرنامه ف٦ که برای هرویتنامی بمثابه"شمشیر دامو کلس (x) است شکایت دارند . آنها درست نمیدانند که زندانهای ویتنام جنوبی به چه چیزشباهت دارند .

هونگکوک توآن (وکیل مجلس)

پاسیفیک نیوزسرویس ۸ ژانویه ۷۳

مهمترین برنامه ایکه تیوتوسط آن رقبای خود راکشته . دستگیرو لغلب شکنجه کرده است . برنامه "سیمرغ" نامیده میشد درحال حاضرآنرا ف٦ مینامند . (تکیه ازناشران است) . سیا کارکنان لازم برای اجرای آنرابطور وسیع فراهم میکند ۶۱۱۷ غیرنظامی آمریکائی (تحقیق درباره" کمک آمریکا . کمیسیون فرعی مجلس‌نمایندگان درباره عملیات خارجی ژوئیه ــ اوت ۱۹۷۱ ص۲۴۲)

خلاصه زندانیان سایگون گزارشی

درباره تبلیغات برای صلح درهند وچین ۷۳

امریکائیهابه نقش‌فعال خود درپلیس‌ویتنام جنوبی ادامه خواهند داد . درحال حاضر پلیس‌ویتنام دارای ۱۶۰ "مشاورامنیت عمومی" بوده و کاهش‌مهمی درآن‌پیش نشده است .

واشنگتن پست ۸ ژانویه ۱۹۷۳

---

x دامو کلس یکی ازدرباریان دنیس اول . جبارسراکوس (۴۰۶ــ ۳۶۷ ق‌م) .دنیس برای آنکه ناا‌ستواری شادی وخوشبختی رانشان دهد شبی داموکلس‌را به بزم بـــا ←

آمریکن ریرت رقم بزرگتری میدهد .

ایالات متحده امریکادرحال حاضر بر ویتنام جنوبی ۲۶۵ مشاور امنیت عمومی برای اموزرندانها دارد .

در پروژه های مربوطبه بودجه آژانس بین المللی توسعه برای سال مالی ۱۹۷۳ ساختمان ۲۲۳ تاسیسات جدید برای سیستم زندانها وسایر محل های بازداشت در ویتنام جنوبی پیش بینی شده است . آژانس بین المللی توسعه هم چنین قصد دارد که درحدود سال ۱۹۷۵ ، هزینه ایجاد ۱۱/۵ میلیون پرونده شخصی اهالی ویتنامی جنوبی راتامین کند . (پروژه بودجه آژانس بین المللی توسعه فوریه ۷۴ ویتنام ژوئن ۷۲ ص ۳۳۳

وقایع اتفاقیه هند و چین ۲۸ فوریه ۷۳

پس ازگفتن مطالب فوق الذکرمیتوانیم مانند مایکل ج کلار درکتاب جنگ بی پایان (ص ۲۶۸) چنین نتیجه بگیریم .

واشنگتن با انجام این کارها مقاصد خود را دنبال کرده ایست کمك و اداره امنیت عمومی انقدر پیشرفته اند که در واقع پلیس ویتنام جنوبی میتواند بخوبی مانند یك نیروی مزدور ایالات متحده بحساب آید تا یك نهاد محلی و بومی

مایکل کلار ایالات متحده امریکا مرانیت از امپراطوری ترکتینانتال ش ۲۲ ۱۹۷۲

لازم به یادآوری تصویر شور معاینست تا اثبات کنیم ایالات متحده در همه ٔ لسال سرکوب کننده وحشیانه ایکه بفرمان رژیم سایگون توسط پلیس ویتنام جنوبی انجام میشود دخالت بسیار دارد . تکیه از ناشران است .

شکوهی دعوت کرو بربالای بیایگاه اوشمشیر سنگینی را که به موی دم اسبی بسته بسرش آویخت . درتمام مدت بزم وپایکوبی رقاصان همواره بیم آن میرفت که شمشیر ازهم گسسته شود وبرفرق دامو کلس فرود آید . (ازترجمه ۱۸ برومر برداشته شده)

عنــوان

صفحه

فهرست

عنوان

فهرست

صفحه

عنوان | فهرست | صفحه